

مقدمه‌ای بر روند توسعه جهانی بعد از کووید-۱۹



مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری

گروه پژوهشی توسعه، تأمین مالی و اقتصاد بین‌الملل

مجموعه گزارش شماره ۲۳۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسه گزارش

عنوان	مقدمه‌ای بر روند توسعه جهانی بعد از کووید-۱۹
کد شناسه	۹۹-۸-۱۰۲۸۵
گروه پژوهشی	توسعه، تامین مالی و اقتصاد بین‌الملل
پدیدآورنده	سیدرحیم تیموری
مشاور علمی	رضا مجیدزاده
ناشر	مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
تاریخ انتشار	زمستان ۱۳۹۹
طراح جلد	پدرام حاجی اسمعیلی
مطالب این گزارش لزوماً بیانگر نظر رسمی سازمان برنامه و بودجه کشور و مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری نیست.	
حقوق معنوی اثر به پدیدآورندگان و حقوق مادی آن، به مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری سازمان برنامه و بودجه کشور تعلق دارد و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است.	
آدرس: تهران - خیابان نجات‌اللهی - خیابان سپند شرقی - پلاک ۱۶ شماره‌های تماس ۰۲۱-۴۳۳۰۶۰۰۰ - شماره پیام رسان ۰۹۹۲۱۵۷۵۸۴۳	
https://www.dfrc.ir/	

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
بیان مسئله	۲
بخش اول: تعریف مفاهیم و صورت‌بندی وضعیت آغازین	۴
۱-۱- مرور کوتاه بر روند توسعه در سطح جهان	۴
۲-۱- توسعه به مثابه چرخه‌ها و بحران‌ها	۶
۳-۱- توسعه متأثر از پاندمی‌ها و فجایع همه‌گیر	۸
۴-۱- تعیین چارچوب پژوهش	۱۰
بخش دوم: مطالعه روندها	۱۲
۱-۲- افزایش فقر و تغییر در روند نابرابری	۱۲
۲-۲- تحول در مسیر رشد و تغییر مکان تولید بین مناطق جغرافیایی	۱۹
۳-۲- امواج بلندمدت توسعه و انشعاب در مرکزیت نظام جهانی	۲۳
۴-۲- افول در میزان سود- انباشت سرمایه	۲۹
۵-۲- تغییر در روابط کار و اشتغال	۳۲
۶-۲- تحولات مرتبط با بخش‌ها-فعالیت‌های انسانی	۳۸
۷-۲- دگرگونی در قلمرو آزادی/نظارت بر افراد و جوامع انسانی	۴۲
۸-۲- تغییر مسیر جنبش‌ها و حرکت‌های اجتماعی	۴۶
۹-۲- چالش در اسطوره توسعه غربی برای کشورها	۴۹
۱۰-۲- تغییر جهان‌بینی‌ها و انشعاب در چرخه ایدئولوژیک توسعه	۵۱
بخش سوم: نتایج و بحث	۵۴
۱-۳- بیان روندها	۵۴
۲-۳- سیاست‌ها و اقدامات دولت‌ها در مواجهه با کووید-۱۹	۵۹
۳-۳- مؤخره	۶۱
منابع	۶۲

فهرست جداول

عنوان	صفحه
جدول ۱: مقایسه مهم‌ترین پاندمی‌ها در تاریخ حیات بشر	۸
جدول ۲: فقر چندبعدی و میزان آسیب‌پذیری مواجهه با کووید-۱۹ در مناطق مختلف جهان	۱۹
جدول ۳: چرخه‌های کندراتیف و ظهور-افول قدرت‌های هژمون از قرن نوزدهم تاکنون	۲۶
جدول ۴: نرخ سود و نرخ انباشت در سال‌های بهبودِ پس از چهار رکود اقتصادی در دوره سرمایه‌داری نولیبرال ۲۰۱۷-۱۹۷۹ ...	۳۱
جدول ۵: اثرات این بحران بر شرکت‌ها در بخش‌هایی که بیشترین ضربه به آنها وارد شده است	۳۶
جدول ۶: تأثیر پاندمی کووید-۱۹ بر بخش‌ها-فعالیت‌های مختلف انسانی	۳۹
جدول ۷: تأثیر پاندمی کووید-۱۹ بر صنایع مختلف	۴۰
جدول ۸: روند تحوّل بخش‌های مختلف متأثر از کووید-۱۹	۴۱
جدول ۹: ابعاد رکود در اقتصادهای خاورمیانه و کشورهای نفتی بعد از کووید-۱۹	۵۵
جدول ۱۰: طبقه‌بندی سیاست‌ها و اقدامات دولت‌ها در مواجهه با کووید-۱۹	۵۹

فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۵.....	نمودار ۱: خلاصه‌ای از گذار بلندمدت توسعه از قرن نوزدهم تاکنون
۷.....	نمودار ۲: چرخه سودآوری و فراز و فرود توسعه در دوره زمانی ۱۸۵۹-۲۰۲۰
۱۱.....	نمودار ۳: ن اثرات حاصل از لحظه رخداد پاندمی کووید-۱۹ بر روند توسعه جهانی: تعیین چارچوب پژوهش
۱۳.....	نمودار ۴: برآورد نابرابری درآمدی جهانی، ۲۰۱۹-۱۸۲۰
نمودار ۵: روند نرخ فقر برحسب خط فقر درآمد روزانه زیر ۱,۹ دلار در مناطق مختلف جهان، دوره زمانی ۲۰۱۷-	۱۵..... ۱۹۹۰
نمودار ۶: ارقام جدید نرخ فقر جهانی و تعداد افراد فقیر برحسب خط فقر درآمد روزانه زیر ۱,۹ دلار، دوره زمانی ۲۰۲۱-	۲۰۱۵..... ۱۶
نمودار ۷: پیش‌بینی نرخ فقر جهانی و تعداد افراد فقیر برحسب خط فقر درآمد روزانه زیر ۱,۹ دلار تا ۲۰۲۰	۱۷.....
نمودار ۸: ابعاد سنجش فقر چندبعدی	۱۸.....
نمودار ۹: مجموع تولید ناخالص داخلی آمریکا+ بریتانیا در برابر چین+ژاپن برحسب درصد تولید ناخالص داخلی جهانی	۲۰.....
نمودار ۱۰: روند رشد اقتصادهای E7 و G7 برحسب نرخ ارز بازاری (MER) در دوره ۲۰۱۶-۲۰۵۰	۲۱.....
نمودار ۱۱: روند رشد اقتصادهای E7 و G7 برحسب برابری قدرت خرید (PPP) در دوره ۲۰۱۶-۲۰۵۰	۲۱.....
نمودار ۱۲: مسیر رشد تولید ناخالص داخلی چین و آمریکا	۲۱.....
نمودار ۱۳: پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول از رشد اقتصادی جهان در دوره ۲۰۲۱-	۲۳.....
نمودار ۱۴: چرخه‌های کندراتیف و ظهور چین در چرخه پنجم و عصر انقلاب در تکنولوژی ارتباطات	۲۶.....
نمودار ۱۵: میانگین نرخ انباشت سرمایه در دوره سرمایه‌داری تنظیم شده و سرمایه‌داری نولیبرال	۳۰.....
نمودار ۱۶: تولید صنعتی و خرده‌فروشی در کشورهای منتخب جهان در لحظه پاندمی کووید-۱۹	۳۲.....
نمودار ۱۷: روند اشتغال صنعتی در مناطق جغرافیایی غرب و شرق جهان در دوره ۲۰۱۷-۱۹۹۱	۳۳.....
نمودار ۱۸: کاهش سهم نیروی کار از درآمد در میان کشورهای صنعتی	۳۴.....
نمودار ۱۹: کاهش تخمینی در مجموع ساعات کاری در نیمه اول سال ۲۰۲۰ در مقایسه با پایه قبل از بحران به صورت درصد	۳۵.....
نمودار ۲۰: کارگران اقتصاد غیررسمی: چه تعداد از آنها بسیار تحت تأثیر قرار گرفته‌اند؟	۳۷.....
نمودار ۲۱: چارچوب تحول جنبش‌های اجتماعی در جغرافیای سیاسی-اقتصادی جهان از قرن نوزدهم تا هزاره سوم	۴۸.....

نمودار ۲۲: رکود و بحران مالی متأثر از کووید-۱۹ در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه تا سال ۲۰۲۵.....۵۴

مقدمه

سرعت تحولات دوره ۲۰۲۰-۲۰۱۹ بهت آور بوده است. بیماری ناشناخته کووید-۱۹ از ووهان چین به سرعت پهنه جهان را درنوشته و جهانیان را با بزرگ‌ترین بحران از پایان جنگ جهانی دوم به این سو مواجه کرده است. جهان به کدام سو می‌رود و برای دولت‌ها که هنوز استراتژی منسجمی برای کاربست در شرایط کنونی ندارند؛ چه چشم‌اندازی قابل انتظار است و روند آینده توسعه جهانی چه سمت و سویی دارد؟ کووید-۱۹ به‌طور جدی توانایی‌های بشر را محک زده و رویه‌های شخصی و گروهی در ساماندهی سیاسی و اقتصادی جامعه «به عبارت دیگر سیر حرکت توسعه» را تغییر داده، حتی به نظر می‌رسد فهم همگان از آموزه یا اندیشه توسعه دگرگون شده است.

آشکارا امر ناممکن اتفاق افتاده و جهانی که می‌شناختیم موقتاً دچار وقفه شده است. وسعت این بیماری و تأثیر بزرگی که بر حیات اجتماعی و فعالیت‌های اقتصادی تقریباً در همه کشورهای جهان دارد از نگاه مؤسسات جهانی توسعه و پژوهشگران این حوزه دور نمانده است. هرچند با توجه به کشف واکسن کووید-۱۹ و احتمال واکسیناسیون گسترده تا پایان سال ۲۰۲۱، به پایان پاندمی نزدیک می‌شویم، اما این تنها یک روی سکه است. روی دیگر آن، اثرات بلندمدت پاندمی کووید-۱۹ بر پیکره اقتصادها و جوامع انسانی است. به استناد گزارشات مؤسساتی مانند صندوق بین‌المللی پول، مؤسسه سازمان ملل، بانک جهانی و دیدگاه اندیشمندان مرجع پیرامون وضعیت اقتصادی-اجتماعی و سیاسی جهان که بررسی آنها بخشی از چارچوب این تحقیق است؛ پاندمی کووید-۱۹ احتمالاً موجب بزرگ‌ترین بحران جهانی بعد از رکود بزرگ ۱۹۳۰ خواهد بود. اگرچه هر بحرانی در حکم یک نقطه عطف و پیچ تاریخی در روال‌های موجود نیست، اما به نظر می‌رسد اثرات کووید-۱۹ بر شتاب تحولات افزوده و مطالعه روند توسعه جهانی بعد از کووید-۱۹ یک گزاره معنی‌دار است؛ بنابراین، این پرسش بنیادی مطرح است که بحران موجود تا چه میزان واقعیت یا توهم است؛ و کدام الگوی توسعه موفق به گذر آن خواهد بود؟ گزارش پیش‌رو از یک سوی،

درصد بررسی مقتضیات و احتمالات مرتبط با مطالعه دوشاخه شدن روند توسعه جهانی^۱ بین مناطق مختلف جهان و از سوی دیگر، کنکاش پیرامون عمق آسیب‌پذیری آموزه و اندیشه توسعه در هنگامه کنونی است.

بیان مسئله

فضای توسعه جهانی متأثر از رقابت بین کشورهاست و حصول «توسعه»، مستلزم بازیگری فعال کشورها در نظام رقابت بینادولتی، مکان‌یابی دولت‌ها در نظام جهانی و غلبه بر مشکلات پیچیده جبران فاصله در رقابت فشرده سیاسی-اقتصادی است؛ به عبارت دیگر، «توسعه» یک مفهوم پویا است که سازوکار و تقسیم کار آن در سطح جهانی مشخص می‌شود؛ و مسیر آن را ضرورت جبران فاصله بین کشورهای پیشگام و جامانده تعیین می‌کند. همچنین نقطه عزیمت توسعه، تعامل شرایط سپهر سیاست با اقتصاد است و کنش متقابل این دو حوزه-متأثر از افت و خیزهای نظام جهانی-سرنوشت جوامع انسانی را در دنیای جدید رقم زده و کشورها را به برندگان و بازندگان مسابقه توسعه تقسیم کرده است.

گزارش کنونی در واقع یک پژوهش مقایسه محور پیرامون روند توسعه جهانی بعد از کووید-۱۹ است و بر دو گزاره و مسئله بنیادین بنا شده است: اولاً، بسیار قبل‌تر از لحظه بروز بیماری کووید-۱۹، آهنگ توسعه جهانی در سالیان آغازین هزاره سوم متأثر از چندین بحران ادواری و سرشت درازمدت تحولات کشورها و مناطق مختلف جهان، وارد دوره افول خود شده بود. از جمله باید به بحران اقتصادی-مالی شرق آسیا در دهه ۱۹۹۰ و بحران مالی ۲۰۰۸ آمریکا اشاره کرد که اثرات ساختاری آن در ترکیب با روند درازمدت نرخ کاهنده سود سرمایه، بسیار قبل‌تر از همه‌گیر شدن بیماری کووید-۱۹ بر پیکره اقتصاد جهانی نشسته است.^۲ بنابراین اثرات حاصل از کووید-۱۹ باید در متن و در ترکیب با اثرات فوق‌الذکر و در یک چشم‌انداز تطبیقی وسیع که همانا روند درازمدت توسعه جهانی است تبیین شود. در اینجا صرفاً تأکید می‌شود که در این گزارش به سیاق مطالعات معطوف به بررسی اثرات انتشاری یک بحران در یک دوره زمانی معین و برای تبیین لحظه تبدیل بیماری به یک پاندمی بحران‌ساز جهانی، به اختصار از بحران کووید-۱۹ استفاده شده است. ثانیاً، بحران کووید-۱۹ باید در قیاس با بحران‌های همه‌گیر مشابه در گذشته بررسی

1. World Development

این گزارش نوعی روندپژوهی پیرامون مسیرهای توسعه در جهان بعد از کووید-۱۹ است و صرفاً معطوف به بررسی ایران نیست؛ هرچند در بخش‌های مختلف و در ارجاعات و نمودارهای گزارش به وضعیت ایران نیز به مانند برخی کشورهای منتخب دیگر اشاره شده است. در ضمن، گزارش‌های مختص ایران از طرف نگارنده و همکاران این مرکز تدوین شده که در آرشیو گزارشات و نیز گاهنامه مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری قابل دسترس است.^۲ درباره جوانب این تحولات در گزارش کنونی با جزئیات بحث شده است.

شود تا کم و کیف و نوع بحران کنونی با توجه به دامنه تأثیرات آن بر شاخص‌های اقتصادی- اجتماعی (بعد عینی توسعه) و جهان‌بینی‌ها و نگرش‌ها (بعد ذهنی توسعه) به دقت از موارد قبلی تمیز داده شود.^۱

با توجه به دو مورد فوق، نوع و میزان تأثیر این پاندمی به عنوان یک عامل بحرانی بر مسیر توسعه جهانی آشکارتر خواهد شد. از این حیث که اگر لحظه گسست حاصل از کووید-۱۹، در متن تغییرات بلندمدت توسعه و بحران‌های ادواری حاصل از آن بر روند حرکت کشورها دیده شود؛ مشخص خواهد شد که اساساً مورد خاص کووید-۱۹ چه میزان یک بحران است؟ و از ارائه نتایج مبالغه‌آمیز در این زمینه اجتناب خواهد شد. همچنین اگر بحران کووید-۱۹^۲ در قیاس با بحران‌های همه‌گیر مشابه در گذشته بررسی شود دامنه و نوع تأثیرات آن به صورت تطبیقی مشخص خواهد شد و می‌توان درباره اثرات ساختاری ناشی از بیماری در آینده، به گمانه‌های معتبر رسید.

پیدااست که بررسی موارد فوق بسیار زمان‌بر و مستلزم اطلاعات جامع و چندرشته‌ای و تحقیقات مفصل پیشینی که نه دسترسی به آنها مقدور است و نه نگارنده زمان و داعیه آن را دارد. بنابراین، پژوهش کنونی یک مقدمه برای بررسی جامع موضوع با توجه به رسالت مرکز در بیان ابعاد پیچیده توسعه است؛ گو اینکه مروری بر تحقیقات پراکنده صورت گرفته پیرامون این بیماری و اثرات متعاقب آن نیز نشان می‌دهد تاکنون تحلیل چندبعدی و تطبیقی از اثرات کووید-۱۹ صورت نگرفته و اکثر مطالعات بخشی‌نگر و معطوف به مسائل سازمانی خاص بوده است. در ابتدا ضرورت دارد منظور خود را از مفاهیمی چون توسعه جهانی، بحران، گسست و غیره بیان کنیم و حدود و ثغور مطالعه را مشخص نماییم.

۱. تحقیقات زیادی درباره نقش دوران‌ساز پاندمی‌های گذشته مانند طاعون و آنفلوآنزای اسپانیایی از بابت تأثیر آنها در تغییر نگرش‌ها، ارزش‌ها و معیارهای توسعه انجام شده است. از جمله فرانک اسنودن (۲۰۱۹) در کتاب *پیدمی‌ها و جامعه: از طاعون سیاه تا امروز*، این گمانه را مطرح کرده که شیوع طاعون مسائل واقعاً عمیق فلسفی، مذهبی و اخلاقی را از نو مطرح کرد که اثرات خود را در طلوع اندیشه اومانیستی و ظهور رنسانس بر جای گذاشت. همچنین کریستین بلیکل (۲۰۲۰)، اقتصاددان بانک فدرال رزرو نیویورک در مطالعه موردی خود بر روی آلمان، آنفلوآنزای اسپانیایی را یکی از زمینه‌های تسریع‌کننده روی کارآمدن ناسیونالیست‌های آلمان و تأثیر متعاقب آن بر توسعه نظام سرمایه‌داری و روابط قدرت‌های نوظهور دانسته است.

۲. گزارش بر این فرض بنا شده که بیماری کووید-۱۹ یک لحظه گسست در مسیر توسعه کشورها و یک مقطع بحرانی است.

بخش اول: تعریف مفاهیم و صورت‌بندی وضعیت آغازین

۱-۱- مرور کوتاه بر روند توسعه در سطح جهان

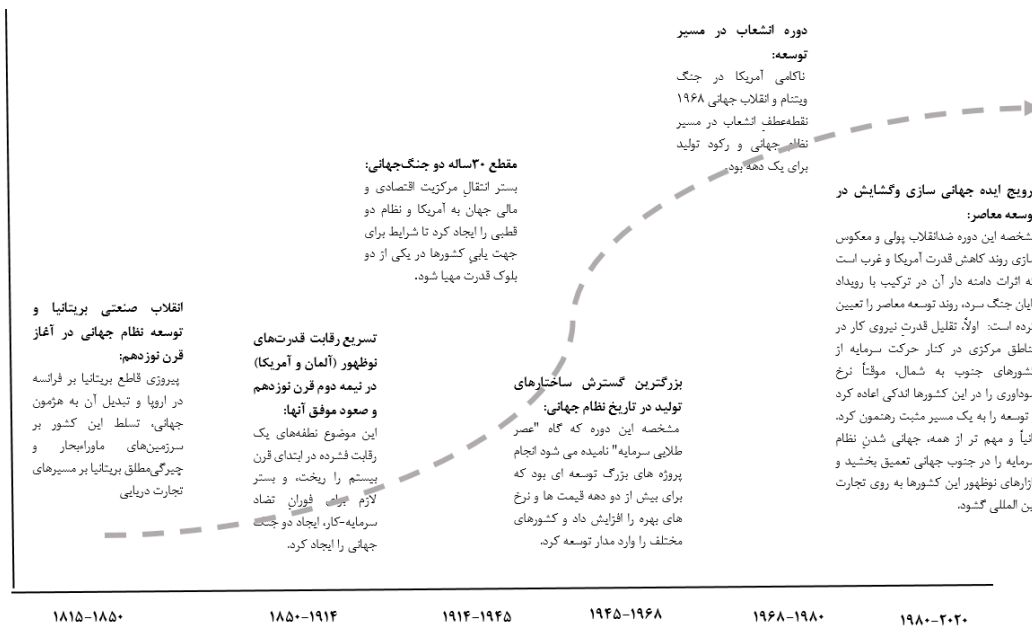
روند توسعه کشورها با توجه به انباشت سرمایه و رقابت فشرده سیاسی-اقتصادی دولت‌های مسلط و هژمون در نظام جهانی سرمایه‌داری تعریف می‌شود که طبق منطق درونی خاص خود، حداقل از قرن شانزدهم^۱ به بعد، کشورهای مختلف جهان را به چرخه بی‌پایان صعود و نزول کشانده و در متن خود، «توسعه» کشورها و مناطق مختلف جهان را سرشته است. اما به‌طور خاص مسیر توسعه کشورهای جهان از قرن نوزدهم پی‌ریزی شده و این تفسیر که انقلاب صنعتی بریتانیا در نیمه اول قرن نوزدهم آغازگاه توسعه در مراکز و اقماری نظام جهانی بسیار قبل‌تر از نهادینه شدن آن در کشورهای مختلف جهان بعد از جنگ جهانی دوم است؛ امروزه از مقبولیت زیادی نزد محققان برخوردار است. انقلاب صنعتی در کنار پیروزی قاطع بریتانیا بر فرانسه در اروپا و تبدیل آن به هژمون جهانی، تسلط این کشور بر سرزمین‌های ماوراءبحار و چیرگی مطلق بریتانیا بر مسیرهای تجارت دریایی را به همراه داشت و البته زمینه رقابت با سایر قدرت‌های نوظهور را تسریع کرد. صعود موفق آمریکا و آلمان در نیمه دوم قرن نوزدهم به مرکز اقتصاد جهانی و تشدید رقابت بین‌دولتی، نطفه‌های یک رقابت فشرده در ابتدای قرن بیستم را ریخت و بستر لازم برای فوران تضاد سرمایه-کار، ایجاد دو جنگ جهانی، انتقال مرکزیت اقتصادی و مالی جهان به آمریکا و نظام دوقطبی را ایجاد کرد تا شرایط برای جهت‌یابی کشورها در یکی از دو بلوک قدرت جنگ سرد مهیا شود.

با تثبیت قدرت جنگ سرد و نظام دوقطبی در فاصله دو جنگ جهانی، شاهد روایت‌آشنای توسعه در اکناف جهان هستیم: تثبیت و گسترش فرایند توسعه در بستر شرایط خاص تاریخی و فرهنگی جهان در فضای پس از جنگ جهانی دوم و کاربست آن توسط سازمان‌های توسعه‌ای در سطح جهانی (بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول) و ملی (نهادهای برنامه‌ریز در سطح کشورها). مابه‌ازای بیرونی روایت فوق نیز آشکار است. در سال‌های ۱۹۶۸-۱۹۴۵ به مدت ربع قرن، شاهد بزرگ‌ترین گسترش ساختارهای تولید در تاریخ نظام جهانی بودیم. مشخصه این دوره که گاه «عصر طلایی سرمایه» نامیده می‌شود، انجام پروژه‌های بزرگ توسعه‌ای بود که برای بیش از دو دهه قیمت‌ها و نرخ‌های بهره را افزایش داد و بعد از آن سیر تحول معکوس شد.^۲

۱. تأکید بر قرن شانزدهم به دلیل برآمدن عصر استعمار و برون‌گرایی اروپا و متعاقباً گسترش سرمایه‌داری در سراسر جهان است. برای آگاهی از دوره بندی‌های فوق، دیدگاه‌های امانوئل والرشتاین در کتاب *نظام جهانی مدرن و فرنان برودل* در کتاب *سرمایه‌داری و تمدن مادی* راهگشاست.

۲. به عبارت دیگر، چرخه درازمدت تولید سرمایه‌داری از دهه ۱۹۷۰، از مرحله الف چرخه کندراتیف به مرحله ب وارد شده که طول دوره ب حدود شش دهه است و هنوز از آن خارج نشده‌ایم. برای آشنایی بیشتر با دیدگاه نیکلای کندراتیف اقتصاددان روس و سایر نظریه‌پردازان این حوزه، درباره چرخه‌های ادواری و بحران‌های سرمایه-سود نگاه کنید به، فصل سوم کتاب *اقتصاد مارکس ۲۰۰ سال بعد از تولد وی*، با عنوان کامل زیر:

پس از موفقیت ۲۵ ساله فوق، انقلاب جهانی ۱۹۶۸ نقطه آغاز بحران در هژمونی ایالات متحده و نقطه عطف انشعاب در مسیر نظام جهانی برای یک دهه بود که با عنوان بحران سود شناخته می‌شود. البته در واکنش به آن و از دهه ۱۹۸۰ شاهد ترویج ایده جهانی‌سازی و نولیبرالیسم و ضدانقلاب پولی تاچر-ریگان برای معکوس‌سازی روند کاهش قدرت آمریکا بوده‌ایم که اثرات دامنه‌دار آن در ترکیب با رویداد پایان جنگ سرد، روند توسعه معاصر را تعیین کرده است: نخست، تقلیل قدرت نیروی کار در مناطق مرکزی اقتصاد جهانی (اروپا و آمریکا)، در کنار حرکت سرمایه از کشورهای جنوب به شمال، موقتاً نرخ سودآوری را در کشورهای غرب اندکی اعاده کرد. دوم، جهانی شدن سرمایه را در جنوب جهانی^۱ تعمیق بخشید و بازارهای نوظهور این کشورها را به روی تجارت بین‌المللی گشود. این گشایش، البته خواسته یا ناخواسته، بازیگران توسعه‌ای نوظهور و قدرتمندی مانند چین و هند را به مدار تحولات جهانی وارد کرد. چین در طول سه دهه گذشته در حال احیای مرکزیت شرق آسیا در مناسبات جهانی است و از این دریچه جدید است که باید تحولات پرنوسان توسعه معاصر را- که تصادفاً یک ویروس ناشناخته نیز دامنه این تحولات را وسیع‌تر کرده- به نظاره نشست. نمودار ۱ که معرف گذار بلندمدت توسعه از قرن نوزدهم تاکنون است، نشان می‌دهد امروزه هیچ نقطه‌ای در سیاره زمین از حرکت جهانی سرمایه و «توسعه» هم‌آیند با آن مصون نیست.



نمودار ۱: خلاصه‌ای از گذار بلندمدت توسعه از قرن نوزدهم تاکنون

منبع: یافته‌های گزارش

Michael Roberts(2018), *Marx 200: a review of Marx's economics 200 years after his birth*, Published and printed by Lulu.com

۱. جنوب جهانی مفهومی گسترده‌تر از «استعاره برای کشورهای توسعه نیافته» است.

۱-۲- توسعه به مثابه چرخه‌ها و بحران‌ها

جلوه اصلی توسعه در دنیای جدید، ایجاد بحران‌ها در مقاطع زمانی مختلف است که هم چرخه‌ای و هم درازمدت هستند. این بحران‌ها چرخه‌ای^۱ هستند، یعنی شاهد تناوب و تکرار رکود و رونق در انباشت سرمایه‌دارانه هستیم. در عین حال درازمدت^۲ هستند، یعنی نظام سرمایه‌داری که ظرف توسعه کشورهای مختلف است نمی‌تواند برای همیشه ادامه داشته باشد (حتی با بحران‌های تکراری)، بلکه سرانجام به عنوان یک نظام سازماندهی اجتماعی به جایی می‌رسد که فرومی‌پاشد و باید با یک نظام تازه جایگزین شود؟^۳

فعلاً با روندهای درازمدت و به زبان مارکس، تئوری فروریختگی که معتقد به نظام سازماندهی اجتماعی فعلی پس از بحران نهایی سودآوری انباشت سرمایه است، کاری نداریم؛ بلکه نگاه ما معطوف به انواع و دوره زمانی چرخه‌های تکرارشونده است که مسیر توسعه را در کشورهای مختلف حک می‌کند. مهم‌ترین آنها چرخه سودآوری است که از مهم‌ترین قانون اقتصاد سیاسی؛ یعنی قانون گرایش نزولی سود منتج می‌شود. چرخه بازار سهام نیز الگویی شبیه به چرخه سودآوری حتی به لحاظ دوره زمانی است (۳۲ تا ۳۶)؛ چرخه مهم دیگر، یعنی چرخه قیمت‌ها یا چرخه کندراتیف^۴ به لحاظ زمانی دو برابر طول می‌کشد (۶۴ تا ۷۲ سال: دو دهه دوره رونق و بقیه دوره رکود). البته یک چرخه رشد اقتصادی و رکود اقتصادی (یا چرخه تجاری) نیز داریم که حدود ۱۰-۹ سال طول می‌کشد. بنابراین، طول دوره زمانی و ماهیت چرخه‌ها متفاوت است.^۵ آنچه مهم است هم‌زمانی چرخه‌ها با یکدیگر است؛ مثلاً رونق چرخه سود از ۱۹۴۶ تا ۱۹۶۵ با رونق چرخه کندراتیف ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۸ هم‌زمان شد و عصر طلایی سرمایه‌داری را رقم زد. بنابراین، لازم است برای مشخص شدن وضعیت فعلی نظام توسعه به مثابه چرخه‌ها و بحران‌ها، نگاهی دقیق به چرخه سودآوری در دوره زمانی ۲۰۲۰-۱۸۵۹ بیندازیم.

مطابق نمودار ۲ در دوره طولانی ۲۰۲۰-۱۸۵۹، شاهد چندین دوره رونق و رکود در چرخه سودآوری بوده‌ایم. مهم‌ترین آنها دوره بهبود انتهای قرن نوزدهم تا سال‌های معطوف به جنگ جهانی اول است که به دوران زیبای عصر

1. Cyclical

2. Secular

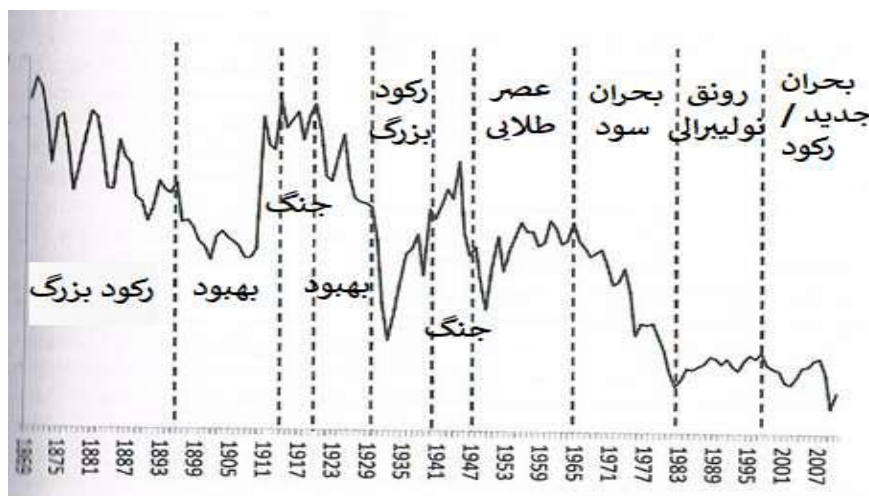
۳. برای آشنایی با ریتم‌های چرخه‌ای و روندهای درازمدت پویا در اقتصاد جهانی سرمایه‌داری آثار ایمانوئل والرشتاین راهگشاست، از جمله نگاه کنید به: Terence K. Hopkins and Immanuel Wallerstein, "Cyclical Rhythms and Secular Trends of the Capitalist World Economy", *Review (Fernand Braudel Center)*, Vol. 39, No. 1/4, WORLD-SYSTEMS ANALYSIS ESSAYS IN METHODS AND PRACTICE (2016), pp. 153-170.

4. Kondratiev

۵. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به:

مایکل رابرتز، «اقتصاد مارکس، فصل سوم: مارکس و نظریه بحران»، ترجمه احمد سیف، فصلنامه نقد اقتصاد سیاسی، شماره یازدهم، تابستان ۱۳۹۷.

ادوار^۱ معروف بوده و چنانچه در نمودار ۲ ملاحظه می‌شود در این بازه زمانی، چرخه سودآوری به بالاترین حد خود در دو سده گذشته رسید و پس از آن نرخ سود حتی به‌رغم وضعیت مثبت در عصر طلایی ۱۹۶۸-۱۹۴۸ هرگز به سطح گذشته اعاده نشده است. شناخته شده‌ترین مقطع بحرانی در دوره فوق نیز رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ است که بحران کنونی ناشی از شیوع ویروس کووید-۱۹ به لحاظ دامنه تأثیرات و شرایط رویداد با آن مقایسه می‌شود. چنانچه در نمودار ۲ نیز ملاحظه می‌شود به‌رغم رونق نولیبرالی دهه ۱۹۸۰، از سال ۱۹۹۷ تاکنون در دوره بحران/ رکود جدید به سر می‌بریم که دارای چندین نقطه عطف است: بحران مالی شرق آسیا در سال ۱۹۹۷، بحران مالی ۲۰۰۸ آمریکا و نیز بحران کووید-۱۹ که هنوز در میانه آن قرار داریم.



نمودار ۲: چرخه سودآوری و فراز و فرود توسعه در دوره زمانی ۱۸۵۹-۲۰۲۰

منبع: رابرتز، ۱۳۹۷

هدف از ارائه مطالب فوق، رسیدن به تصویر جامع‌تر از موقعیت کنونی البته در قیاس با رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ است. بحران کووید-۱۹ در شرایطی رخ داده که هنوز در دوره بحران جدید/ رکود در سودآوری به سر می‌بریم (نگاه کنید به: نمودار ۲). مشخصه این دوره این است که پس از سال ۱۹۹۷، اقتصادهای سرمایه‌داری وارد یک چرخه نزولی سود شده‌اند که اتفاقاً در تمام طول دوره (۱۹۹۷-۲۰۲۰) با امواج نزولی در چرخه کندراتیف یا چرخه قیمت‌ها همراه است. حال که آمارهای صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، حاکی از منفی شدن رشد اقتصادی مناطق مختلف

1. The Edwardian era, La belle époque

عصر ادوارد، عنوان دوره‌ای کوتاه و درخشان در تاریخ انگلستان است که سلطنت کوتاه ادوارد هفتم از ۱۹۰۱ تا ۱۹۱۰ را شامل می‌گردد. این دوره در برخی متون گسترش یافته و روندهای طولانی مدت دهه ۱۹۸۰ تا جنگ جهانی اول را در بر می‌گیرد و از بابت تأثیرات مثبت آن دوران زیبا یا روزگار خوش نامیده می‌شود. برای آشنایی با ویژگی‌های این دوره از زاویه رکود و رونق بزرگ پایان قرن نوزدهم، نگاه کنید به:

Giovanni Arrighi (2007) *Adam Smith in Beijing : lineages of the twenty-first century*, verso

در سال ۲۰۲۰ است،^۱ می‌توان گفت چرخه رشد اقتصادی (چرخه تجاری) نیز به نقطه پایین خود رسیده و بنابراین مشابه با رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ شاهد وضعیت تعمیق رکود هستیم. بی‌جهت نیست که مؤسسات معتبر، دائم به مقایسه رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ با رکود مزمین کنونی می‌پردازند. تا آنجاکه تجربه بحران‌های قبلی و از جمله مهم‌ترین آنها، یعنی رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ و بحران مالی ۲۰۰۸ نشان می‌دهند مهم‌ترین تغییرات محتمل در روند توسعه کنونی متأثر از بحران کووید-۱۹، مواردی چون دگرگونی در مناسبات کار و سرمایه، کاهش اشتغال و رشد اقتصادی، فقر شدید و مطلق، رابطه سود-انباشت سرمایه و نیز انشعاب و تغییر مکان تولید بین مناطق جغرافیایی شرق و غرب هستند که در نمودار ۳ فهرست شده‌اند.^۲

۱-۳- توسعه متأثر از پاندمی‌ها و فجایع همه‌گیر

مسیر پر افت و خیز توسعه کشورهای اگرچه در بلندمدت هیچ‌گاه از حرکت باز نمی‌ایستد، اما متأثر از پاندمی‌ها و فجایع همه‌گیر مانند جنگ‌ها و بیماری‌ها دچار وقفه می‌شود. شاهد مثال بیماری کووید-۱۹، سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۹ است که از بابت دامنه تأثیرات، معمولاً با طاعون سیاه ۱۳۵۱-۱۳۴۷ و آنفلوآنزای اسپانیایی ۱۹۱۹-۱۹۱۸ مقایسه می‌شود. در جدول ۱ بیماری‌های مهم همه‌گیر تاریخ بشر از بابت دوره زمانی، نوع ویروس و میزان مرگ و میر فهرست شده است. چنانچه مقایسه کووید-۱۹ با شبیه‌ترین مورد از پاندمی‌ها در سده اخیر، یعنی آنفلوآنزای اسپانیایی مدنظر باشد، آشکار است که میزان مرگ و میر کووید-۱۹ با توجه به جمعیت جهان و نیز دورنمای کنترل بیماری بسیار ناچیز است (آنفلوآنزای اسپانیایی ۲,۵ تا ۵ درصد جمعیت جهان را به کام مرگ کشاند). همچنین در دهه‌های اخیر به تدریج از کشندگی پاندمی‌ها کاسته شده که دلیل آن پیشرفت‌های پزشکی است؛ بنابراین، از این نظر نباید نگرانی چندانی نسبت به آینده بیماری وجود داشته باشد و هراس کنونی نیز توجیه چندانی ندارد؛ اما مقایسه دقیق موارد همه‌گیری نشان می‌دهد اثرات بلندمدت این بیماری‌ها بر ساختارهای اقتصادی-اجتماعی و سیاسی جوامع انسانی بسیار عمیق است.

جدول ۱: مقایسه مهم‌ترین پاندمی‌ها در تاریخ حیات بشر

نام بیماری	دوره زمانی	گونه / میزبان قبل از انسان	تعداد مرگ و میر
طاعون سیاه	۱۳۴۷-۱۳۵۱	باکتری یرسینیا پستیس / موش‌ها، کک‌ها	۲۰۰ میلیون
آبله دنیای جدید (آمریکا، نیمکره غربی)	۱۵۲۰ و پس از آن	ویروس ماژور آبله گاوی	۵۶ میلیون

۱. در بخش‌های بعدی گزارش به این موضوع پرداخته خواهد شد.

۲. بخش انتهایی گزارش نیز شامل پیشنهادها برای گذار از بحران کنونی در مسیر توسعه، با توجه به تجارب کشورهای موفق و در قیاس با بحران‌های قبلی است.

۱ میلیون	بakterی‌های ویبریو کلرا	۱۸۱۷-۱۹۲۳	همه‌گیری‌های وبا ۶-۱
۴۰ تا ۵۰ میلیون	ویروس H1N1 (خوک‌ها)	۱۹۱۸-۱۹۱۹	آنفلوآنزای اسپانیایی
۲۵ تا ۳۵ میلیون	ویروس / شامپانزه‌ها	۱۹۸۱ تاکنون	ایدز / HIV
۱,۴ میلیون نفر تاکنون	ویروس کووید-۱۹ ناشناخته (احتمالاً پنگولین‌ها)	۲۰۱۹ تاکنون	کووید-۱۹

<https://srilankabrief.org/2020/03/visualizing-the-history-of-pandemics/>

از مورد طاعون سیاه یا «مرگ سیاه» شروع می‌کنیم که در سال ۱۳۴۷-۱۳۴۸ در اروپا و در اوج نظام‌های ارزشی، باورها و پراکسیس‌های اروپای سده‌های میانه گسترش یافت و به تدریج همه جهان را درنوردید. فرانک اسنودن (۲۰۱۹) استاد برجسته تاریخ و تاریخ پزشکی در کتاب جدیدش *اپیدمی‌ها و جامعه: از طاعون سیاه تا امروز*^۱ این گمانه را مطرح کرده که اپیدمی‌ها تا حدی تاریخ را شکل داده‌اند، چراکه آنها انسان‌ها را ناگزیر به سوی اندیشیدن درباره پرسش‌های بزرگ سوق می‌دهند. برای مثال، شیوع طاعون پرسش واحدی درباره رابطه انسان با خدا را پیش کشید و مسائل واقعاً عمیق فلسفی، مذهبی و اخلاقی را از نو مطرح کرد که اثرات خود را در طلوع اندیشه اومانیستی و ظهور رنسانس بر جای گذاشت. همچنین تا آنجاکه به بحث کنونی برمی‌گردد طاعون سیاه اثرات عمیقی بر اقتصاد سده‌های میانه بر جای گذاشت. طاعون سیاه نیمی از جمعیت تمام قاره‌ها را کشت، از این رو تأثیر عظیمی بر روی انقلاب صنعتی، برده‌داری و نظام ارباب و رعیتی گذاشت؛ رویدادهایی که می‌توانند پیش درآمدی بر تحکیم نظامات فکری و اقتصادی دنیای جدید باشند. همچنین آنفلوآنزای اسپانیایی ۱۹۱۸-۱۹۱۹ اگرچه در دوره رونق ابتدای قرن بیستم حادث شد (نگاه کنید به: نمودار ۲) و از این نظر شرایط رخداد آن با بیماری کنونی متفاوت است، اما بررسی تطبیقی آن نشان می‌دهد در آن دوره نیز انگ‌زنی اجتماعی و پروپاگاندا (تبلیغات، نژادپرستی، کلیشه‌ها و شک کردن به «دیگری»)، نابرابری در دسترسی به خدمات بهداشتی و آسیب‌پذیری بیشتر اقلیت‌ها و فقرا، بحران نظام‌های بهداشت-درمان و سایر نهادها، کاهش اشتغال و افول بخش‌های اقتصادی از جمله در بخش پوشاک انگلستان و مشاغل کوچک آمریکا مشاهده شد؛ اما نکته مهم‌تر اثرات آن بر نظامات ارزشی و سیاسی زمانه بود. کریستین بلیکل، اقتصاددان بانک فدرال رزرو نیویورک نشان داده است مرگ‌ومیر ناشی از آنفلوآنزای اسپانیایی بین سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰ آینده جامعه آلمان را شکل و نظام سیاسی آن را کاملاً تغییر داد. بررسی بلیکل نشان داد این مرگ‌ومیرها به روشنی با افزایش سهم احزاب راست افراطی و کاهش گرایش به احزاب چپ‌گرا در انتخابات دهه‌های ۱۹۲۰ و

1. Frank M. Snowden(2019) Epidemics and Society: From the Black Death to the Present , Yale

۱۹۳۰ ارتباط داشت؛ نکته‌ای دال بر اینکه نگرانی متفکران نسبت به بروز اقتدارگرایی در شرایط بحران کنونی بی‌دلیل هم نیست.^۱

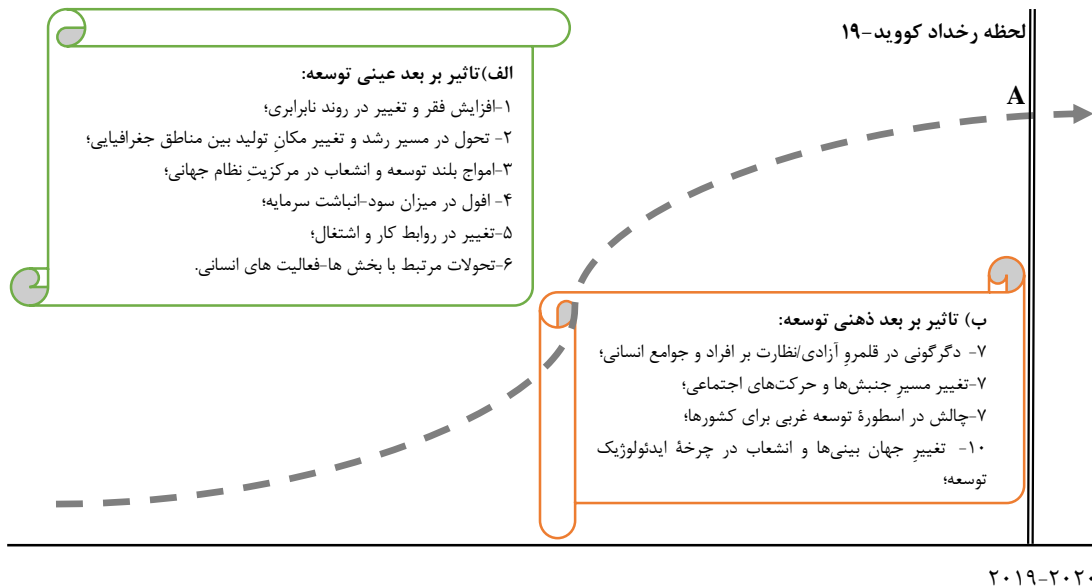
بنابراین، نگاه موشکافانه به جوانب مختلف پاندمی‌ها و فجایع همه‌گیر صرفاً یک فعالیت روشنفکرانه و از سر تفنن نیست. فجایع همه‌گیر لحظات تاریخی برای پرداختن به پرسش‌های بزرگ درباره سرنوشت انسان و سرشت توسعه در جوامع بشری هستند. آنها به‌مثابه محرک‌های بیرونی قدرتمند، ذهنیت توسعه را دگرگون کرده و مسیرهای بدیل را پیش رو قرار می‌دهند. پاندمی جدید نیز به عنوان یک محرک بیرونی قدرتمند که به باور محققان بزرگ‌ترین چالش اقتصاد جهان در ۹۰ سال اخیر است؛ از بابت برملا کردن هزینه پنهانی توسعه اقتصادی، آشکار نمودن آسیب‌های توسعه غیرمولد سرمایه‌داری، شورش علیه رابطه نامتعادل و مصرف‌گرایی بی‌رویه انسان‌ها علیه طبیعت، چالش در اساس نظریه پیشرفت کشورها و نیز دگرسانی در الگوی فعالیت بخش‌های اقتصادی- شغلی حائز اهمیت که در نمودار ۳ خلاصه شده است.

۱-۴- تعیین چارچوب پژوهش

با توجه به بخش‌های ۱-۲ و ۱-۳، اینک قادریم به تصویری دقیق از روند توسعه و افق پیش‌روی آن در بحبوحه بحران جدید برسیم و چارچوب آن را مشخص کنیم. نمودار ۳ را در نظر بگیرید. فرض کنید نقطه A لحظه رخداد پاندمی کووید-۱۹ و ایجاد بحران کووید-۱۹ در خط سیر توسعه جهانی است که در نمودار ۱ و ذیل بخش ۱-۱ بررسی شد. این لحظه تحول‌آفرین مستلزم دگورگونی هم در بعد عینی توسعه و هم در بعد ذهنی آن است (نگاه کنید به: کادرهای الف و ب، نمودار ۳). توضیح اینکه، مطابق بخش ۱-۲، این بحران در شرایطی رخ داده که هنوز در دوره بحران جدید/ رکود در سودآوری به سر می‌بریم و اتفاقاً دوره (۲۰۲۰-۱۹۹۷) با امواج نزولی در چرخه قیمت‌ها توأم است؛ بنابراین، بدون پاندمی اخیر نیز مسیر عینی توسعه احتمالاً نزولی بود. اهمیت کووید-۱۹ در این است که چرخه رشد اقتصادی (چرخه تجاری) را نیز به نقطه پایین خود رسانده و بنابراین، وضعیتی مشابه با رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ با تأثیرات مندرج در کادر الف نمودار ۳ ایجاد کرده یا خواهد کرد؛ اما مطابق داده‌های بخش ۱-۳، فجایع همه‌گیر، لحظات تاریخی برای پرداختن به پرسش‌های بزرگ و محرک‌های بیرونی قدرتمند هستند که ذهنیت توسعه را نیز دگرگون کرده و مسیرهای بدیل را مقابل کنشگران و جوامع انسانی قرار می‌دهند. پاندمی جدید نیز به عنوان یک محرک بیرونی قدرتمند که به باور محققان بزرگ‌ترین چالش اقتصاد جهان در ۹۰ سال اخیر است

۱. درباره افزایش سیستم‌های نظارت و سرکوب و احتمال افزایش نظامات اقتدارگرا بعد از بحران کووید-۱۹ (۲۰۲۰-۲۰۱۹) در ادامه گزارش بحث شده است. درباره مطالعه بلیکل نگاه کنید به: «شباهت‌های کووید-۱۹ با همه‌گیری سال ۱۹۱۸ و ظهور فاشیسم»، باشگاه خبرنگاران، ۲۴ خرداد ۱۳۹۹.

که تأثیر آن بر ابعاد ذهنی توسعه، مطابق کادر ب نمودار ۳ است. ذکر این نکته لازم است که تفکیک ابعاد ذهنی و عینی در عمل غیرممکن است و این مجموعه عوامل بر یکدیگر برهم‌کنش دارند و تفکیک آن دو فقط از بابت تأکید بر این است که ابعاد عینی با فاکتورها و عدد و رقم قابل بیان هستند و ابعاد ذهنی نیازمند بررسی کیفی دیدگاه‌ها و تحلیل اسناد هستند؛ بنابراین، بخش دوم این گزارش یا مطالعه روندها، شامل بررسی موارد مطرح در کادر الف و ب نمودار ۳ است.



۲۰۱۹-۲۰۲۰

نمودار ۳: اثرات حاصل از لحظه رخداد پاندمی کووید-۱۹ بر روند توسعه جهانی: تعیین چارچوب پژوهش

منبع: یافته‌های گزارش

۲- بخش دوم: مطالعه روندها

۲-۱- افزایش فقر و تغییر در روند نابرابری

هرچند بررسی آرای کلاسیک‌ها و متفکران دل‌مشغول سرنوشت توسعه کشورها، حاکی از خوش‌بینی نسبت به حرکت مقدر جوامع دموکراتیک جدید به سمت برابری بیشتر پس از رویدادهای انقلابی سده‌های هجدهم و نوزدهم است؛ اما از تناقضات توسعه در دنیای معاصر اینکه نمود اصلی تحولات توسعه‌ای دنیای معاصر در شکاف‌های درآمدی بین دو بخش از جهان (غرب و آسیا) و در نابرابری درآمدی جهانی میان همه شهروندان جهان است که می‌توانیم این نابرابری را با دقت نسبی از سال ۱۸۲۰ به بعد برآورد کنیم. در نمودار ۴ نابرابری با استفاده از شاخص ضریب جینی سنجیده شده که عدد آن بین ۰ (نبود نابرابری) و ۱ (حداکثر نابرابری) قرار دارد. این شاخص گاهی اوقات بین ۰ تا ۱۰۰ به صورت درصد بیان می‌شود که در آن هر واحد درصد یک نقطه جینی^۱ نامیده می‌شود.

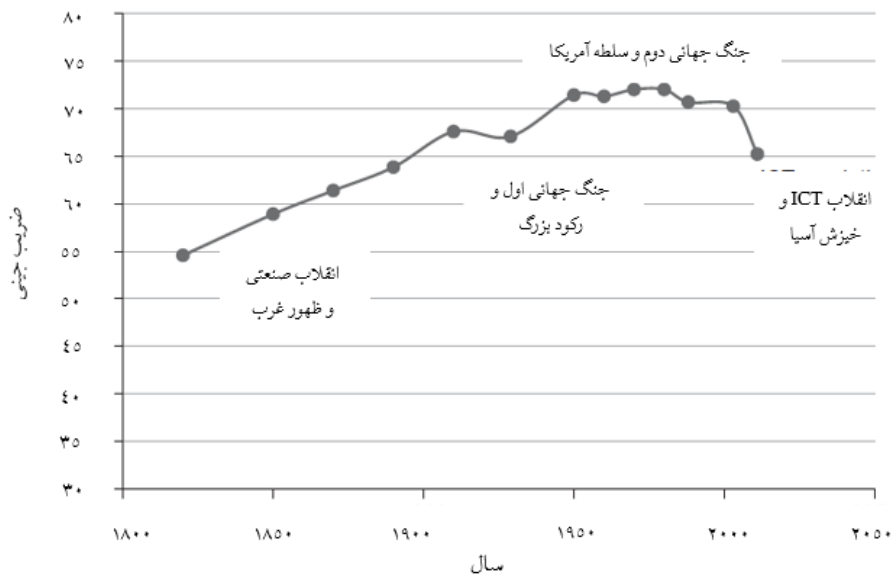
همانگونه که در نمودار ۴ ملاحظه می‌شود، نابرابری جهانی تقریباً به طور پیوسته از سال ۱۸۲۰ یعنی زمان انقلاب صنعتی تا هنگامه جنگ جهانی اول افزایش یافت و شاخص جینی از عدد ۵۵ (سطح نابرابری که تقریباً امروزه در کشورهای آمریکای لاتین وجود دارد) به نزدیک ۷۰ (سطح نابرابری که بالاتر از آفریقای جنوبی امروزی است) رسید. افزایش سطح درآمد در اروپا، آمریکای شمالی و بعداً ژاپن (همراه با ایستایی چین و هند) این روند افزایشی را تشدید کرد و حتی گسترش نابرابری درآمدی در بین ملل جهان اول را به همراه داشت. با دورنگاهی که با آن به تحولات می‌نگریم، پس از سال ۱۹۱۸ نابرابری جهانی کاهش یافت که ناشی از تغییرات ناگهانی و موقت پدیدار شده از بطن جنگ جهانی اول و رکود بزرگ بود، این برهه زمانی بود که درآمدهای غربی از رشد مستمر خود بازایستادند (نگاه کنید به: میلانوویچ، ۲۰۱۹: ۲۰-۱۶).^۲

بعد از جنگ جهانی دوم، شاخص نابرابری جهانی به بالاترین سطح خود؛ یعنی حدود ۷۵ رسید و تا دهه پایانی قرن بیستم در همان نقطه اوج باقی ماند. طی این دوره زمانی، شکاف بین غرب و آسیا-به‌خصوص چین و هند- عمیق‌تر از قبل نشد، خاصه اینکه استقلال هند و انقلاب چین، زمینه‌ای برای مرحله رشد این دو غول مهیا کردند؛ بنابراین، چین و هند از اواخر دهه ۱۹۴۰ تا اوایل دهه ۱۹۸۰ موقعیت نسبی خود را در مقابل غرب حفظ کردند.

1. Gini point

برای آگاهی بیشتر از جزئیات موضوع، نگاه کنید به:

2. Branko Milanovic(2019), *CAPITALISM, ALONE The Future of the System That Rules the World*, Harvard university press.



نمودار ۴: برآورد نابرابری درآمدی جهانی، ۲۰۱۹-۱۸۲۰

منبع: میلانوویچ، ۲۰۱۹: ۲۰.

توضیح داده‌ها: داده‌های دوره ۱۹۸۰-۱۸۲۰ بر مطالعه بورگوینگتون و موریسون (۲۰۰۲) مبتنی هستند و ارقام تولید ناخالص داخلی سرانه آنها با داده‌های جدید مدیسون (۲۰۱۸) جایگزین و به‌روز شده‌اند. داده‌های دوره ۲۰۰۱-۱۹۹۸ بر مطالعه لاکتر و میلانوویچ (۲۰۱۶) و به‌روز رسانی میلانوویچ (۲۰۱۹) هستند. همه درآمدها با برابری قدرت خرید دلار سال ۲۰۱۱ محاسبه شده‌اند.

بعد از دهه ۱۹۸۰ شکاف درآمدی به طرز چشمگیری شروع به تغییر کرد. اصلاحات چین منجر به رشد ۸ درصدی تولید سرانه سالانه در دوره ۲۰۱۹-۱۹۸۰ شد و به‌شدت فاصله این کشور را با غرب کاهش داد. امروزه تولید ناخالص داخلی سرانه «درآمد سرانه» چین تقریباً ۳۵-۳۰ درصد میزان آن در غرب- یعنی همان میزان دهه ۱۸۳۰- است که این موضوع رشد و ترقی اقتصادی این کشور نسبت به غرب را نشان می‌دهد؛ احتمالاً تا زمانی که درآمدها تا حد زیادی یکسان شوند، این مسیر ادامه خواهد یافت. انقلاب اقتصادی چین با رشد شتابان در هند، ویتنام، تایلند، اندونزی و بقیه مناطق آسیا همراه شد. اگرچه این رشد با افزایش نابرابری درون همه کشورها (به‌ویژه در چین) همراه بود، ترمیم شکاف با غرب به کاهش نابرابری درآمدی کمک کرده است. این همان منطقی است که در پس کاهش میزان نابرابری جهانی در دوره ۲۰۰۰ به بعد وجود دارد (نگاه کنید به: نمودار ۴).

همگرایی درآمد کشورهای آسیایی (غیرغربی) با غربی متأثر از دو نیروی پیشران است: نخست، این کاهش نابرابری درآمدی جهانی یا همگرایی درآمدی در حین یک تغییر بزرگ تکنولوژیکی، یعنی انقلاب فناوری اطلاعات و ارتباطات روی داده- انقلابی در تولید که این بار آسیا را بهره‌مند کرده است. اثرات انقلاب فناوری اطلاعات و ارتباطات هنوز به پایان نرسیده، اما از بسیاری جهات مشابه آثار انقلاب صنعتی است: از جمله شاهد یک بازسازماندهی وسیع در

رتبه‌بندی درآمد جهانی خواهیم بود که طی آن برخی گروه‌ها صعود و برخی نیز نزول می‌کنند و از نظر جغرافیایی برندگان و بازندگان تغییر مکان می‌یابند (میلانوویچ، ۲۰۱۹: ۱۹-۱۷). دوم، این کاهش نابرابری درآمدی به‌طور توأمان متأثر از افزایش درآمد سرانه جهان طی چهل سال گذشته و نیز کاهش فقر در همین دوره زمانی است. توضیح اینکه، در دوره زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۶ تولید ناخالص داخلی جهان برحسب شاخص برابری قدرت خرید برحسب سال پایه ۲۰۱۱ به ۲۲ تریلیون دلار و ۱۰۵ تریلیون دلار رسیده و تقریباً پنج برابر شده است و نیز پنج کشور بزرگ آسیا (به‌استثنای چین) در مجموع در این دوره نرخ رشد سرانه بالاتر از اقتصادهای غربی داشته‌اند و بعید است که این روند تغییر کند.^۱ همچنین به استناد گزارش‌های بانک جهانی در همین دوره، وضعیت فقر مطلق در جهان اندکی بهبود یافته و در اروپا، شرق آسیا و خاورمیانه با سرعت بیشتری بهبود یافته است.^۲

حال که مسیر موجود نابرابری جهانی میان کشورها و پیشران‌های آن با جزئیات بیان شد، درباره مقتضیات آینده آن در بستر کنونی چه می‌توان گفت؟ پاسخ مشخص این است پاندمی اخیر با اثرات دامنه‌دار خود بر تولید و اشتغال، وضعیت فقر مطلق را حادث کرده و احتمالاً با افزایش نابرابری جهانی هم‌رویداد خواهد بود که نوعی وقفه در مسیر کاهشی نمودار ۴ ایجاد خواهد کرد.

مسئله فقر را با جزئیات بیشتر توضیح خواهیم داد. بانک جهانی در گزارش جدید خود با عنوان فقر و رفاه مشترک: چرخه‌های معکوس در آینده (۲۰۲۰) برآورد کرده است فقر شدید جهانی در سال ۲۰۲۰ برای نخستین بار در دو دهه گذشته افزایش یابد. در مقدمه گزارش مذکور ضمن تخمین اینکه با شیوع کووید-۱۹ در جهان، ۸۸ تا ۱۱۵ میلیون نفر دیگر دچار فقر شدید^۳ خواهند شد. همچنین تأکید شده که با توجه به وخامت وضعیت اقتصادی جهان، این رقم تا سال ۲۰۲۱ احتمالاً تا ۱۵۰ میلیون نفر دیگر افزایش خواهد یافت. در سال ۲۰۲۰، احتمالاً ۹,۱ تا ۹,۴ درصد جمعیت جهان تحت تأثیر قرار خواهند گرفت، این در حالی است که قبل از شیوع ویروس کووید-۱۹ انتظار می‌رفت میزان فقر در جهان، در سال ۲۰۲۰ به ۷,۹ درصد کاهش یابد. ارقام فوق را با جزئیات دنبال می‌کنیم.

۱. در سال ۱۹۷۰، غرب ۵۶ درصد تولید جهانی را در اختیار داشت و سهم آسیا (شامل ژاپن) فقط ۱۹ درصد بود. امروزه نسبت‌های فوق به ۳۷ درصد غرب و ۴۳ درصد آسیا تغییر کرده است.

۲. درباره وضعیت فقر در دوره زمانی ۱۹۷۰-۲۰۱۰ نگاه کنید به:

- «وضعیت فقر در جهان» (۲۰۱۰)، بانک جهانی، در: سید رحیم تیموری، «تجربه توسعه در ایران بعد انقلاب اسلامی: در انطباق با نظریه‌ها و شاخص‌ها»، مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری، ۱۳۹۸: ۷۸.

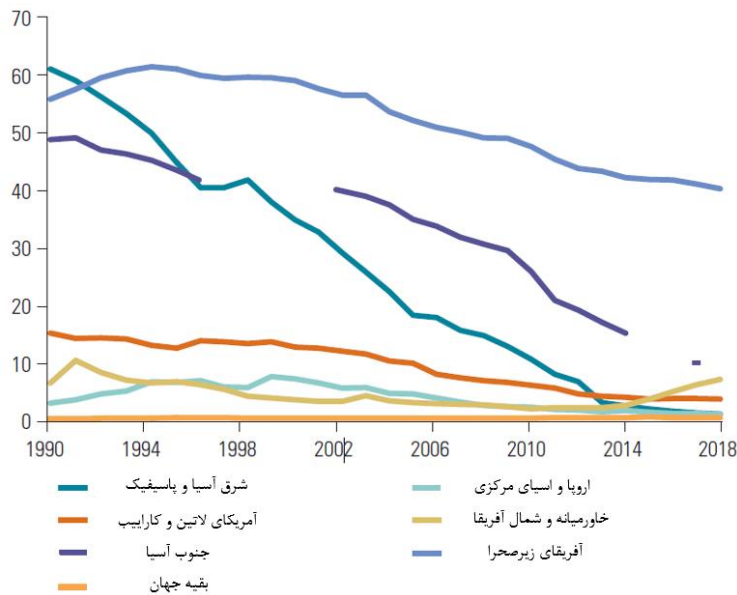
درباره وضعیت فقر در جهان در دوره ۲۰۱۷-۱۹۹۰ و پیش‌بینی تا سال ۲۰۳۰ (متأثر از بیماری کووید-۱۹) نگاه کنید به:

- «Povrty and Shated Prosperity: REVERSALS OF FORTUNE(2020), ” world bank, www.worldbank.org

3. Extreme poverty

افراد دچار فقر شدید کسانی هستند که درآمد روزانه‌شان کمتر از ۱,۹ دلار است.

نمودار ۵ معرف روند نرخ فقر برحسب خط فقر و درآمد روزانه کمتر از ۱٫۹ دلار در دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۱۷ در مناطق مختلف جهان است. چنانچه قبل از این ذکر شد و نمودار ۵ نیز نشان می‌دهد روند فقر در دوره مذکور در همه نقاط جهان به‌استثنای آفریقای زیر صحرای، کاهشی است. به‌خصوص که خاورمیانه و شمال آفریقا و نیز اروپا و آسیای مرکزی وضعیت مطلوبی دارند و کاهش درصد فقر در شرق آسیا و پاسیفیک قابل توجه است.



نمودار ۵: روند نرخ فقر برحسب خط فقر درآمدهای روزانه کمتر از ۱٫۹ دلار در مناطق مختلف جهان، دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۱۷

منبع: فقر و رفاه مشترک، بانک جهانی، ۲۰۲۰: ۳۳

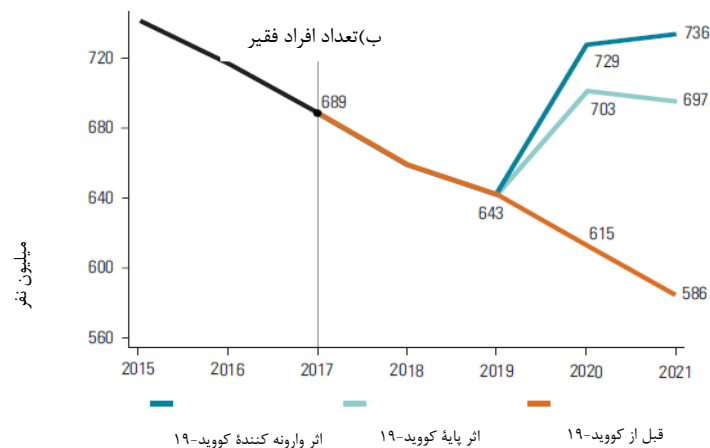
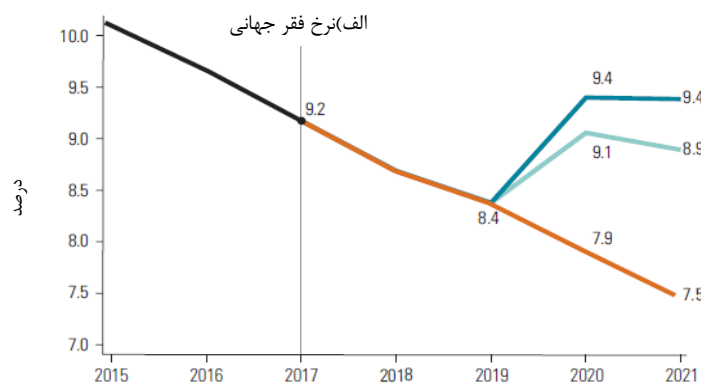
حال چنانچه شرایط تأثیر کووید-۱۹ در نظر گرفته شود و نرخ فقر و تعداد افراد فقیر در سطح جهان برای برهه زمانی بحرانی ۲۰۲۱-۲۰۱۹ و پیش‌بینی تا سال ۲۰۳۰ مطمح نظر باشد؛ باید نمودار ۶ و ۷ و احتمالات ممکن آنها مدنظر قرار گیرد. نمودار ۶ دربرگیرنده نرخ فقر و تعداد افراد فقیر در سطح جهان در دوره ۲۰۲۱-۲۰۱۵ و نمودار ۷ معرف پیش‌بینی نرخ فقر و تعداد افراد فقیر در سطح جهان تا سال ۲۰۳۰ است.

از نمودار ۶ شروع می‌کنیم. بخش الف این نمودار، معرف نرخ فقر جهانی و بخش ب نمودار، معرف تعداد افراد فقیر در دوره ۲۰۲۱-۲۰۱۵ است. هدف نمودار، نشان دادن تأثیر کووید-۱۹ بر این متغیرها است و برای این منظور حرکت نمودار از نقطه زمانی ۲۰۱۹ (لحظه ایجاد پاندمی) در سه مسیر برآورد شده است:

۱- مسیر قبل از کووید-۱۹ که با رنگ نارنجی مشخص شده، همان وضعیت آشنای روند کاهشی نرخ فقر و تعداد افراد فقیر بدون در نظر گرفتن اثرات پاندمی است.

۲- مسیر شامل اثر پایه کووید-۱۹ که با رنگ آبی کم‌رنگ مشخص شده، نشان‌دهنده اثر مبنا و مشخص حاصل از پاندمی بر درصد فقر جهانی (افزایش از ۸,۴ در سال ۲۰۱۹ به ۹,۱ در سال ۲۰۲۰ و ۸,۹ در سال ۲۰۲۱) و تعداد افراد فقیر (افزایش از ۶۴۳ میلیون نفر در سال ۲۰۱۹ به حدود ۷۰۰ میلیون نفر در سال ۲۰۲۱) است.

۳- مسیر شامل اثر وارونه‌کننده کووید-۱۹ که با رنگ آبی تیره مشخص شده، نشان‌دهنده اثر سریع و مخرب پاندمی بر درصد فقر جهانی (افزایش از ۸,۴ در سال ۲۰۱۹ به ۹,۴ در سال ۲۰۲۰ و ۸,۹ در سال ۲۰۲۱) و تعداد افراد فقیر (افزایش از ۶۴۳ میلیون نفر در سال ۲۰۱۹ به ۷۲۹ میلیون نفر در سال ۲۰۲۰ و ۷۳۶ میلیون نفر در سال ۲۰۲۱) است.



نمودار ۶: ارقام جدید نرخ فقر جهانی و تعداد افراد فقیر برحسب خط فقر درآمد روزانه زیر ۱,۹ دلار، دوره زمانی ۲۰۲۱-

۲۰۱۵

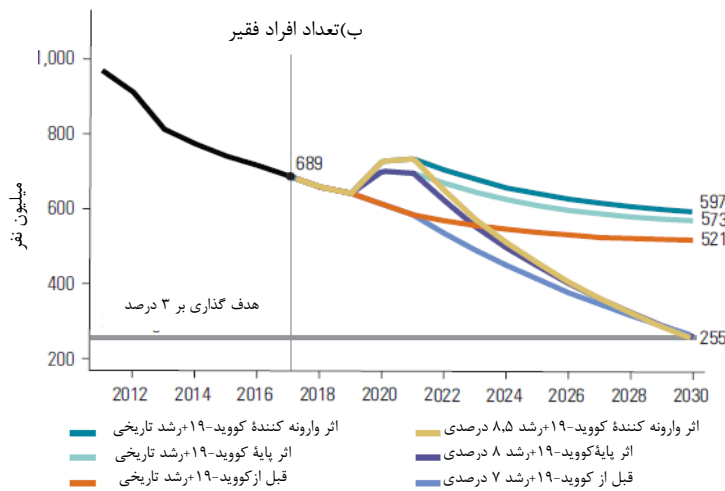
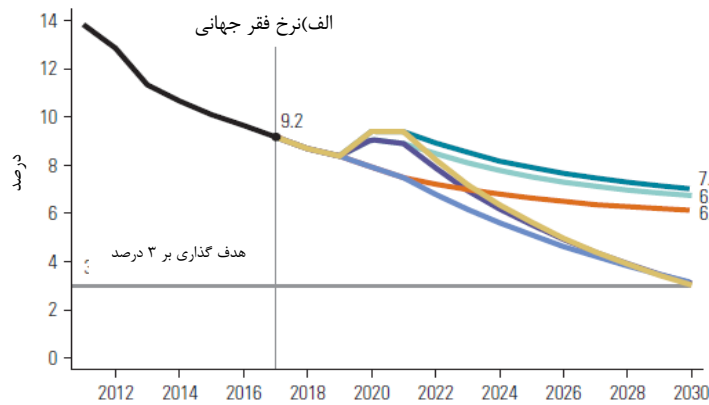
منبع: فقر و رفاه مشترک، بانک جهانی، ۲۰۲۰: ۳۴

1. COVID-19-baseline

مقادیر خط پایه در آمار و مهندسی، شامل مقادیر مهم و مبناً قبل از تاریخ شروع و خاتمه اثر یک متغیر برای ایجاد یک تصویر مشخص از رویداد است.

2. COVID-19-downside

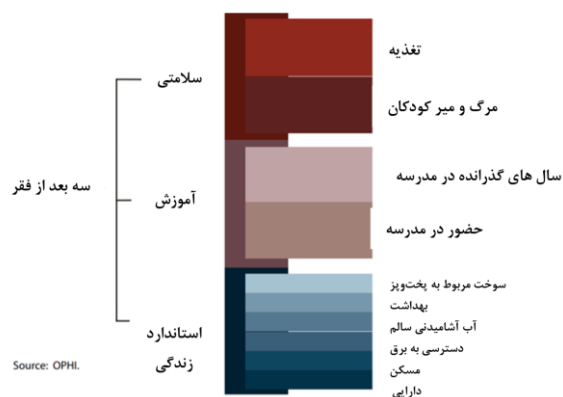
داده‌های نمودار ۷ شامل پیش‌بینی اثرات عمیق‌تر این پاندمی بر نرخ فقر جهانی (بخش الف) و تعداد افراد فقیر (بخش ب) تا سال ۲۰۳۰ است. مطابق نمودار اگرچه بعد از شوک سال ۲۰۲۱-۲۰۲۰، روند فقر اندکی به وضعیت قبل از پاندمی برمی‌گردد، اما نباید از این نکته غافل بود که شیب کاهش فقر به‌مانند شرایط قبل از پاندمی نخواهد بود. این نکته را خطوط نارنجی، آبی کم‌رنگ و آبی تیره که به ترتیب شامل پیش‌بینی مسیر قبل از کووید-۱۹، مسیر حاصل از اثر پایه کووید-۱۹ و مسیر حاصل از اثر وارونه‌کننده کووید-۱۹ تا سال ۲۰۳۰ البته با توجه به رشد تاریخی فقر در دهه‌های اخیر است، نشان می‌دهند.



نمودار ۷: پیش‌بینی نرخ فقر جهانی و تعداد افراد فقیر برحسب خط فقر درآمد روزانه زیر ۱,۹ دلار تا ۲۰۲۰

منبع: فقر و رفاه مشترک، بانک جهانی، ۲۰۲۰: ۳۶

یافته‌های فوق توسط مؤسسات دیگر نیز تأیید شده است. در گزارش مؤسسه ابتکارات توسعه انسانی و فقر آکسفورد (۲۰۲۰) در جدول شماره ۲ تأکید شده است که سیاست‌های فقرزدایی که تا سال ۲۰۱۸ در مناطق مختلف جهان موفق به کاهش فقر شده بود، پاندمی ویروس کووید-۱۹ باعث افزایش ناگهانی مجدد فقر چندبعدی در سال ۲۰۲۰ در مناطق مختلف جهان شده است.^۱ منظور از فقر چندبعدی، تجربه مواجهه با محرومیت‌های متعدد به‌طور همزمان است که توسط افراد فقیر تجربه می‌شود (نگاه کنید به: نمودار ۸). جدول شماره ۲، ریسک‌های کووید-۱۹ و فقر چندبعدی در بین شش منطقه جهان؛ یعنی کشورهای عربی، شرق آسیا و اقیانوسیه، اروپا و آسیای میانه، آمریکای لاتین و حوزه کارائیب، جنوب آسیا و آفریقای زیر صحرای را نشان می‌دهد:



نمودار ۸: ابعاد سنجش فقر چندبعدی

۱. برای آگاهی بیشتر، نگاه کنید به:

«کرونا و تشدید فقر: مروری بر گزارش‌های بین‌المللی درباره آثار کووید-۱۹ بر فقر»، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی - ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۹.

جدول ۲: فقر چندبعدی و میزان آسیب‌پذیری مواجهه با کووید-۱۹ در مناطق مختلف جهان

میزان جمعیت*	جمعیت آسیب‌پذیر	جمعیت با آسیب‌پذیری بالا	جمعیت دارای فقر چند بعدی و آسیب‌پذیر	جمعیت دارای فقر چند بعدی و آسیب‌پذیری زیاد	جمعیت دارای فقر چند بعدی شدید و آسیب‌پذیری زیاد	جمعیت دارای فقر چند بعدی شدید و آسیب‌پذیری زیاد
۳۳۲۴۶۹	۱۱۰۸۵۸	۱۲۳۳۰	۴۷۲۹۷	۱۱۶۲۳	۲۲۶۳۱	۹۱۱۵
	% ۳۳,۳	% ۳,۷	% ۱۴,۲	% ۳,۵	% ۶,۸	% ۲,۷
۲۰۲۳۸۸۸	۱۱۳۵۰۹۴	۱۳۶۷۵۲	۱۰۸۶۳۷	۳۶۰۹۸	۲۰۰۰۱	۷۳۴۵
	% ۵۶,۱	% ۶,۸	% ۵,۴	% ۱,۸	% ۱	% ۰,۴
۱۰۸۰۷۴	۲۲۹۷۳	۳۶۳	۱۱۲۱	۲۴۵	۸۹	۴۳
	% ۲۱,۳	% ۰,۳	% ۱	% ۰,۲	% ۰,۱	% ۰
۵۲۱۱۳۳	۱۴۱۹۴۱	۱۳۶۴۴	۳۵۴۷۱	۷۹۵۴	۹۸۲۵	۳۶۱۹
	% ۲۷,۲	% ۲,۶	% ۶,۸	% ۱,۵	% ۱,۹	% ۰,۷
۱۷۶۶۹۴۵	۱۳۰۵۴۹۰	۹۰۷۴۳	۵۴۰۰۸۹	۸۳۰۴۵	۱۹۸۹۵۲	۳۸۷۲۴
	% ۷۳,۹	% ۵,۱	% ۳۰,۶	% ۴,۷	% ۱۱,۳	% ۲,۲
۹۹۵۲۹۷	۸۸۲۱۲۰	۲۱۸۲۱۹	۵۶۹۹۲۶	۲۱۵۵۶۴	۳۴۹۴۰۵	۱۶۸۷۲۱
	% ۸۸,۶	% ۲۱,۹	% ۵۷,۳	% ۲۱,۷	% ۳۵,۱	% ۱۷
۵۷۴۷۸۰۴	۳۵۹۸۴۷۵	۴۷۲۰۵۱	۱۳۰۲۵۴۰	۳۵۴۵۲۹	۶۰۰۹۰۴	۲۲۷۵۶۷
	% ۶۲,۶	% ۸,۲	% ۲۲,۷	% ۶,۲	% ۱۰,۵	% ۴

منبع: مؤسسه ابتکارات توسعه انسانی و فقر آکسفورد (۲۰۲۰)، در: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، اردیبهشت ۱۳۹۹

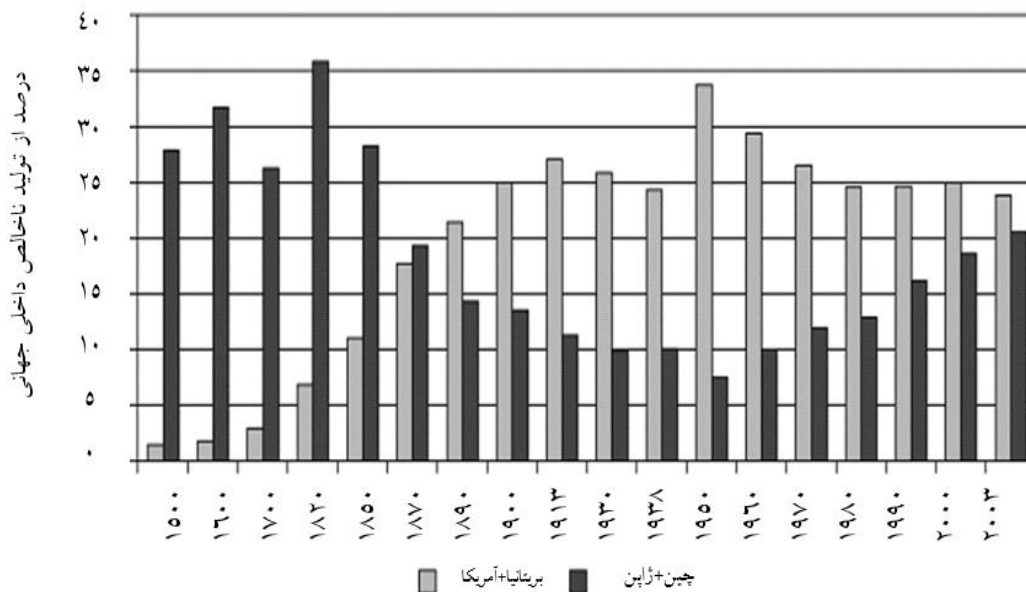
* ارقام جمعیتی برحسب خانوار بوده و برآمده از تخمین‌های جمعیتی سازمان ملل است (برحسب هزار ۱۰۰۰ نفر).

بنابراین طبق نتایج مطالعات فوق و با توجه به روندهای بلندمدت، افزایش فقر و نابرابری حداقل تا یک دهه بعد از بیماری فراگیر کووید-۱۹، چندان دور از ذهن نیست.

۲-۲- تحول در مسیر رشد و تغییر مکان تولید بین مناطق جغرافیایی

بررسی نوسانات بلندمدت تولید ناخالص داخلی سرانه بیش از هر چیز، افت‌وخیزهای توسعه در جوامع انسانی را بازنمایی می‌کند. مطابق نمودار ۹ که بیان‌گر مجموع تولید ناخالص داخلی آمریکا + بریتانیا (غرب) در برابر چین + ژاپن (شرق) برحسب درصد تولید ناخالص داخلی جهانی در دوره زمانی ۲۰۰۵-۱۵۰۰ است؛ انقلاب صنعتی در انتهای قرن هجدهم و ابتدای قرن نوزدهم، گسترش شکاف تولید ناخالص داخلی سرانه را به نفع دولت‌های غربی پیشگام تقویت کرد و برتری قبلی دو سده‌ای کشورهای شرق آسیا را به محاق برد. از سال ۱۸۲۰ تا ۱۹۵۰ که انقلاب سخت‌کوشی شرق آسیا دچار محدودیت و انقلاب صنعتی غرب وارد مرحله دوم شد- یعنی انقلاب به معنای واقعی کلمه و کاربست منابع جدید انرژی در ایجاد ابزارهای تولید و حمل‌ونقل (خطوط ریلی و کشتی‌های بخار)- سهم کل

تولید ناخالص داخلی جهانی شدیداً به نفع غرب تغییر کرد. بعد از سال ۱۹۵۰ که روش سرمایه‌بر و انرژی‌بر غربی به نقطه محدودیت خود رسید و توسعه شرق آسیا به بار نشست، این منطقه شکاف تولید ناخالص داخلی سرانه را کاهش داد و حتی شکاف در سهم کل تولید ناخالص داخلی جهانی را سریع‌تر ترمیم کرد.^۱



نمودار ۹: مجموع تولید ناخالص داخلی آمریکا+ بریتانیا در برابر چین+ژاپن برحسب درصد تولید ناخالص داخلی جهانی^۲

منبع: اریگی، ۲۰۰۷: ۵۱

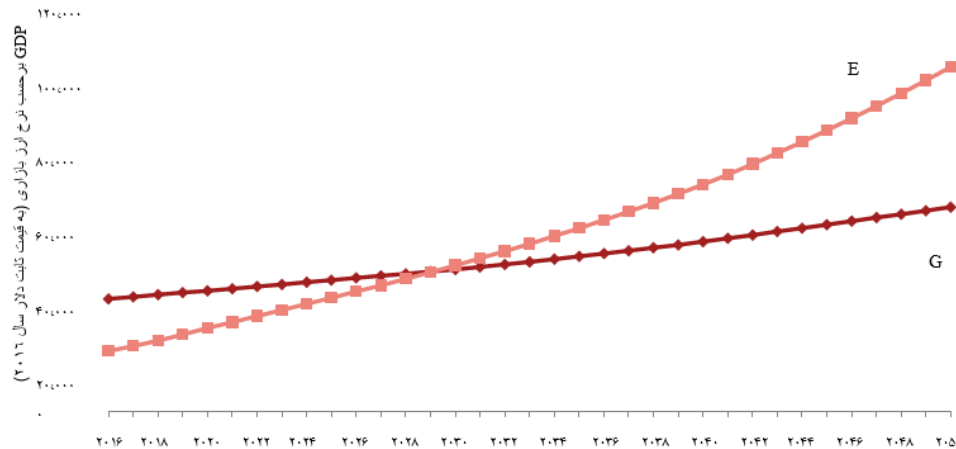
توضیحات: محاسبات نمودار مبتنی بر کتاب *خطوط اقتصاد جهانی* آنگوس مدیسون با عنوان کامل قید شده در پاورقی است.^۳

شواهد نشان می‌دهد کشورهای d نوظهور جنوب، نه تنها شکاف تولید را با کشورهای صنعتی شمال در سال‌های آغازین هزاره سوم جبران کرده‌اند، بلکه مطالعات آینده‌پژوهانه از جمله برآوردهای موسسه PWC نشان می‌دهد کشورهای نوظهور تا سال ۲۰۵۰ رقبای صنعتی خود را پشت سر خواهند گذاشت. نمودارهای شماره ۱۰ و ۱۱ که به ترتیب معرف روند رشد اقتصادهای E7 و G7 برحسب نرخ ارز بازاری (MER) و روند رشد اقتصادهای E7 و G7 برحسب برابری قدرت خرید (PPP) در دوره ۲۰۵۰-۲۰۱۶ است؛^۴ گزاره فوق را اثبات می‌کنند. این همان تحول در مسیر رشد اقتصادی و انتقال قدرت اقتصادی از اروپا و آمریکا به سمت آسیا است که نشان آن نیز مقایسه مسیر رشد تولید ناخالص داخلی چین و آمریکا در دوره زمانی ۲۰۵۰-۲۰۱۶ است (نگاه کنید به: نمودار ۱۲).

۱. محاسبه تولید ناخالص داخلی بر مبنای شاخص برابری قدرت خرید، تولید ناخالص داخلی سرانه شرق آسیا و سهم این منطقه در تولید ناخالص داخلی جهانی را در وضعیتی حتی بهتر از شاخص نرخ ارز قرار می‌دهد. در نمودارهای فوق از شاخص نرخ جاری ارز استفاده شده است.
۲. تولید ناخالص داخلی بر مبنای نرخ بین‌المللی دلار در سال ۱۹۹۰ محاسبه شده است.

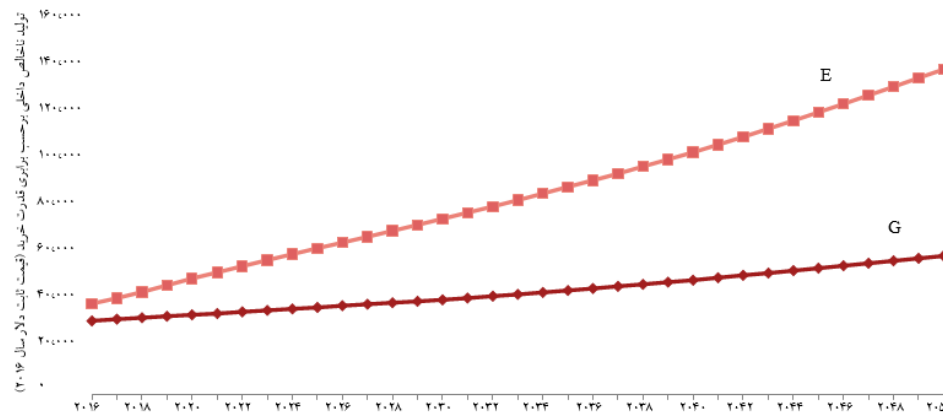
3. Angus Maddison, *Contours of the World Economy, 1-2030*, New York, Oxford University Press, 2007

۴. E 7 = چین، هند، برزیل، روسیه، اندونزی، مکزیک و ترکیه؛ G7 = آمریکا، ژاپن، آلمان، بریتانیا، فرانسه، ایتالیا و کانادا.



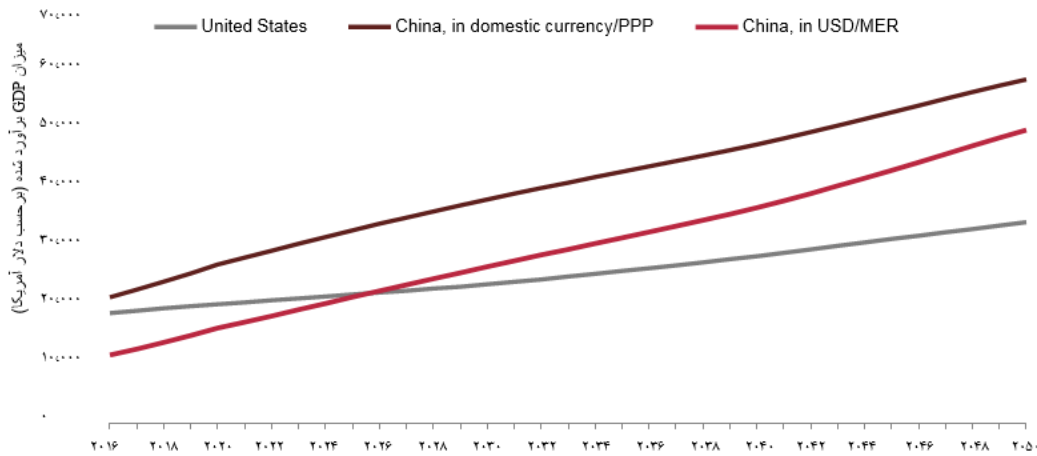
نمودار ۱۰: روند رشد اقتصادهای E7 و G7 برحسب نرخ ارز بازاری (MER) در دوره ۲۰۱۶-۲۰۵۰

Source: "The World in 2050: How will the global economic order change? www.pwc.com", February 2017



نمودار ۱۱: روند رشد اقتصادهای E7 و G7 برحسب برابری قدرت خرید (PPP) در دوره ۲۰۱۶-۲۰۵۰

Source: "The World in 2050: How will the global economic order change? www.pwc.com", February 2017



نمودار ۱۲: مسیر رشد تولید ناخالص داخلی چین و آمریکا

Source: "The World in 2050: How will the global economic order change?" www.pwc.com, February 2017

اما پرسش اینجاست که چه منطقی در پس تغییر مکان تولید به کشورهای نوظهور جنوب نهفته است؟ پاسخ را باید در تبدیل کشورهای جنوب از تولیدکنندگان قراردادی به بازیگران جهانی یافت. همان‌طور که بورلی سیلور در کتاب تأثیرگذار خود با عنوان *نیروی کار* (۲۰۰۳) نشان داده است در دهه ۱۹۷۰، روند شتابان «حرکت» سرمایه، به‌ویژه سرمایه صنعتی، به کشورهای کم‌درآمد و کم‌دستمزد وجود داشت و شاهد تغییر مکان فعالیت‌های صنعتی از کشورهای ثروتمند به فقیر بودیم و شرکت‌های غربی به دلیل وفور نیروی کار ارزان و مطیع، به کشورهای پیرامون جهان سوم مانند چین، برزیل، آفریقای جنوبی و کره جنوبی سوق یافتند.^۱

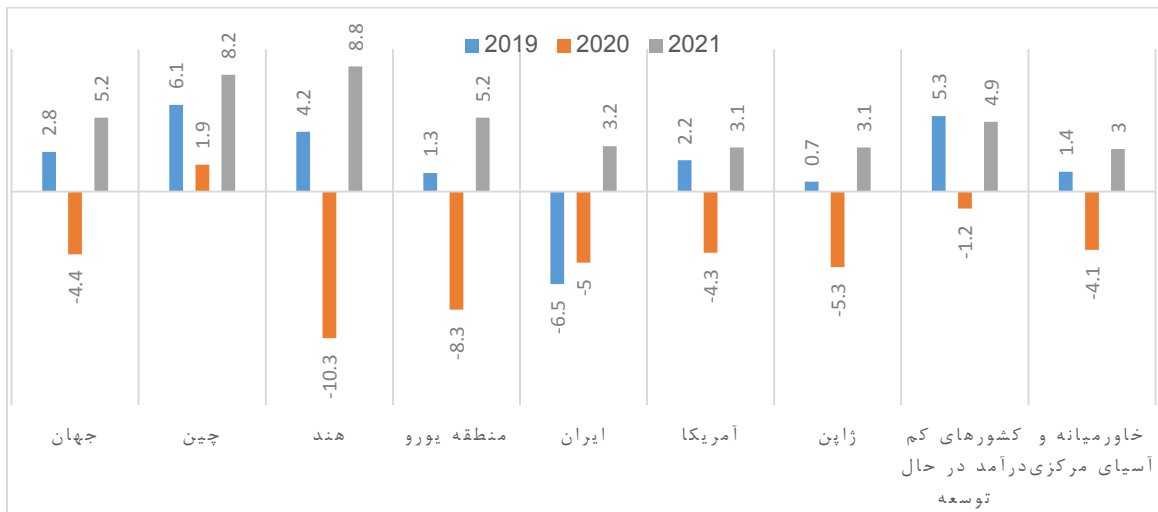
چین یکی از این کشورهایی است که در چهار دهه گذشته به کارگاه صنعتی جدید جهان تبدیل شده است. پتر نولان در کتاب خود با عنوان *آیا چین در حال خرید جهان است؟* (۲۰۱۲)، به بحران اقتصادی جهانی دهه ۱۹۷۰ رجوع می‌کند تا حرکت شرکت‌ها و نهادهای مالی غربی را در رقابت بین‌المللی از طریق آزادسازی اقتصادی اثبات کند.^۲ به‌ویژه بر این مسئله تأکید دارد که در بنبوچه این رکود اقتصادی، کسب و کارهای کم‌منفعت فروخته شدند یا به مکان‌های پیرامونی برون‌سپاری شدند، در حالی که اتاق فرمان و دفاتر تحقیق و توسعه در مراکز صنعتی غرب باقی ماندند (نولان، ۲۰۱۲: ۲۰-۱۶). اگرچه نولان تأکید دارد کشورهای در حال توسعه در بهترین حالت در سطوح زنجیره تولید ادغام شدند، اما شواهدی در دست است که انشعاب در مرکزیت نظام جهانی ایجاد شده و کشوری مانند چین به پیشگام انقلاب فناوری اطلاعات و ارتباطات و خانه تولیدات تکنولوژی محور تبدیل شده است که در بخش بعدی به آن پرداخته خواهد شد.

حال که روند بلندمدت رشد اقتصادی و نیز چشم‌انداز آینده‌گرانه آن ارائه شد که طبق آن، کانون جدید تولید جهانی کشورهای جنوب و در رأس آنها چین است؛ اثر کووید-۱۹ بر روند فوق چیست؟ در این باره آمار و ارقام نهادهایی چون صندوق بین‌المللی پول گویای همه‌چیز است. اینکه، تولید جهانی پس از وقفه در سال ۲۰۱۹ و رکود در سال ۲۰۲۰، مجدداً از سال ۲۰۲۱ به روال عادی قبلی خود باز خواهد گشت. نکته اینجاست که چین تنها کشوری است که رکود اقتصادی را در سال ۲۰۲۰ تجربه نکرده و در سال ۲۰۲۱ بیشترین رشد را تجربه خواهد کرد. همچنین چنانچه تازه‌ترین گزارش چشم‌انداز اقتصادی جهان از سوی صندوق بین‌المللی پول در اکتبر ۲۰۲۰ و نیز نمودار ۱۳ نشان می‌دهد، سهم اقتصادهای نوظهور به‌ویژه چین و هند در احیای اقتصادی سال ۲۰۲۱ بیشترین مقدار ممکن است و پس از آن منطقه یورو قرار دارد. در مجموع، رشد اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۰ خواهد بود که این عدد بسیار بدتر از کاهش رشدی است که بعد از بحران مالی سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹ در دنیا اتفاق افتاد؛ اما نکته اینجاست که این

1. Beverly Silver (2003). *Forces of Labor*, cambridge university press: chap.3 and 4.

2. Peter Nolan (2012). *Is China Buying the World?* Cambridge, UK, Polity Press.

یک وقفه تقریباً کوتاه است و احتمال آن وجود دارد که اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۱ بتواند با شرایط عادی رشد اقتصادی ۵/۲ درصد را تجربه کند (نگاه کنید به: نمودار ۱۳).



نمودار ۱۳: پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول از رشد اقتصادی جهان در دوره ۲۰۱۹-۲۰۲۱

Source: WORLD ECONOMIC OUTLOOK; A Long and Difficult Ascent, IMF, OCT 2020:141

با توجه به گزاره‌های این بخش، به نظر می‌رسد بحران ناشی از کووید-۱۹ یک وقفه در استمرار انتقال قدرت اقتصادی است که ما در دهه‌های اخیر مشاهده کرده‌ایم. خاستگاه تولید و مسیر رشد اقتصادی از اروپا و آمریکا دور شده و به سمت آسیا در حال حرکت است و حتی می‌توان ادعا کرد پاندمی اخیر، یک تکان مؤثر در تثبیت قدرت اقتصادی چین و سایر اقتصادهای نوظهور خواهد بود.

۲-۳- امواج بلندمدت توسعه و انشعاب در مرکزیت نظام جهانی

کشور مهبوبانی^۱ نماینده سنگاپور در سازمان ملل متحد در فارن پالیسی (۲۰۲۰) در ارزیابی کووید-۱۹ گفت: «پاندمی کووید-۱۹ به صورت اساسی قادر به تغییر مسیر اقتصاد جهانی نخواهد بود؛ بلکه تغییری را که از مدتی پیش آغاز شده بود، تشدید خواهد کرد و آن هم چیزی نیست جز حرکت از جهانی‌سازی آمریکایی به سمت جهانی‌سازی چینی». چنین دیدگاه‌هایی البته در دهه اخیر به هیچ وجه غریب نیست و یکی از مشهورترین آنها دیدگاه نیل فرگوسن در مناظره مونک^۲ است که در سال ۲۰۱۱ غوغا به پا کرد.

1. Kishore Mahbubani

۲. مناظره مونک (Munk Debates) مجموعه مناظره‌هایی درباره موضوعات عمده در سیاست‌گذاری است که هر شش ماه یک بار در کانادا برگزار می‌شود و توسط رسانه‌های شکل‌دهنده افکار جهانی پوشش داده می‌شوند.

پرسش اصلی مناظره که در ژوئن ۲۰۱۱ در کانادا برگزار شد این بود: «آیا قرن بیست و یکم به چین تعلق دارد؟» از جزئیات مناظره که بگذریم، نکته اصلی این نشست مباحث پرشور نیل فرگوسن استاد تاریخ دانشگاه هاروارد بود که هم در پنداشت خود از میراث تاریخی چین، اندازه مطلق سرزمین و جمعیت این کشور و هم در درک خود از هم‌پایی^۱ موفقیت‌آمیز چین در توسعه- نه فقط در زمینه صادرات بلکه در حوزه مصرف که به سلطه جهانی منتج می‌شود- دیدگاهی منحصر به فرد داشت. استدلال فرگوسن برآمده از دو تحول عمده بود: نخست، وی ترقی شرق آسیا به‌عنوان مرکز جهانی آینده را بخشی از انتقال چرخه‌ای هژمونی^۲ می‌دید؛ که اکنون به یک منطقه جهانی که مدت‌های طولانی پیشگام بوده، تغییر مکان یافته است. فرگوسن بدون اینکه اشاره کند، دیدگاه «واگرایی بزرگ»^۳ را پذیرفت که ترقی چین را به‌عنوان یک تغییر مسیر به‌سوی «همگرایی بزرگ» تفسیر می‌کند. دوم، فرگوسن بر مسئله افول غرب- آمریکا و اروپا- به‌عنوان پیشران‌هایی تأکید کرد که ترقی و صعود چین را امکان‌پذیر می‌کنند. مطابق دیدگاه فرگوسن این مسیر با بحران اقتصادی جهانی ۲۰۰۸ برای چین هموار شد، طوری که این کشور از تولیدکننده صادرات ارزان به یک مرکز بزرگ مصرف و تقاضای تولیدات داخلی رو به افزایش تبدیل شد.^۴

جدای از آرای نظریه‌پردازان مناظره مونک، ترقی شرق آسیا و ارتقای چین به‌عنوان یک مرکز اقتصادی، امروزه به‌طور گسترده به‌عنوان گرایش مسلط در اقتصاد و ژئوپلیتیک جهانی پذیرفته شده و جدیدترین موج بلندمدت توسعه نامیده شده است. در حالی که روند فوق از چشم‌انداز غرب‌گرایانه با ترس و تردید، نگرینسته می‌شود، ناظرانی که دید انتقادی نسبت به غرب دارند آن را به مثابه حرکت به‌سوی برابری بیشتر در توزیع ثروت تفسیر می‌کنند و امید به مشارکت در یک جهان پس‌اسرمایه‌داری برای غلبه بر مشکلات انباشت سرمایه دارند (اریگی، ۲۰۰۷؛ فرانک، ۲۰۰۶)؛ اما مصداق‌های ارتقای چین به‌عنوان یک مرکز اقتصادی و تغییر از هژمونی غربی به یک موازنه چندمرکزی قدرت جهانی چیست و بحران حاصل از کووید-۱۹ در کجای این ماجرا قرار دارد؟

فهم پتانسیل چین برای گذار در مسیر قدرت‌های هژمون به اتخاذ یک پس‌زمینه تاریخی و ژئوپلیتیک نیاز دارد. چین متفاوت از دیگر کشورهای نوظهور، درصدد ترقی و تبدیل شدن به یک مرکز جهانی بر مبنای نقش تاریخی خود در رهبری قدرت اقتصادی و فرهنگی دنیا قبل از برآمدن هژمونی بریتانیا و آمریکا است. شرق آسیا بعد از ۱۵۰

1. Catching-up
2. Cyclical Shift of Hegemony
3. Great Divergence

۴. برای آگاهی بیشتر از مباحث این بخش نگاه کنید به:

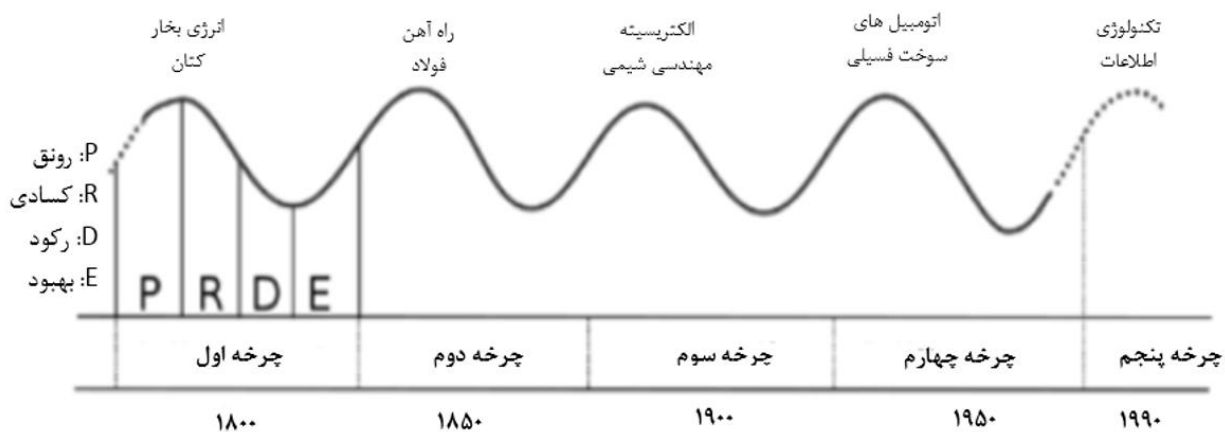
- Giovanni Arrighi (2007) *Adam Smith in Beijing : lineages of the twenty-first century*, verso: chap.6.
- Andrwa Komlosy, "China's Move towards a Global Economic Core in the Twenty-First Century? Prospects, Constraints, Consequences", REVIEW, XXXVI, 3/4, 2013, 351-85.

سال و یا بیشتر تابعیت سیاسی و پیرامونی شدن اقتصادی، در حال اعاده موقعیت خوداتکایی قبلی است؛^۱ اما آیا این پس‌زمینه، معرف یک تغییر هژمونیک خواهد بود که به چین یا دولت‌های جنوب جهانی تحت هدایت چین، اجازه خواهد داد بر هژمونی آمریکا غلبه کنند؟ آیا سیستم جهانی سرمایه‌داری می‌تواند از طریق انتقال به هژمون چین احیا شود یا خیر؟

آنچه مشخص است اینکه احیای دوباره شرق آسیا، به چین اجازه خواهد داد توان صنعتی خود را که در دوره زمانی ۲۰۰۸-۱۹۹۰ تثبیت شده به یک چرخه جدید وارد کند و سپس از وابستگی اولیه به پیشران‌های غربی عبور کرده و ظرفیت تحقیق و توسعه خوداتکا- ایجاد استانداردهای جدید در نوآوری‌های تولیدی و فرایندی- را به دست آورد. این زمان‌بندی تقریباً با الگوی چرخه‌های کندراتیف^۲ همخوانی دارد، با این ادعا که چرخه پنجم کندراتیف نه‌تنها چین را به سمت تبدیل شدن به یک مرکز جهانی سوق خواهد داد، بلکه نقطه اوج هژمونیک این کشور را تقویت خواهد کرد (نگاه کنید به: نمودار ۱۴ و جدول ۳، در: کومولسی، ۲۰۱۳).

چرخه‌های کندراتیف نشان می‌دهند تغییرات منطقه‌ای در روابط مرکز-پیرامون، بازتابی از چرخه‌های طولانی و دنباله «امواج بلند» توسعه است. البته اهمیت آنها نباید بیش از حد شود. از این رو، آنها باید به عنوان فرضیه لحاظ شوند، نه چارچوبی برای آزمون یافته‌های تجربی. در حالی که مدل چرخه‌محور در مطالعه هژمونی‌ها، تداوم سیستم- جهانی سرمایه‌داری موجود را مورد پرسش قرار نمی‌دهد و ادعا ندارد چین رهبری دائم را از آن خود خواهد کرد، اما فرض می‌کند چین پتانسیل ایفای نقش رهبری در گذار به نظم جهانی آینده را دارد؛ که البته نمودار ۱۴ مؤید آن است و با تحلیل مسیر حرکت چین به‌عنوان یک توالی به سمت مرکزیت جهانی تأیید می‌شود.

۱. اشاره به شکست چین از بریتانیا در جنگ‌های تریاک در نیمه قرن نوزدهم است که منطقه شرق آسیا را برای مدت ۱۵۰ سال در وضعیت کسوف قرار داد. البته این وضعیت در سال‌های پایانی هزاره دوم به طور بنیادی به نفع شرق آسیا تغییر کرده است. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: اریگی، ۲۰۰۷ و فرانک، ۲۰۰۶.
 ۲. این چرخه نخستین بار در دهه ۱۹۲۰ توسط نیکلای کندراتیف اقتصاددان روس کشف شد. او متذکر شد که به نظر می‌رسد دوره ای است که در آن قیمت‌ها و نرخ‌های بهره برای حدود دو دهه افزایش می‌یابد و بعد دوره ای آغاز می‌شود که سیر تحول معکوس می‌شود. کندراتیف معتقد بود این چرخه‌های درازمدت بر اساس یک دوره روی انباشتگی پروژه‌های بزرگ سرمایه‌ای شکل می‌گیرند و عملکرد دولت‌های قدرتمند در سرمایه‌گذاری‌های بزرگ پیشران اصلی است.



نمودار ۱۴: چرخه‌های کندراتیف و ظهور چین در چرخه پنجم و عصر انقلاب در تکنولوژی ارتباطات

منبع: کومولسی، ۲۰۱۳

جدول ۳: چرخه‌های کندراتیف و ظهور-افول قدرت‌های هژمون از قرن نوزدهم تاکنون

هژمون	چرخه کندراتیف: فاز B	چرخه کندراتیف: فاز A	هژمون	
نقطه اوج بریتانیا	۱۸۲۰-۱۸۵۰	۱۷۹۰-۱۸۲۰	ترقی بریتانیا	
افول بریتانیا	۱۸۷۳-۱۸۹۶	منسوجات	بلوغ بریتانیا	
نقطه اوج آمریکا	۱۹۱۴-۱۹۴۵	۱۸۵۰-۱۸۷۳	راه آهن، فولاد	ترقی آمریکا
افول آمریکا	۱۹۷۳-۱۹۹۰	۱۸۹۶-۱۹۱۴	الکتریسیته، شیمی، صنعت غذا	بلوغ آمریکا
نقطه اوج چین	۲۰۰۸-۲۰۳۰	۱۹۴۵-۱۹۷۳	کالاهاى مصرفى انبوه، اتومبیل، پتروشیمی	ترقی چین
افول چین	-	۱۹۹۰-۲۰۰۸	توسعه ظرفیت صنعتی	بلوغ چین
	تغییرات بستگی به هدایت ظرفیت‌ها و ایجاد استانداردها دارد.			

منبع: کومولسی، ۲۰۱۳

چین سوسیالیست در طی دوره مائو (۱۹۴۹-۱۹۷۶)، با سیاست‌گذاری بر تقویت توسعه داخلی از کنشگری در مقیاس بین‌المللی خودداری کرد و ایده «همپایی در توسعه»^۱ را با چشم‌انداز «گام بزرگ به جلو»^۲ جایگزین کرد. در چشم‌انداز رهبری چین، این کشور که سنت امپراتوری را با پرچم‌های سیاسی مختلف بر دوش خود داشت، در نقش یک مرکز بود. چین با تغییر از مائوئیسم به «اصلاحات و سیاست درهای باز» در سال ۱۹۷۸، دستخوش فرایند پیرامونی شدن قرار گرفت. سیاست فوق با عاملیت حزب کمونیست چین انجام شد، طوری که فرایند ادغام مجدد

1. Catching Up
2. Great Leaps Forward

این کشور در اقتصاد جهانی با کمترین هزینه صورت گیرد و بتواند یک کشور حاشیه‌ای مانند چین را به‌عنوان مرکز جهانی تثبیت کند. البته همانگونه که نمودار ۱۳ نشان می‌دهد بازساخت و انقلاب تکنولوژیکی گسترده در چین بعد از دهه ۲۰۰۰ و آسیب ندیدن در برابر بحران اقتصادی جهانی ۲۰۰۸، برگ برنده این کشور برای سبقت از سایر رقبا خواهد بود (نگاه کنید به: کومولسی، ۲۰۱۳: ۳۷۸).

باید اذعان کرد این کشور در چهار دهه گذشته در برابر فشارهای رقابت در یک اقتصاد جهانی سرمایه‌داری، نه با ایده‌های کنفوسیوسی بلکه با منطق انباشت سرمایه دوام آورده است؛ اما آیا اثر حاصل از کووید-۱۹ که حداقل در تبلیغات رسانه‌ای خود، نماد یک چین‌هراسی^۱ تمام‌عیار در مناسبات متقابل چین و آمریکا-اروپا است؛ می‌تواند مسیر موج بلندمدت فوق را که به نفع شرق آسیا و چین است تغییر دهد؟ پاسخ این پرسش بستگی به اتخاذ سناریوهای محتمل زیر از سوی آمریکا دارد:^۲

الف) استراتژی جنگ سرد جدید: مهم‌ترین شارح این نظریه کاپلان و شاکله نظریه بر این است که ظهور چین به‌عنوان یک قدرت بزرگ برگشت‌ناپذیر است و از این‌رو، با منافع آمریکا تصادم خواهد داشت.^۳ استراتژی جنگ سرد جدید کاپلان بدون شک بازتاب جریان اصلی فکری در دولت بوش بود و تا حدودی در میان محافظه‌کاران دولت ترامپ چیرگی داشت. این گزینه به دلیل رشد اقتصادی بالای چین و وابستگی مالی آمریکا به این کشور در بحبوحه جنگ عراق بایگانی شد. همچنین سیاست اخیر جنگ تجاری ترامپ به‌رغم تمام لفاظی‌ها در عمل نتوانست تراز منفی تجاری این کشور در برابر چین را بهبود دهد و حتی ضربه سنگین بحران کووید-۱۹ بر صنایع آمریکا، استراتژی جنگ سرد جدید را بیش از پیش به محاق خواهد برد و آن را تنها به یک ابزار تبلیغات رسانه‌ای-سیاسی تبدیل خواهد کرد.

ب) استراتژی تطبیق و سازگاری: مهم‌ترین شارح آن، کیسینجر است که اگرچه می‌پذیرد «مرکز ثقل قدرت جهانی از اقیانوس اطلس به اقیانوس آرام منتقل شده»^۴ اما این فرضیه را که مواجهه راهبردی با چین گزیرناپذیر است، مورد پرسش قرار می‌دهد. اندیشه کیسینجر مبنی بر تطابق و سازگاری با قدرت‌های نوظهور و مهار نظامی آنها با پیمان‌ها و همکاری‌های منطقه‌ای، بدون شک برای متحدان آمریکا مقبولیت بیشتری دارد و تا حدودی بر جریان

1. Chinophobia

رئیس‌جمهور آمریکا در سخنرانی‌های خود ویروس کووید-۱۹ را اغلب «ویروس چینی» می‌نامد که یادآور بیگانه‌هراسی همراه با شیوع آنفلوآنزای اسپانیایی در جنگ جهانی اول است. بیماری آنفلوآنزای اسپانیایی از سوی کنش‌گران جنگ جهانی اول «آنفلوآنزای فرانسوی»، «گریپ فلاندری»، «بیماری تاتاری»، «طاعون آلمانی» و «بیماری بولشویکی» نامیده می‌شد. آیا بیماری کووید-۱۹ هم‌زاد یک جنگ سرد جدید است؟

۲. برای آگاهی از این سناریوها و آلترناتیوهای رابطه تقابلی چین-آمریکا به خصوص از سال ۲۰۰۰ به بعد، نگاه کنید به:

Giovanni Arrighi (2007) *Adam Smith in Beijing : lineages of the twenty-first century*, verso: chap.10.

3. Robert D. Kaplan, "How We Would Fight China", *Atlantic Monthly* (June 2005)

4. H.A. Kissinger, "China: Containment Won't Work," *Washington Post*, June 13, 2005.

فکری دولت اواما غلبه داشت؛ اما ناسیونالیسم توفنده کنونی در روابط چین- آمریکا که از قضا بحران کووید-۱۹ نیز بر تنور آن دمیده، جایی برای این استراتژی باقی نمی‌گذارد.

ج) استراتژی طرف سوم خوشحال: این استراتژی متضمن واقع‌گرایی بیشتر در زمینه سیاست آمریکا در قبال چین و شارح آن جیمز پینکرتون است^۱ و بر مهار چین از طریق استراتژی موازنه قدرت در جبهه ژئوپلیتیک [نه نظامی] تکیه دارد. آمریکا به جای مواجهه مستقیم با قدرت‌های نوپدید آسیایی باید آنها را با یکدیگر بازی دهد. استراتژی طرف سوم خوشحال^۲ یعنی اینکه به جای ایستادن در وسط معرکه بهتر است در یک گوشه نظاره‌گر وقایع باشیم تا دیگران هزینه‌ها را تقبل کنند. به نظر می‌رسد تأکید استراتژیست‌های دولت ترامپ بر تغییر دشمن شماره یک از روسیه به چین، برتری بر چین در اقیانوس هند، جنگ تجاری و وارد کردن چین به دعوای سیاسی با همسایگان با دیدگاه پینکرتون همخوانی بیشتری دارد. البته چین با مذاکره طولانی‌مدت و فوت وقت بر سر توافق تجاری و آرام کردن فضای سیاسی برای پیشرفت اقتصادی خود موفق ظاهر شده و البته توفیق بیشتر این کشور نسبت به آمریکا در مقابله با کووید-۱۹، نتیجه را تغییر داده و این کشور را برای پیشبرد پروژه‌های متهورانه‌اش مانند «یک کمربند یک جاده» جسورتر کرده است.

با توجه به موارد فوق‌الذکر پیداست که هیچ‌کدام از سه استراتژی فوق تاکنون جوابگو نبوده و بازی قدرت چین- آمریکا را تغییر نداده است. البته، بحران کووید-۱۹ ساختار اقتصادی آمریکا را بسیار بیشتر از چین متأثر کرده و در عمل استراتژی‌های سه‌گانه فوق را از کار انداخته است؛ تا جایی که بر مسیر توسعه بلندمدت چین و تبدیل شدن این کشور به هژمون جهانی، خلل چندانی وارد نکرده است. مقاله اخیرمانتلی ریویو با عنوان جنگ تجاری چین- آمریکا نشان می‌دهد مزایای آمریکا در زمینه‌هایی چون تولید ارزش افزوده کاهش یافته و شکاف تکنولوژیکی بین دو کشور کم شده است. همچنین در حالی که کاملاً قطعی شده جنگ تجاری ترامپ نتوانسته چین را مانند ژاپن دوره ریگان در دهه ۱۹۸۰ به زانو درآورد، تجارت بسیار نزدیک و درهم تنیدگی پولی دو اقتصاد اول جهان، آمریکا را در وضعیت دفاعی قرار داده و البته مرکزیت اقتصاد جهانی را در معرض انشعاب قرار داده است.^۳

1. James P. Pinkerton, "Superpower Showdown," The American Conservative, November 7, 2005, p. 5 available at <http://www.amconmag.com>.

2. tertium gaudens

۳. برای آگاهی بیشتر، نگاه کنید به:

Zhiming Long, Zhixuan Feng, Bangxi li and Rémy Herrera, "U.S.-China Trade War; Has the Real "Thief" Finally Been Unmasked?", MONTHLY REVIEW, Oct 01, 2020

همچنین، برای آگاهی از جوانب و مقتضیات انشعاب یا دوشاخه شدن (Bifurcation) در اقتصاد جهانی، نگاه کنید به:

والرشتاین، امانوئل (۱۳۸۸)، مقدمه‌ای بر تحلیل نظام‌های جهانی (فصل پنجم)، ترجمه حسین عسگریان، ابرار معاصر ایران.

۲-۴- افول در میزان سود- انباشت سرمایه

شیوع یک پاندمی و دامنه تأثیرات بحرانی آن بر ساختارهای اقتصادی- اجتماعی یک جامعه نباید منتزع از سایر بحران‌های نزدیک بررسی شود؛ به‌ویژه اگر پای چرخه‌های ادواری سود و انباشت سرمایه در میان باشد. از جمله باید به بحران اقتصادی شدید سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹ اشاره کرد. رویدادهای ۲۰۰۸-۲۰۰۹ تنها یک بحران مالی شدید و رکود اقتصادی بزرگ نبود، بلکه نشانه آغاز یک بحران ساختاری در سرمایه‌داری نولیبرال بودند که بعد از ۱۹۷۹ صوری‌بندی شده بود (بحرانی که از ویژگی‌های ساختاری یک رژیم سرمایه‌دارانه انباشت پدید می‌آید که نمی‌تواند بدون ساخت یک رژیم نهادی جدید برطرف شود). این بحران ساختاری علی‌رغم محرک‌های پولی بی‌سابقه، با توجه به شرایطی چون رشد اقتصادی پایین، نرخ پایین انباشت سرمایه، ایستایی دستمزدهای واقعی و افزایش ناامنی اقتصادی برای افراد مشغول به کار، به ایستایی^۱ شدید تبدیل شد و به ایجاد تضادهای سیاسی جدید کمک کرد.^۲ به استناد آمار و ارقام بین‌المللی که در بخش ۲-۲ ارائه شد، پاندمی کووید-۱۹ منجر به رکود در تولید شده و روند سودآوری شرکت‌ها را نزولی کرده است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

اما سودمند است اگر ابتدا به‌طور خلاصه به روند بلندمدت این متغیرها بپردازیم. توضیح اینکه، پاندمی کووید-۱۹ در بحبوحه بحران ساختاری سرمایه‌داری نولیبرال صورت گرفته که رژیم انباشت آن قادر به بازگشت نرخ سود و انباشت سرمایه به سطوح دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم نبوده است. البته تغییری که از سال ۱۹۷۹ شروع و تحت عنوان نولیبرالیسم تثبیت شد، تنها یک تحول ساده در سیاست‌های اقتصادی نبود بلکه یک تغییر رژیم در سرمایه‌داری بود: گذار از سرمایه‌داری تنظیم‌شده به سرمایه‌داری نولیبرال^۳ تحت حمایت یک چشم‌انداز جهانی متمایز و مرتبط با صورت‌بندی خاصی از روابط کار- سرمایه. هر دو رژیم، سودآوری و انباشت سرمایه را تقویت کردند: سرمایه‌داری تنظیم‌شده بعد از جنگ جهانی دوم نقش عمده نهادهای غیربازاری را- دولت، اتحادیه‌ها، بروکراسی‌های شرکتی- در مدیریت فعالیت اقتصادی نشان داد و سرمایه‌داری نولیبرال در دهه ۱۹۸۰ بر نقش بزرگ‌تر نیروهای بازاری و روابط بازاری در تنظیم حیات اقتصادی تأکید کرد.

ایدئولوژی مسلط سرمایه‌داری تنظیم‌شده دیدگاه کینزی بود که طبق آن سرمایه‌داری به مداخله کنشگرانه دولت برای اجتناب از مشکلات اقتصادی جدی نیاز دارد. بین سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۷۳، این سیستم بزرگ‌ترین نرخ‌های

1. Stagnation

۲. برای بحث جامع در این خصوص می‌توان به متون زیر اشاره کرد:

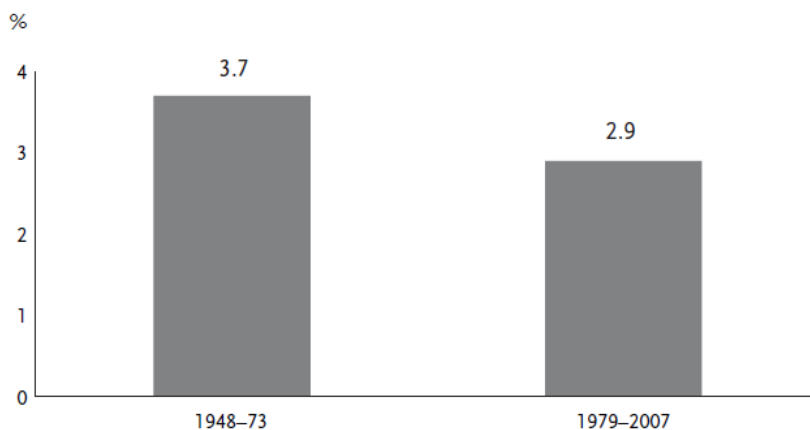
David Kotz, *The Rise and Fall of Neoliberal Capitalism*, Cambridge, MA 2015, which tracked developments through to mid-2013; since then there have been important new developments, which will be analysed here.

David Kotz, "END OF THE NEOLIBERAL ERA? Crisis and Restructuring in American Capitalism", new left review 113, sept oct 2018.

3. Regulated Capitalism to Neoliberal Capitalism

رشد را در اقتصادهای پیشرفته بیش از هر زمان دیگری در تاریخ سرمایه‌داری ایجاد کرد. میانگین نرخ‌های بیکاری پایین بودند، در حالی که نرخ‌های سود در بخش شرکتی غیرمالی آمریکا در میانه دهه ۱۹۶۰ در نقطه اوج بود، سطحی که از آن زمان به بعد تکرار نشده است (نگاه کنید به: نمودار ۱۴). در دهه ۱۹۷۰ تورم شتاب گرفت، چرخه‌های تجاری سخت‌تر شدند و آشوب در سیستم پولی بین‌المللی رخ داد. به نظر می‌رسید ابزارهای سیاست کینزی کارآمد نیستند. این ادراک گسترده ایجاد شد که سیستم فعلی دیگر کار نمی‌کند و کسب و کارهای بزرگ غرب متوجه بازساخت اقتصاد سیاسی شدند.

نولیبرالیسم وعده معکوس کردن روند کاهش سود را داد. این الگو در لفافه آزادی فردی، سودای افزایش سود را از طریق تخریب قدرت چانه‌زنی نیروی کار، قطع مالیات بر سرمایه و گشایش مراکز سودآوری جدید از طریق خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی داشت. به علاوه، نظام سرمایه از گسترش دولت مقررات‌گذار^۱ دهه ۱۹۶۰، به حوزه‌هایی چون حمایت‌گری زیست‌محیطی، امنیت مصرف‌کننده و سلامت شغلی آزرده شده بود. بازساخت نولیبرال این تغییرات را معکوس کرد. اگرچه سرمایه‌داری نولیبرال قادر به غلبه بر تورم و تقویت سودآوری و انباشت طی یک دوره زمانی پایدار در به خصوص آمریکا بود، اما میانگین نرخ انباشت سرمایه در دوره نولیبرال به‌طور معنی‌دار پایین‌تر از دوره قبلی بود (نگاه کنید به: نمودار ۱۵، در: کاتز، ۲۰۱۸).



Source: Fixed Asset tables 4.1, 4.4, and 4.7 from BEA. Note: The rate of capital accumulation is net private nonresidential fixed investment divided by net private nonresidential fixed assets.

نمودار ۱۵: میانگین نرخ انباشت سرمایه در دوره سرمایه‌داری تنظیم شده و سرمایه‌داری نولیبرال

1. regulatory state

بد نیست نرخ سود و نرخ انباشت را در طی دوره زمانی ۲۰۱۷-۱۹۷۹، یعنی سال‌های برتری سرمایه‌داری نولیبرال مقایسه کنیم تا به تصویر دقیق‌تری از بحران انباشت و سودآوری برسیم. برای این منظور سال‌های بهبود پس از چهار رکود اقتصادی این دوره طولانی- یعنی ابتدای دهه ۱۹۸۰، ابتدای دهه ۱۹۹۰، ابتدای دهه ۲۰۰۰ و رکود اقتصادی بزرگ ۲۰۰۷- را با یکدیگر مقایسه می‌کنیم (نگاه کنید به: جدول ۳، در: کاتز، ۲۰۱۸). مقایسه آمار و ارقام جدول نشان می‌دهد: اولاً، دوره بهبود پس از رکود ۲۰۰۸ واجد بالاترین نرخ سود و کمترین نرخ انباشت است. ثانیاً، نرخ‌های سود در تمام بهبودهای پس از رکود در این دوره پایین‌تر از وضعیت مشابه در دوره سرمایه‌داری تنظیم شده است. ثالثاً و مهم‌تر از همه، تحلیل‌های اقتصادسنجی شواهدی ارائه می‌کنند که پیوند همیشگی بین نرخ سود و نرخ انباشت بعد از سال ۲۰۰۸ شکسته شده است.^۱ سرمایه‌داری نولیبرال هنوز نرخ بالای سود را ایجاد می‌کند، اما این به‌تنهایی کافی نیست. این رژیم سرمایه دیگر آن نوع ثباتی که انباشت را تقویت نماید، عرضه نمی‌کند (نگاه کنید به: ارقام ستون اول جدول ۴، از سمت راست) و مهم‌تر اینکه، فرایند تحرک تقاضا از طریق حباب دارایی با بحران مالی و رکودهای اقتصادی پیوسته و بزرگ درهم شکسته است.

جدول ۴: نرخ سود و نرخ انباشت در سال‌های بهبود پس از چهار رکود اقتصادی در دوره سرمایه‌داری نولیبرال ۲۰۱۷-

۱۹۷۹

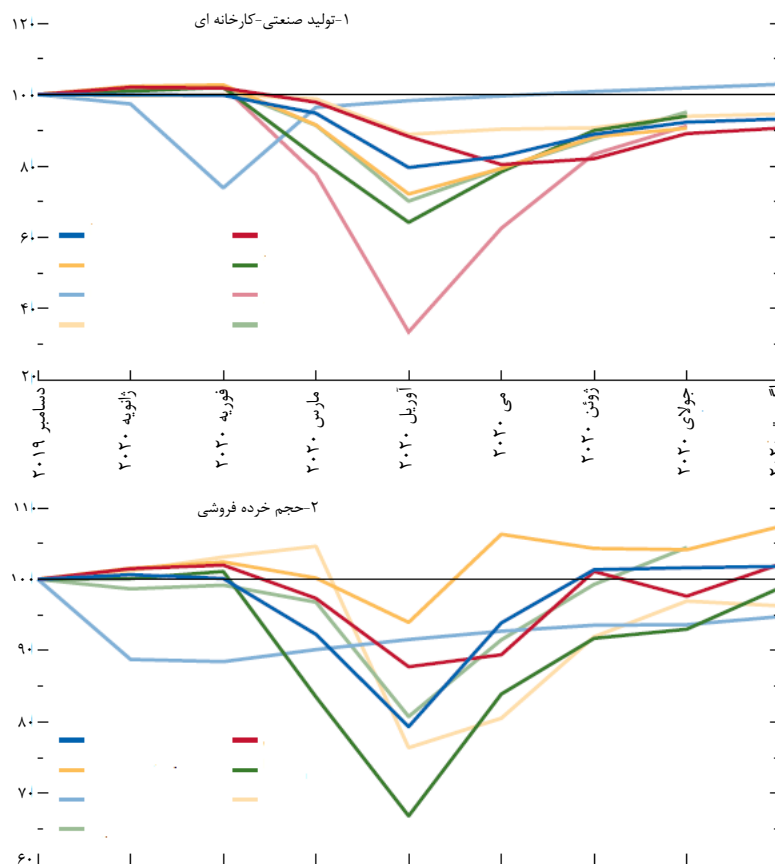
دوره	نرخ سود			نرخ انباشت		
	سال اوج چرخه	بالاترین عدد	میانگین	سال اوج چرخه	بالاترین عدد	میانگین
1983-1990	7.8	8.9	8.2	2.6	3.6	2.6
1992-2000	7.5	9.5	8.3	4.5	4.5	3.4
2002-2007	8.5	9.4	8.6	2.6	2.6	1.9
2010-2017	8.8	9.7	9.4	1.7	2.3	1.7

Source: NIPA table I.I.4, fixed asset table 4.I, 4.4, 4.7 from BEA.

دوره بهبود و توسعه در اقتصاد سرمایه‌داری جهانی ابدی نیست و رکودهای اقتصادی ممکن است به‌زودی از راه برسند. اتفاقاً، اکنون در میانه یک رکود جدید ناشی از پاندمی کووید-۱۹ قرار داریم که می‌تواند عوارض رکود سال ۲۰۰۸ را وخیم‌تر کند. حتی اگر در فردای پس از پاندمی کنونی نرخ سود اندکی اعاده شود (در قیاس با ارقام ستون چهارم جدول ۴، از سمت راست)؛ شواهد تداوم نرخ کاهشی انباشت سرمایه از هم‌اکنون نیز در دست است (در قیاس با ارقام ستون اول جدول ۴، از سمت راست). در بخش ۲-۲ و به‌ویژه نمودار ۱۳ به پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول از وضعیت رکود تولید در بسیار از کشورها و مناطق جهان در سال ۲۰۲۱-۲۰۲۰ اشاره کردیم که خود موجد

1. Kotz and Basu, 'Stagnation and Institutional Structures', *Review of Radical Political Economics*, forthcoming 2019.

بحران انباشت است. در نمودار ۱۶ روند تولید صنعتی و خرده‌فروشی در کشورهای منتخب جهان در سال ۲۰۲۰-۲۰۱۹ ارائه شده که شاهد کاهش آشکار مقادیر تولید در لحظه پاندمی کووید-۱۹ هستیم. به نظر می‌رسد رکود اقتصادی جدید از راه رسیده و شرایط فعلی، مستلزم ایستایی طولانی‌مدت در نرخ سود و انباشت سرمایه است.



نمودار ۱۶: تولید صنعتی و خرده‌فروشی در کشورهای منتخب جهان در لحظه پاندمی کووید-۱۹

(شاخص، دسامبر ۲۰۱۹=۱۰۰؛ تنظیم شده به صورت فصلی)

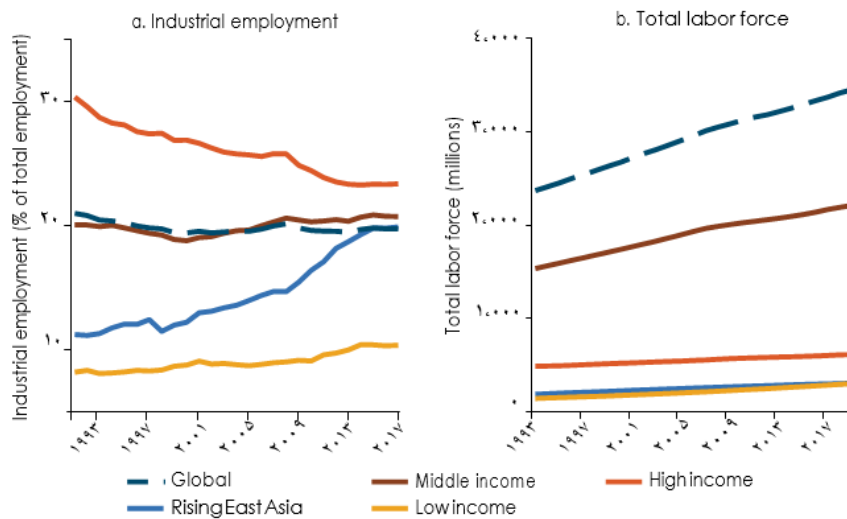
Source: "WORLD ECONOMIC OUTLOOK; A Long and Difficult Ascent", IMF, OCT 2020:2

۲-۵- تغییر در روابط کار و اشتغال

روابط کنونی کار- اشتغال را باید در اثر محرک سرمایه بر نیروی کار به دلیل روند شتابان حرکت سرمایه به کشورهای کم‌درآمد و کم‌دستمزد در دهه ۱۹۷۰ جستجو کرد. این تغییر مکان سرمایه صنعتی به تضعیف اهرم قدرت نیروی کار در کشورهای صنعتی که بزرگ‌ترین جریان خروجی سرمایه را تجربه نمودند، کمک کرد.^۱ تغییرات فوق به معنای

۱. Beverly Silver(2003), *Forces of Labor*, cambridge university press.

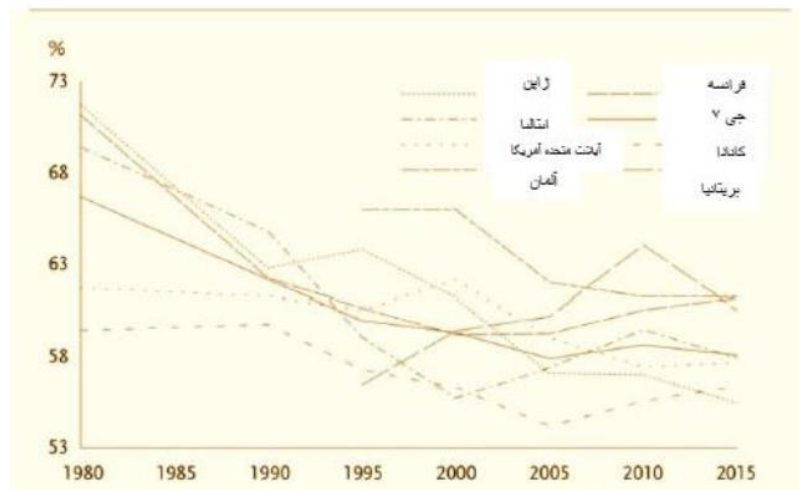
کاهش اشتغال صنعتی در غرب و افزایش اشتغال‌های صنعتی در شرق (نگاه کنید به: نمودار ۱۷) و نیز کاهش سهم نیروی کار از درآمد در کشورهای صنعتی بود (نگاه کنید به: نمودار ۱۸)؛ اما برای کشورهای در حال توسعه به معنی کاهش شدید قدرت چانه‌زنی کارگران بود، زیرا رشد دستمزدها به‌طور فزاینده‌ای به سمت بالاترین درآمدها چرخیده است. همچنین برای کشورهای در حال توسعه (و حتی تمام کشورها) باید نه تنها به کاهش دستمزدها، بلکه به این واقعیت بیکاری نیز توجه کرد. به‌جای افزایش سریع بیکاری که ادعا می‌شود ملازم گذار به آینده کار در شرایط اتوماسیون است، ما شاهد گسترش اشتغال نامکفی و موقت هستیم که البته رکودهای اقتصادی ادواری وضعیت را حادث کرده است: نخست رکود سال ۲۰۰۸ و اکنون رکود ناشی از کووید-۱۹ که بر اشتغال میلیون‌ها انسان سایه افکنده است. مورد اخیر را با جزئیات توضیح خواهیم داد.



نمودار ۱۷: روند اشتغال صنعتی در مناطق جغرافیایی غرب و شرق جهان در دوره ۱۹۹۱-۲۰۱۷

منبع: گزارش «تحول در محیط کار»، بانک جهانی، ۲۰۱۹

توضیحات: در طی دوره، اشتغال صنعتی در غرب (کشورهای با درآمد بالا) کاهش و در شرق (کشورهای با درآمد پایین و آسیا) افزایش یافته است [سمت چپ نمودار]؛ اما نیروی کار در کل جهان در حال افزایش است، به‌طوری که سرعت کشورهای کم درآمد و شرق آسیا بیشتر است [سمت راست نمودار].



نمودار ۱۸: کاهش سهم نیروی کار از درآمد در میان کشورهای صنعتی

منبع: «اتوماسیون و آینده کار»، نقد اقتصاد سیاسی، ۱۳۹۹: ۱۲

سازمان بین‌المللی کار که در سری گزارش‌هایی به بررسی و سنجش ابعاد و اثرات این رخداد فراگیر بر حوزه اشتغال و اقتصاد در کشورهای مختلف جهان پرداخته، معتقد است شیوع این بیماری، رخدادی تأثیرگذار بر حوزه اشتغال و کار چه در بخش اشتغال رسمی و چه غیررسمی و چه در حوزه کارفرمایی و کارگری است که احتمالاً به تعمیق شکاف فقیر و غنی در جهان منجر می‌شود در بخش‌هایی از این گزارش که توسط مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی منتشر شده، بر موارد زیر تأکید شده است:^۱

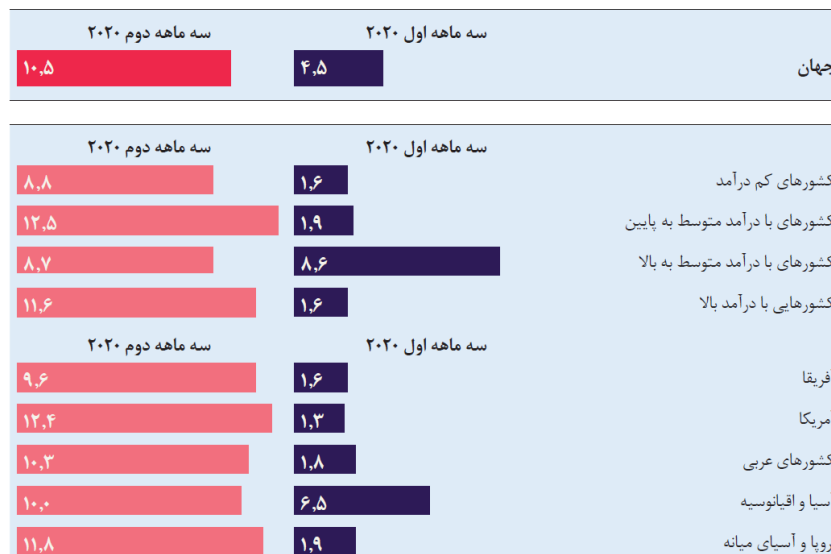
- کاهش ساعات کاری و فعالیتهای بهره‌ورانه اقتصادی: این بحران کاهش بی‌سابقه‌ای را در فعالیت اقتصادی و ساعات کاری به وجود آورده است (نگاه کنید به: نمودار ۱۹). با توجه به ادامه‌دار شدن اقدامات پیشگیرانه در بسیاری از کشورها که از قبل نیز این اقدامات روی فعالیت کاری‌شان تأثیر گذاشته بود و نیز اینکه کشورهای دیگری نیز اقدامات سخت‌گیرانه شامل تعطیلی ضروری محل کار اجرا کرده‌اند؛ وضعیت کاهش فعالیت‌های اقتصادی در نیمه دوم سال ۲۰۲۰ حادث خواهد بود.

- آسیب‌پذیری مشاغل در معرض خطر: بر اساس داده‌های سازمان بین‌المللی کار آسیب‌پذیرترین مشاغل شناسایی شده در دوره بروز بحران، بخش‌های مسکن و غذا، تولید، عمده‌فروشی و خرده‌فروشی و فعالیتهای املاک و تجارت بوده‌اند (نگاه کنید به: جدول ۵). کارگران خوداشتغال و مشاغل خرد در مجموع حدود ۷۰

۱. نگاه کنید به:

«بحران کووید-۱۹ و جهان کار»، سازمان بین‌المللی کار، ۲۹ آوریل ۲۰۲۰، ترجمه و تدوین: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۹.

درصد از اشتغال دنیا در حوزه تجارت خرده‌فروشی و نزدیک به ۶۰ درصد در حوزه خدمات مسکن و غذا را تشکیل می‌دهند که نشان از آسیب‌پذیری این بخش‌ها در هنگام بحران است. در حالی که مشاغل کوچک نقش مهمی را به‌عنوان ایجادکننده فرصت‌های شغلی - مخصوصاً در کشورهای با درآمد پایین و متوسط - در سراسر جهان ایفا می‌کنند، معمولاً به اعتبار دسترسی ندارند، سرمایه‌ای ندارند و اکثراً از مزایای اقدامات مالی در حالت کلی و بسته‌های محرک مربوط به دوران بحران بی‌بهره هستند. همان‌طور که قبلاً در پیامدهای بحران مالی جهانی مشاهده شده است، انتظار می‌رود تعداد مشاغل کوچک به دلیل ورشکستگی مشاغل ناشی از شیوع بیماری کووید-۱۹ کاهش یابد. علاوه بر این، بازگرداندن سرمایه و مشاغل از دست رفته زمان بر خواهد بود، زیرا احتمالاً بهبود این وضعیت کند پیش خواهد رفت.



نمودار ۱۹: کاهش تخمینی در مجموع ساعات کاری در نیمه اول سال ۲۰۲۰ در مقایسه با پایه قبل از بحران به صورت

درصد

منبع: سازمان بین‌المللی کار، آوریل ۲۰۲۰

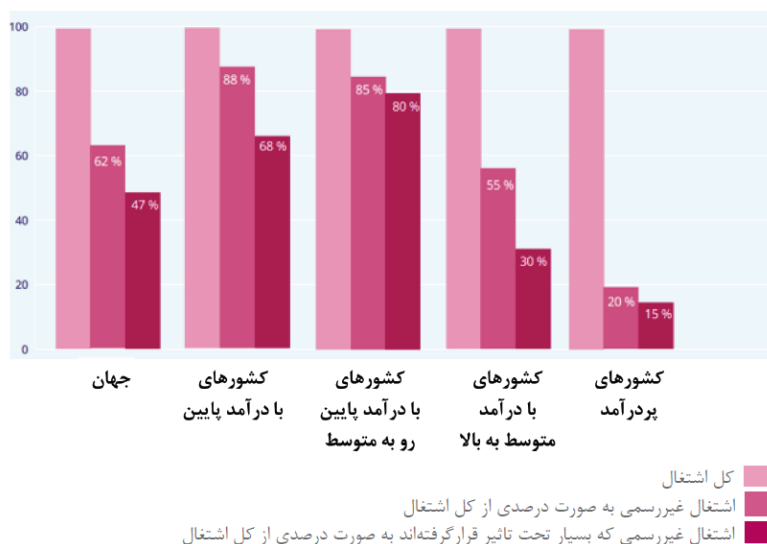
- آسیب‌پذیری کارگران و مشاغل غیررسمی: بر اساس تخمین سازمان بین‌المللی کار بیش از ۲ میلیارد نفر در سراسر جهان شغل غیررسمی دارند، شغل‌هایی که از حمایت پایه‌ای شامل پوشش حمایت اجتماعی بی‌بهره هستند. این شغل‌ها اغلب دسترسی ضعیفی به خدمات بهداشتی - درمانی داشته و در صورت بیماری یا تعطیلی درآمد جایگزینی ندارند. بسیاری از این مشاغل امکان کار کردن از راه دور را ندارند و ماندن در خانه برای این افراد به‌منزله از دست دادن شغل، درآمد و خوراک است. سازمان بین‌المللی کار مدعی است

متأثر از کووید-۱۹ در نیمه اول سال ۲۰۲۰ تقریباً ۱,۶ میلیارد کارگر بخش اقتصاد غیررسمی - ۷۶ درصد از اشتغال غیررسمی در سراسر دنیا- به‌طور قابل ملاحظه‌ای تحت تأثیر تعطیلی‌ها قرار گرفته‌اند (نگاه کنید به: نمودار ۲۰). انتظار می‌رود کاهش درآمد در بین کارگران بخش اقتصاد غیررسمی بسیار بالا باشد. تخمین‌های سازمان بین‌المللی کار نشان می‌دهد تنها در ماه اول بحران، درآمد کارگران غیررسمی در سراسر دنیا احتمالاً تا ۶۰ درصد کاهش یافته که این درصد در کشورهای با درآمد متوسط به بالا ۲۸ درصد، در کشورهای با درآمد متوسط به پایین و پایین ۸۲ درصد و در کشورهای با درآمد بالا، ۷۶ درصد است.

جدول ۵: اثرات این بحران بر شرکت‌ها (کارفرمایان و کارگران خوداشتغال) در بخش‌هایی که بیشترین ضربه به آنها وارد شده است

وضعیت اشتغال پایه (برآورد جهانی سال ۲۰۲۰ قبل از کووید-۱۹)						
بخش اقتصادی	تأثیر بحران بر روی یازده اقتصادی	کارفرمایان (میلیون)	کارگران خوداشتغال (میلیون)	سهم کارگران خوداشتغال در کل اشتغال‌ها (%)	سهم شاغلان در شرکت‌ها یا کارگر در کل اشتغال‌ها (%)	سهم شاغلان در شرکت‌ها یا کارگر در کل اشتغال‌ها (%)
کسب‌وکار خردفروشی و عمده‌فروشی: تعمیر وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت‌ها	بالا	۲۱	۲۱۱	۴۵	۲۵	۳۰
تولید	بالا	۱۲	۹۹	۱۹	۱۵	۶۶
خدمات اسکان و غذا	بالا	۷	۴۴	۲۹	۲۹	۴۱
مستقلات: تجارت و امور اناری	بالا	۷	۳۵	۲۱	۲۳	۵۶
هنر، سرگرمی، تفریح و سایر خدمات	متوسط به بالا	۴	۵۷	۳۰	۳۱	۳۹
حمل‌ونقل، اتیار و ارتباطات	متوسط به بالا	۴	۷۶	۳۱	۱۹	۵۰
ساخت و ساز	متوسط	۹	۱۰۳	۲۸	۲۶	۳۶
خدمات مالی و بیمه	متوسط	۱	۳	۶	۱۱	۸۳
معادن و استخراج معادن	متوسط	۱۶	۳	۲۸	۱۴	۵۸
کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری	متوسط به پایین	۱۹	۴۷۰	۵۵	۳۰	۱۵
بهداشت انسان و مددکاری اجتماعی	پایین	۲	۱۱	۷	۱۴	۷۹
آموزش	پایین	۱	۷	۵	۱۴	۸۱
خدمات رقاهی	پایین	۱۶	۳	۱۰	۱۳	۷۷
مدیریت عمومی و دفاع: تامین اجتماعی اجباری	پایین	۱۶	۰	۲	۸	۹۰

منبع: سازمان بین‌المللی کار، آوریل ۲۰۲۰



نمودار ۲۰: کارگران اقتصاد غیررسمی: چه تعداد از آنها بسیار تحت تأثیر قرار گرفته‌اند؟

منبع: سازمان بین‌المللی کار، آوریل ۲۰۲۰

توضیحات: بر اساس تحلیل اطلاعات نظرسنجی ملی از خانوارها در ۱۲۹ کشور که نشان‌دهنده ۹۰ درصد از اشتغال جهانی است که استخراج شده از اشتغال جهانی و بر اساس کل اشتغال (بنفش کم‌رنگ) به‌عنوان پایه ارجاع (۱۰۰ درصد) برای هر گروه درآمدی در کشورها به کار می‌رود. کل اشتغال رسمی با بنفش رنگ متوسط نشان داده شده است (۲ میلیارد کارگر اقتصاد غیررسمی). کارگران اقتصاد غیررسمی که بسیار تحت تأثیر این بحران قرار گرفته‌اند با بنفش پررنگ نشان داده شده‌اند (تقریباً ۱٫۶ میلیارد). این دسته از کارگران در کشورهایی با تعطیلی محل کار و یا بخش‌های در معرض خطر کار می‌کنند. سهم کارگران غیررسمی که بسیار تحت تأثیر قرار گرفته‌اند با مقایسه نواحی بنفش کم‌رنگ و پررنگ به دست آمده است.

خلاصه اینکه، دو نیروی اصلی اتوماسیون و نوآوری، پیکره‌بندی اشتغال در آینده را شکل خواهند داد. اتوماسیون به‌طور نامتناسبی تقاضا برای نیروی کار غیرماهر را کاهش می‌دهد و فرایند نوآوری به‌طور عام بستر را برای کارگران ماهر و تحصیل‌کرده فراهم می‌کند. نتیجه هم کماکان مشخص است: به‌جای افزایش سریع بیکاری که ادعا می‌شود ملازم گذار به آینده کار در شرایط اتوماسیون است، در سه دهه گذشته شاهد گسترش اشتغال نامکفی و موقت هستیم (نگاه کنید به: نمودار ۱۸). به این روند باید افزایش ریسک مشاغل غیررسمی، کاهش درآمد کارگران غیررسمی، افزایش مشاغل موقت و کاهش بهره‌وری فعالیت شغلی را به‌عنوان ضربات حاصل از رکودهای ادواری اضافه کرد. پس از رکود سال ۲۰۰۸ که میلیون‌ها نفر را بی‌خانمان کرد، اکنون نوبت کووید-۱۹ است که بر اشتغال میلیون‌ها انسان سایه افکنده است. در بخش فوق تنها به بخشی از اثرات آن اشاره شد که حاصل مطالعات معتبرترین نهاد کار در جهان، یعنی سازمان بین‌المللی کار است. در هر حال، شکی نیست که این بحران باعث محدودیت فعالیت

اقتصادی می‌شود؛ بنابراین در درازمدت، ظرفیت تولید جهانی را نیز کم خواهد کرد؛ چنین وضعیتی در کشورهای توسعه نیافته ممکن است روی کارگران آسیب‌پذیر تأثیر بگذارد و سهم آنها را در اقتصاد کاهش دهد.

۲-۶- تحولات مرتبط با بخش‌ها- فعالیت‌های انسانی

بیش از یک سال از ورود بیماری کووید-۱۹ به عرصه زندگی بشر می‌گذرد. سرعت انتشار و سایر ویژگی‌های این ویروس مخرب، علاوه بر سلامت انسان‌ها، همه عرصه‌های زیست انسان از روابط فردی و اجتماعی تا انواع بسترهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تحت تأثیر خود قرار داده و در یک کلام، جنبه‌های مختلفی از جامعه بشری را با تکانه‌های عظیم مواجه کرده است. همه دانشگاه‌ها، مؤسسات پژوهشی و نهادهای توسعه‌ای نقاط مختلف جهان به مطالعه این بیماری و آثار آن بر بخش‌ها- فعالیت‌های انسانی پرداخته‌اند؛ از جمله توسط همین مرکز چند گزارش تدوین و منتشر شده و به بسیاری از تحقیقات جهانی مهم در همین مطالعه استناد گردیده که در فهرست منابع ذکر شده است. در اینجا نه فرصت پرداختن به موارد فوق است و نه هدف مطالعه ما چنین است. بر مبنای مسئله مطالعه کنونی، در ادامه و در قالب چندین جدول تقاطعی به اثرات چندگانه این بیماری بر بخش‌ها- فعالیت‌های انسانی صرفاً از بابت فعل و انفعال آنها بر روند توسعه جهانی پرداخته شده است.

در جدول ۶ تأثیر کووید-۱۹ بر حوزه‌های مختلف فعالیت‌های اقتصادی- صنعتی طبقه‌بندی شده که حاصل یافته‌های مؤسسه اولسنت است.^۱ گزارش از بابت آثار کوتاه‌مدت کووید-۱۹ مترتب بر فعالیت‌های منتخب به سه اثر مهم، توقف یا اختلال در تولید به دلیل محدودیت‌های به وجود آمده برای فعالیت نیروی کار صنایع در کشورها؛ کاهش تقاضای محصولات و خدمات؛ و اختلال در زنجیره تأمین صنایع است. چنانچه یافته‌های جدول ۶ نشان می‌دهد از بابت حوزه‌های تأثیر کووید-۱۹ بر نیروی انسانی، عملیات کاری، زنجیره تأمین، درآمد و ارزیابی کلی اثرات، سه فعالیت گردشگری و حمل و نقل؛ تولید؛ و خرده‌فروشی بیشترین اثرات را دریافت کرده‌اند و پس از آن فعالیت‌های دانشگاه‌ها و آموزش؛ انرژی و منابع؛ بهداشت و درمان؛ های تک و ارتباطات از راه دور قرار دارند. هرچند تأثیر کووید-۱۹ بر همه فعالیت‌های مندرج در جدول ۶ آشکار است، اما به نظر می‌رسد این بیماری شتاب تحولات در چند حوزه اصلی تولید گردشگری، خرده‌فروشی و آموزش را افزایش داده و در مواردی چون حمل و نقل، توربسم و آموزش عالی، روندها- که از قبل نیز کم و بیش وجود داشته- حتی برگشت‌ناپذیر است.

در جدول ۷ نیز میزان تأثیر پاندمی کووید-۱۹ بر صنایع مختلف از سه جنبه محدودیت نیروی انسانی؛ کاهش تقاضا؛ و اختلال در زنجیره تأمین بررسی شده است. از بیم این سه تأثیر، محدودیت نیروی انسانی با رعایت کامل پروتکل‌های بهداشتی تا حد زیاد قابل رفع است؛ به خصوص که اخیراً با شروع واکسیناسیون عمومی دورنمای آن روشن‌تر است. رفع اختلال در زنجیره تأمین بسیاری

۱. برای آگاهی از یافته‌های کامل این گزارش نگاه کنید به:

مجید مردانی شهری، «نگاهی به تأثیر همه‌گیری کووید-۱۹ بر صنایع منتخب»، گاهنامه پیش توسعه و آینده‌نگری، شماره ۳، ۱۳۹۹

از فعالیت‌ها و صنایع وابستگی زیادی به گستردگی جغرافیایی و نوع زنجیره تأمین محصول دارد. هرچه زنجیره تأمین در سطح جهانی گسترده‌تر باشد، بازگشت آن به حالت عادی دشوارتر و نیازمند رفع کامل تهدید کووید-۱۹ در کشورهای عضو در زنجیره تأمین خواهد بود. از این نظر دامنه تأثیر کووید-۱۹ با توجه به ادغام اقتصادهای جهانی و منطقه‌ای عمیق‌تر است. اما مقابله با عامل کاهش تقاضا بسیار دشوارتر بوده چراکه تمامی پیش‌بینی‌ها نشانگر ورود اقتصاد جهانی به رکودی بسیار عمیق است که کاهش شدید تقاضا را به دنبال خواهد داشت (نگاه کنید به: نمودار ۱۳)؛ بنابراین، حتی با عبور از پاندمی کنونی خروج از رکود اقتصادی ناشی از آن زمانی طولانی طلب خواهد کرد.^۱ مع‌الوصف، نگاهی به جدول ۷ نشان می‌دهد از بابت محدودیت منابع انسانی، بیشترین آثار پاندمی متوجه صنایع ساختمان و خودروسازی؛ و از بابت اختلال در زنجیره تأمین، بیشترین آثار پاندمی متوجه کشاورزی و دامپروری و خودروسازی است. اما از بابت کاهش تقاضا که مهم‌ترین در میان بقیه است، بیشترین آثار پاندمی متوجه گردشگری و انواع حمل و نقل به‌ویژه حمل و نقل هوایی است.

جدول ۶: تأثیر پاندمی کووید-۱۹ بر بخش‌ها-فعالیت‌های مختلف انسانی

حوزه‌های متأثر از کوید ۱۹	بانک داری، خدمات مالی و بیمه	انرژی و منابع	بهداشت و درمان	های تک و ارتباطات از راه دور	رسانه و سرگرمی	بخش عمومی	خرده‌فروشی	تولید	دانشگاه‌ها و آموزش	عام‌المنفعه	گردشگری و حمل‌ونقل
نیروی انسانی	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●
عملیات کاری	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●
زنجیره تأمین	○	●	●	●	●	○	●	●	○	○	●
درآمد	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●
ارزیابی کلی	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●

● خیلی زیاد ● زیاد ● نسبتاً زیاد ● متوسط ○ تأثیر کم

منبع: مؤسسه آواست، در: مردانی، ۱۳۹۹

۱. مسئله به‌ویژه بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه حادث است. گزارش چشم‌انداز اقتصادی جهان (صندوق بین‌المللی پول، آوریل ۲۰۲۰) پیش‌بینی کرده در سال ۲۰۲۱-۲۰۲۰ شاهد کاهش رشد تولید ناخالص داخلی، افزایش تورم، افزایش بیکاری و کسری حساب تراز جاری در اقتصادهای خاورمیانه از جمله ایران خواهیم بود.

جدول ۷: تأثیر پاندمی کووید-۱۹ بر صنایع مختلف

کشاورزی و دامداری	پزشیمی	خودروسازی	حمل و نقل زمینی، ریلی و دریایی	حمل و نقل هوایی	ساخت‌ها	انرژی	گردشگری	تأثیر بر صنایع منتخب	
								محدودیت نیروی انسانی	
								کاهش تقاضا	
								اخلال در زنجیره تأمین	
	بسیار زیاد		زیاد		متوسط		کم		بسیار کم

منبع: موسسه آواست، در: مردانی، ۱۳۹۹

درنهایت، در جدول ۸ به روند تحولی بخش‌های مختلف فعالیت‌های انسانی متأثر از کووید-۱۹ اشاره شده است. برای انجام این کار مطابق ستون سمت راست، بخش‌های نام برده به شش بخش اصلی ۱- تولیدی-تجاری؛ ۲- زیربنایی؛ ۳- اقتصادی؛ ۴- علمی- فرهنگی؛ ۵- اجتماعی؛ و ۶- سیاسی- حکمرانی تقسیم شده است. توضیح اینکه، تولیدی- تجاری به معنای عام کلمه است و فعالیت کسب و کارها و صنایع را نیز شامل می‌شود؛ حمل و نقل- انرژی شامل فعالیت‌های انرژی و زیرساخت‌ها (حمل و نقل) است؛ اقتصادی دربرگیرنده فعالیت‌هایی چون گردشگری، مالی و سایر مواردی است که بیشترین تأثیر را از کووید-۱۹ دریافت کرده‌اند؛ علمی- فرهنگی شامل فعالیت‌های آموزش، دانشگاه‌ها و حوزه رسانه است؛ بخش اجتماعی بیشتر به تشدید آسیب‌ها و بیماری‌ها می‌پردازد؛ و بخش سیاسی- حکمرانی نیز تغییرات سازمانی و چالش‌های حکمرانی را مدنظر دارد. سپس در ستون سمت چپ، روندها و تحولات هر بخش که فرض می‌شود پاندمی کووید-۱۹ در تشدید آن مؤثر بوده، ارائه شده است. توضیح اینکه، در اینجا نه تنها داده‌های مؤسسات پژوهشی مرجع^۱ نصب‌العین بوده، بلکه در گمانه‌زنی درباره روند فوق چشم‌انداز آینده‌نگرانه نیز لحاظ شده است. مع الوصف، یافته‌های ستون چپ جدول ۸ بر موارد چون کاهش فضای تجاری، کاهش ظرفیت تولید جهانی در درازمدت، شوک نفتی و تنش‌های ژئوپلیتیک حاصله، تغییر سیاست‌های پولی- مالی و افزایش بدهی دولت‌ها، تغییر الگوهای مسافرت و توریسم، تحول در مناسبات آموزش و بهداشت، تغییر حکمرانی الگوی مکان‌مند، بروکراسی‌زدایی، شبکه‌ای شدن سازمان‌ها و غیره تأکید دارد که با جزئیات فهرست شده است.

۱. در بخش‌های مختلف این گزارش به کرات به این داده‌ها رجوع شده و در فهرست منابع بدان اشاره شده است.

جدول ۸: روند تحولی بخش‌های مختلف متأثر از کووید-۱۹

بخش‌ها	روندها و تحولات
تولیدی-تجاری	<ul style="list-style-type: none"> ▪ نوسان تجارت در برهه پاندمی و اثر منفی آن بر کاهش فضای تجاری کشورهای در حال توسعه؛ ▪ افزایش ارزش افزوده در تولید و توسعه مبتنی بر کارآفرینی به دلیل تاب‌آوری کسب و کارهای کوچک در شرایط بحرانی؛ ▪ محدودیت تجارت خارجی و گرایش جهانی به تأمین محصولات اساسی (کشاورزی و صنعتی) با تمرکز بر نهاده‌های داخلی؛ ▪ کاهش ظرفیت تولید اقتصاد جهانی در بلندمدت به دلیل تعطیلی موقت کسب‌وکارها و گرایش به سمت کسب و کارهای دیجیتال و شبکه‌ای؛ ▪ بازبینی زنجیره تأمین‌های چندکشوری و چندمرحله‌ای از سوی شرکت‌ها و چالش در انکارجۀ تولید با نیروی کار کشورهای دوردست؛ ▪ افزایش روند دیجیتالی‌شدن کسب و کارها و تشدید شکاف میان کسب و کار فیزیکی و دیجیتال؛ ▪ کاربست پیشرفت‌های پرینت سه‌بعدی در زمینه به‌کارگیری داده‌ها از اقصی نقاط جهان در ارتقای تولید از سوی شرکت‌های بزرگ و کسب و کارهای جدید و متعاقباً عبور از مفهوم «تولید لحظه‌ای»؛
حمل و نقل-انرژی	<ul style="list-style-type: none"> ▪ کاهش صادرات نفت و گاز به دلیل کاهش تقاضای کشورهای ناشی از پاندمی (در ترکیب با تحریم‌ها)؛ ▪ شوک کاهش قیمت نفت حاصل از پاندمی و ترکیب روند کاهش قیمتی ۲۱-۲۰۲۰ با سال ۲۰۱۶ از بابت تأثیر مخرب آن بر بودجه عمومی دولت‌های نفتی؛ ▪ احتمال تداوم روند نزولی قیمت و تقاضای انرژی-نفت برقرار به دلیل نبود توازن در عرضه و تقاضای در بازار جهانی نفت در ترکیب با کاهش تقاضای جهانی کووید-۱۹؛ ▪ تداوم تقاضای پایین برای انرژی در سطوح کمتر از پیشا کووید-۱۹ حتی پس از عبور از بحران به دلایلی چون: از بین رفتن تقاضاهای کلان برای نفت و تغییر فعالیت شرکت‌های بزرگ نفتی به فعالیت‌های جایگزین؛ ▪ تأثیر پاندمی کووید-۱۹ بر روند تحول فناوری‌های مرتبط با اقلیم از بابت انرژی‌های تجدیدپذیر، حمل‌ونقل سبز و غیره؛ ▪ تغییر الگوی سفرهای درون‌شهری و برون‌شهری با توجه به عدم تناسب ظرفیت ناوگان با الگوی نوظهور مسافرت‌ها؛ ▪ روند کاهشی مسافرت‌های هوایی و تأثیر آن بر الگوی ایمنی بهداشتی تردهای هوایی در آینده؛ ▪ تغییرات طولانی‌مدت در رفتار سفر در نتیجه بحران، از بابت افزایش سفرهای خانوادگی به ضرر سفرهای عمومی؛
اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> ▪ افزایش تغییر مکان احتمالی قدرت‌ها در اقتصاد جهانی (از غرب به شرق) و تبعات آن بر ایران؛ ▪ گسترش روند جدایی تکنولوژیکی شرقی-غربی و واگرایی شرکت‌های چندملیتی در نتیجه تقابل چین و آمریکا و اثر متعاقب آن بر تضعیف جهانی‌سازی اقتصادی؛ ▪ اثرات متعارض بحران بر مسیر اقتصادهای مناطق مختلف جهان: از بابت نزدیکی بیشتر برای اقتصادهای آفریقایی و واگرایی بیشتر برای اقتصادهای اروپایی؛ ▪ اثرات نابودکننده بحران بر فعالیت‌های اقتصاد گردشگری کشورها از بابت: زبان انباشته مشاغل مسافرتی و گردشگری، توقف توسعه قطب‌ها و جاذبه‌های گردشگری و حتی روی آوردن به بدیل‌هایی چون توریسم مجازی؛ ▪ تغییر رویکرد سیاست‌های توسعه به سمت درون‌زایی و جلوگیری از نوسانات شدید رشد اقتصادی برای بهبود سریع آثار منفی کووید-۱۹ (پیامد ناخواسته آن احتمالاً تشدید ناسیونالیسم اقتصادی خواهد بود)؛ ▪ گسترش روند بورس‌بازی و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت در بازارهای مالی به‌جای سرمایه‌گذاری تولیدی در سایه بحران کنونی (اثر متعاقب آن بر عدم ارتباط بین بازارهای مالی و فعالیت اقتصادی واقعی و افزایش ریسک مالی دولت‌ها محرز است)؛ ▪ اثرات متعاقب کاهش تولید-تجارت جهانی بر بدهی دولت‌ها تا میزان نزدیک به سال ۱۹۴۵ بعد از جنگ جهانی دوم؛ ▪ تأثیر احتمالی شرایط جهان پساکووید-۱۹ بر تغییر در سیاست پولی کشورها (معمولاً وقتی اقتصادی به شدت کند می‌شود، بانک مرکزی نرخ بهره را پایین می‌آورد تا رغبت به خرید را زیاد کند؛ اما در بحبوحه کنونی این دیگر علاج نیست. هرچقدر هم یک محصول ارزان شود، احتمال دارد که کسی آن را نخرد، چون ارتباط بین خریدار و فروشنده به دلیل اختلال در زنجیره تأمین به‌وضوح کم شده است. روش سنتی سیاست پولی نمی‌تواند این مشکل را حل کند).

<ul style="list-style-type: none"> ▪ متأثر از پاندمی کووید-۱۹ برنامه‌ریزی برای تداوم خدمات مؤسسات آموزشی به برنامه‌ریزی از راه دور و مبتنی بر زیرساخت‌های الکترونیک، مجازی و چندرسانه‌ای تغییر ماهیت خواهد داد؛ ▪ افزایش سرعت مجازی شدن آموزش و آموزش راه دور- اینترنتی و نهایتاً تغییر رویکرد در آموزش از بابت سیطره فناوری؛ ▪ اولویت یافتن آموزش الکترونیکی در دانشگاه‌ها و فراگیر شدن الگوی یادگیری تلفیقی، یادگیری مشارکتی؛ ▪ افزایش روند ایجاد رسانه‌های غیرخطی (رسانه‌های شخصی) و تنوع و تکثر رسانه‌ای به دلیل روی آوردن بیشتر شرکت‌ها- افراد به فناوری‌های نوظهور اینترنتی در زمانه پاندمی؛ ▪ افزایش کمی و کیفی فعالیت شغلی کنشگران در رسانه‌های اجتماعی، به خصوص در چندرسانه‌ای‌ها (بازی‌های رایانه‌ای)، رسانه‌های مبتنی بر موبایل و تبلت، شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر وب، شبکه‌های اجتماعی موبایلی و غیره؛ ▪ گذار از کنش متقابل در اجراهای هنری و مجازی شدن فرهنگ به خصوص در عرصه‌های نمایشی چون تئاتر؛ 	<p>علمی - فرهنگی</p>
<ul style="list-style-type: none"> ▪ تنوع آسیب‌های اجتماعی در زمانه بحران کووید-۱۹ و تأثیر آن بر ظهور بزهکاری‌های جدید به خصوص در فضای مجازی؛ ▪ افزایش آسیب‌پذیری گروه‌های متأثر از پاندمی و افزایش مشکلات معیشتی و زیستی اقشار آسیب‌پذیر؛ ▪ اثر پاندمی بر تغییر رویکردهای حقوقی و جزایی به خصوص در زمینه زندان‌ها و دارالتادیب‌ها؛ ▪ افزایش تنش‌های روحی خانوادگی و مسائل اجتماعی به دلیل دوری اجباری افراد خانواده از یکدیگر؛ ▪ تأثیر پاندمی بر معیشت کارگران آسیب‌پذیر در کشورهای توسعه نیافته از بابت کاهش ظرفیت تولیدی اقتصادها؛ ▪ افزایش گرایش به سمت الگوی غیرمتعامل در درمان پزشکی و کاربست فناوری هولوگرافیک در پزشکی؛ ▪ تغییر رویکرد از خصوصی‌سازی بخش بهداشت در کشورها به سمت تأمین مالی هزینه بیماری‌ها به صورت مشارکتی. 	<p>اجتماعی</p>
<ul style="list-style-type: none"> ▪ اهمیت‌یابی مجدد سلامت قدرت و دفاع زیستی در زمانه کووید-۱۹ (انتشار یک ویروس بیماری‌زا تبعات پخش تکنولوژی‌های قرن بیست و یکم را مطرح کرده از این بابت که سیستم‌های هوش مصنوعی، ویروس‌های کامپیوتری و امثال آنها نیز ممکن است به صورت اتفاقی پخش شوند و خیلی سریع به مشکل همه جهان بدل شوند)؛ ▪ تردید در سیاست استفاده از هوش مصنوعی در بهبود وضعیت جامعه از این بابت که داشتن مقادیر فراوانی دیتا و همچنین ابزارهای پیچیده یادگیری ماشینی تضمین نمی‌کند که پیش‌بینی دقیق صورت گیرد؛ ▪ گذار از حکمرانی الگوی مکان‌مند و سازمان یافته از بابت ضرورت حکمرانی به هم پیوسته کشورها در زمانه بحران‌ها؛ ▪ کاهش تردد و جابه‌جایی نیروی کار در شرایط کووید-۱۹ و تأثیر آن افزایش روند موجد بروکراسی‌زدایی و شبکه‌ای شدن سازمان‌های دولتی - شرکتی؛ ▪ چالش‌های عدم حضور فیزیکی کارکنان بر حکمرانی محلی شهری و آینده فعالیت انسانی در شهرها (دو پرسش مطرح است: ۱) حالا که تکنولوژی‌های لازم برای کار از خانه مورد توجه قرار گرفته و رو به توسعه هم هستند، چه نیازی هست که کارکنان به محیط‌های کوچک اداری که از لحاظ آلودگی پرخطر هم هستند، بازگردند؟ ۲) همچنین اگر بازگشت آنها به محیط کار مطمئن نظر باشد آیا باید شرکت‌ها و ادارات به فکر فضاهای بسیار بزرگ فیزیکی برای کاهش آلودگی ویروسی خواهند بود یا اینکه شرایط جدید مبنی بر عدم حضور فیزیکی کارکنان خود در محل را ترجیح می‌دهند؟ 	<p>سیاسی - حکمرانی</p>

منبع: یافته‌های گزارش

۲-۷- دگرگونی در قلمرو آزادی/نظارت بر افراد و جوامع انسانی

توسعه در جهان جدید و در بستر رویدادهای بزرگی چون انقلاب‌های سده‌های هجدهم و نوزدهم باور شده و به‌باور اندیشمندان بزرگ بر ستون محکم آزادی بنا شده است؛ اما جامعه دموکراتیکی که طبق تأکید متفکر برجسته‌ای

چون توکویل سرنوشت ناگزیر تاریخی دوران مدرن است؛^۱ جای نهادهای گوناگونی را در نظم سیاسی باز می‌گذارد و بنا بر شرایط گوناگون یا می‌تواند جامعه‌ای لیبرال-آزاد باشد که تحت حکومت نهادهای نمایندگی نگهبان آزادی‌های فردی اداره شود یا آنکه برعکس در صورت نامساعد بودن علل فرعی، به جامعه‌ای اقتدارگرا-نظارتی تبدیل شود. نکته اینجاست که پس از گذشت دو سده هنوز معادله آزادی/ نظارت حل نشده و حتی تجربه موفق توسعه به‌خصوص در نظام‌های شرق آسیا که به گذار از چند دهه فردگرایی لیبرالی به جمع‌گرایی نظارت‌محور تعبیر شده، این معادله را پیچیده‌تر کرده است؛ اما فقط یک عامل بیرونی جهان‌گستر نیاز بود تا این دو اردوگاه را کاملاً رو در روی هم قرار دهد: پاندمی کووید-۱۹.

صورت مسئله ساده است: طرفداران سیستم لیبرال مدعی هستند جوامع فردگرا و آزاد همیشه موفق‌تر بوده‌اند (با توجه به تجربه جوامع مختلف). در مقابل، اردوگاه رقیب بر این نظر است که موفقیت شرق آسیا و کشورهای اقتدارگرا در پیشبرد توسعه و نیز به‌خصوص مهار پاندمی کنونی، خود مؤید صدق گفته آنهاست و اینکه اساساً پیدایش این پاندمی مرتبط با صورت‌بندی اقتصادی خاصی است که ما در سه دهه گذشته داشته‌ایم (اقتصاد جهانی نولیبرال)؛ اما عمق مسئله بسیار ژرف است: مجادله بر سر اینکه در قرن بیست و یکم شاهد زوال آزادی‌ها و برتری دولت‌گرایی هستیم و این پاندمی چون جرقه بر انبار باروت است.

توضیح اینکه، به‌منظور پایان دادن به پاندمی کنونی، ضروری است تمام جمعیت از یک راهنمای واحد پیروی کنند و یک روش برای اطمینان از اجرای راهنمای واحد «مانند قرنطینه» نظارت دولت بر مردم و اتخاذ تصمیمات مقتضی برای تحقق آن است؛ اما نکته اینجاست که تصمیمات دولت‌ها در زمانه بحران احتمالاً جهان‌سال‌های پیش رو را شکل خواهد داد. این تصمیمات نه تنها سیستم سلامت، بلکه اقتصاد، سیاست و فرهنگ ما را نیز، شکل خواهند داد. بسیاری از اقدامات اضطراری کوتاه‌مدت تبدیل به بخش‌های جدایی‌ناپذیری از زندگی می‌شوند و بنابراین خطر بالقوه در تصمیماتی است که در حالت عادی به سال‌ها غور و بررسی نیاز دارند، اما برحسب ضرورت در مدت چند ساعت پذیرفته می‌شوند. اینجاست که پای انتخاب بین آزادی/ نظارت در میان است. یواخیم نوح (۱۳۹۹) معتقد است در شرایط بحرانی امروز، ما با دو تصمیم روبه‌رو هستیم که هر کدام منحصرأ و در جای خود بسیار مهم هستند.^۲ تصمیم اول، انتخاب بین نظارت توتالیتر و توانمندسازی شهروندی^۳ و تصمیم دوم، انتخاب بین انزوای ملی و یکپارچگی

۱. در این زمینه دیدگاه‌های توکویل متفکر فرانسوی مرجع بوده است. نگاه کنید به: آکسی دو توکویل (۱۳۹۶)، *دموکراسی در آمریکا*، ترجمه رحمت الله مقدم مراغهای، انتشارات تهران: علمی و فرهنگی؛ و آکسی دو توکویل (۱۳۹۵)، *انقلاب فرانسه و رژیم پیش از آن*، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات تهران: مروارید.

۲. موارد مطرح در این بند از گزارش برگرفته از دیدگاه‌های یواخیم نوح هراری مورخ برجسته و مولف کتاب *انسان خردمند* است در: «جهان پس از کووید-۱۹ از نگاه نویسنده انسان خردمند»، همشهری آنلاین، ۱۵ فروردین ۱۳۹۹.

3. Totalitarian Surveillance and Citizen Empowerment

جهانی^۱ است. معمولاً در شرایط بحرانی دایره انتخاب‌ها در مورد نخست به سمت نظارت و مورد دوم به سمت انزوای ملی (ناسیونالیسم) سوق می‌یابد که در ادامه به هر یک از آنها خواهیم پرداخت.

مورد نظارت فقط به قوانین سخت‌گیرانه دولتی و تأثیر احتمالی آن بر اختلال در چرخه قدرت‌مند عرضه در اقتصادها و کسب و کارها محدود نیست و دایره بسیار وسیعی را در بر می‌گیرد. امکان گسترش نظارت زیرپوستی با استفاده از گوشی‌ها و ادوات هوشمند اکنون به طور کامل محقق شده و هم‌اکنون دولت‌ها می‌توانند به‌جای استفاده از افراد به سنسورهای همه‌جا حاضر و الگوریتم‌های قدرتمند برای نظارت بر دیگران اتکا کنند. قوانین مربوطه نه تنها در چین و شرق آسیا مدون شده، بلکه به سایر کشورها نیز رسیده است.^۲ در حالی که طی سالیان اخیر هم دولت‌ها و هم شرکت‌ها تکنولوژی‌های حتی پیشرفته‌تری را برای ردیابی، نظارت و دست‌کاری افکار عمومی مورد استفاده قرار داده‌اند، اینک به مرحمت پاندمی اخیر شاهد یک دراماتیک را از نظارتِ روپوستی به سوی نظارتِ «زیرپوستی» و کنترل بیومتریکِ پارامترهایی همچون خشم، بی‌حوصلگی، لذت، نفرت و غیره از سوی سیستم‌های دولتی هستیم که می‌تواند همچون شمشیر داموکلس بالای سر مردم باشد. ممکن است استدلال شود نظارت بیومتریک (زیست‌سنجی) یک روش موقتی است که در وضعیت اضطراری پاندمی مورد استفاده قرار می‌گیرد و هنگامی که وضعیت اضطراری پایان یافت این روش هم کنار گذاشته خواهد شد. اما اقدام‌های موقتی، خصلت بدی دارند و آن این‌که وضعیت‌های اضطرار را تداوم می‌بخشند. بنابراین، حتی زمانی که نرخ شیوع کووید-۱۹ به صفر کاهش پیدا کند، بعضی از دولت‌ها این ادعا را مطرح خواهند کرد که نیاز است سیستم نظارت بیومتریک به دلایلی چون خطر پاندمی‌های بعدی بر جای خود باقی بماند.

اما خطاست اگر فکر کنیم سیستم‌های نظارت بیومتریک فقط مخصوص نظام‌های اقتدارگرا است. بلکه ظهور آن اتفاقاً از نظام‌های لیبرال بوده که به‌دقت توسط متفکر فرانسوی، فوکو بررسی شده است. از دیدگاه فوکو، زیست‌سیاست^۳ صرفاً عملکرد دولت‌های نوین برای ساماندهی سوژه‌ها از طریق انبوهی از فنون و تکنیک‌ها، جهت به انقیاد درآوردن بدن‌های افراد و کنترل جمعیت یا به انضباط درآوردن فرد نیست، بلکه به تکنیک‌هایی نیز می‌پردازد که امنیت نژاد انسان را فراهم می‌آورند (حسن‌زاده، ۱۳۹۹: ۷۵۵).^۴ فوکو باور داشت اگر خواهیم نحوه‌ای را که زیست

1. Nationalist isolation and global solidarity

۲. قدرت حاکم بر چین نه تنها از طریق نظارت دقیق تلفن‌های هوشمند افراد، و نیز با بهره‌گیری از صدها میلیون دوربین تشخیص چهره و وادار کردن مردم به بررسی و گزارش دمای بدن و وضعیت پزشکی‌شان، به سرعت توانسته ناقلان مشکوک به کووید-۱۹ و ویروس را تشخیص دهد، بلکه توانسته به لطف قواعد حزبی خود رفت و آمد و تماس‌های افراد را نیز ردیابی کند. رژیم اشغالگر قدس نیز از «اختیارات قانونی در مواقع اضطراری» رسیدن به مقصود خود استفاده کرده است. نگاه کنید به: یواخیم نوح، ۱۳۹۹.

3. Bio-politics

۴. نگاه کنید به: پیام حسن‌زاده (۱۳۹۹)، «فوکو در زمانه ویروس کووید-۱۹»، فصلنامه نقد اقتصاد سیاسی، شماره پانزدهم: ۷۶۱-۷۵۱

سیاست از لحاظ تاریخی مشروعیت یافت درک کنیم، باید نه «زیست سیاست اقتدارگرا» بلکه، زیست سیاست لیبرال یا نولیبرال را مطالعه کنیم. فوکو لیبرالیسم را یک رژیم می‌دانست، زیرا به باور او بسیاری از لیبرال‌ها- و نولیبرال‌ها- حتی در حالی که می‌خواستند کنترل مستقیم دولت بر بازار را محدود کنند، خواستار دولتی نیرومند و قدرتمند بودند. مثال نمونه آن دولت لودویگ ارهارد صدراعظم آلمان غربی (۱۹۶۶-۱۹۶۳) بود که موفقیت آن به الگویی برای سایرین تبدیل شد. این دولت هرچقدر در برپاساختن فضایی اقتصادی که مردم درون آن توانستند با «آزادی و مسئولیت» عمل کنند موفق شد، بیش از پیش به دولت حداکثری تبدیل شد (همان: ۷۵۷). بنابراین، طلیعه نظامات نظارتی از سیستم لیبرال آغاز شده و بی‌راه نیست اگر اعتراضات کووید-۱۹ در آمریکا با مضامینی چون «مقابله با دولت مراقبتی» و «خطر سقوط به ورطه دولت‌های نظارتی» را در این مسیر تحلیل کنیم.^۱

اما مورد ناسیونالیسم و انزوای ملی به مراتب دامنه‌دارتر است و شرایط نوپدید پاندمی نه تنها حیات دموکراسی کشورهای اروپایی را تهدید می‌کند، بلکه خطر تقویت ناسیونالیسم «و حتی فاشیسم» در همه مناطق دنیا را به همراه خواهد داشت که از این نظر با شرایط آنفلوانزای اسپانیایی و نقش آن در تشدید گرایش‌های ناسیونالیستی در اروپای دهه ۱۹۳۰-۱۹۲۰ قابل مقایسه است. استیون والت (۱۳۹۹: ۱۴۸) معتقد است پاندمی کووید-۱۹ باعث تقویت ناسیونالیسم و تحکیم موقعیت حکومت‌ها در سراسر دنیا خواهد شد. حکومت‌ها از هر نوعی به تدابیر اضطراری برای مدیریت بحران کووید-۱۹ متوسل شده‌اند و بعید است که حتی بعد از پایان بحران کووید-۱۹ هم دست از اختیاراتی که در این دوران نصیبشان شده بردارند. از آن سو به وضوح می‌توان دید که ویروس کووید-۱۹ در آینده در تسریع روند تغییر نفوذ جهانی از غرب به شرق نقش خواهد داشت. کشورهای آسیایی در مدیریت بحران کووید-۱۹ بد عمل نکرده‌اند. کره جنوبی و سنگاپور تدابیر مؤثری برای کنترل کووید-۱۹ داشتند و چین هم پس از اشتباهات ابتدایی موفق شد ماجرا را مدیریت کند. آنچه حتی در دوران پسا کووید-۱۹ هم احتمال عوض شدنش بسیار کم است، ماهیت مناقشه‌آمیز سیاست جهانی است. بحران‌های مشابه قبلی از جمله اپیدمی آنفلوانزا در سال‌های ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ میلادی باعث نشدند که رقابت‌های بزرگ در عرصه جهانی به پایان برسند یا عصر جدیدی از همکاری جهانی شکل گیرد. بحران کووید-۱۹ نیز چنین قدرتی نخواهد داشت. احتمال دارد که کشورهای مختلف از آن فضای اغراق شده منتسب به جهانی‌سازی فاصله گیرند؛ اما همزمان شاهد آن خواهیم بود که شهروندان در کشورهای مختلف دنیا بیش از گذشته چشم امید به حکومت‌ها داشته باشند. به صورت خلاصه می‌توان گفت که بیماری کووید-

^۱ نگاه کنید به: «مقابله با دولت مراقبتی»، ماهنامه آینده نگر، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران شماره ۹۶، خرداد ۱۳۹۹: ۱۴۲

۱۹ میراثی از خود به جا خواهد گذاشت که بهترین توصیفش این است: «جهانی کمتر باز، کمتر مرفه و کمتر آزاد»^۱. جان ایکنبری (۱۳۹۹: ۱۴۸) استاد سرشناس سیاست بین‌الملل نیز بر همین عقیده است، اما بدیل‌های متعاقب برای چند دهه بعد را نیز در نظر دارد. از دیدگاه ایکنبری «واکنش» به این وضعیت نوپدید در کوتاه‌مدت احتمالاً افزایش ناسیونالیسم است، اما در درازمدت، احتمالاً پوست‌اندازی و حرکت به سمت نوعی جهانی‌گرایی جدید مشاهده خواهد شد. احتمالش هست که شاهد نوعی جهانی‌گرایی مشابه آنچه فرانکلین روزولت در دوران پیش و پس از جنگ جهانی دوم از خود نشان داد، باشیم. در دهه ۱۹۳۰ میلادی، سقوط اقتصاد جهانی نشان داد که جوامع مختلف چقدر به هم وابسته بوده‌اند و چقدر هم می‌توانستند آسیب‌پذیر باشند. این وابستگی‌ها نیاز به نوعی مدیریت جهانی را آشکار کرد... «و» طلیعه‌ای برای همکاری‌های چندجانبه بین‌المللی بود.^۲ «البته فعلاً این مسئله در حد گمانه بوده و آنچه شاهدیم نوعی ناسیونالیسم و حتی داروینیسیم اقتصادی و نیز تضعیف تدریجی شالوده‌های جهانی شدن است. آشکار است که به تدریج این اندیشه قوام خواهد یافت که هم خود پاندمی و هم پیامدهای بحران اقتصادی ناشی از آن، هر دو مسئله جهانی هستند و تنها به وسیله همکاری جهانی می‌توانند به صورت کارآمد حل شوند؛ اما فعلاً در روی پاشنه دیگری می‌چرخد. برخی ناظران از این بیم دارند که با از بین رفتن بنیان‌های آزادی فردی و القای نوعی گذارگرایی^۳ در مناسبات و قرارداد اجتماعی بین دولت و مردم، جهان وارد یک مرحله پیش‌بینی ناپذیر خواهد شد که نتیجه بلافصل آن، افزایش نظارت بر شهروندان و افول آزادی است.

۲-۸- تغییر مسیر جنبش‌ها و حرکت‌های اجتماعی

جنبش‌های اجتماعی یکی از انواع کنش‌های جمعی برای دست یافتن به دگرگونی در برخی از جنبه‌های نظم موجود در جامعه و محصول تقابل بین نظم موجود و مطلوب در آینده است؛ بنابراین جنبش‌های اجتماعی همواره دو هدف: (۱) دستیابی به قدرت دولت و (۲) تغییر در نظم موجود و مستقر را دنبال کرده‌اند؛ اما نگاهی به تاریخ جنبش‌های اجتماعی از نیمه سده نوزدهم تا سال‌های آغازین هزاره سوم نشان می‌دهد نهایتاً این جنبش‌ها علی‌رغم کسب قدرت دولت در برخی کشورها و قاره‌ها (موفقیت در هدف اول)، در نظام مستقر جهانی جذب شده‌اند (شکست در هدف

۱. «زمینی که زیرپای و بروس لرزید گفتگوی فارن پالسی با متفکران بزرگ زمانه درباره ابعاد پاندمی کووید-۱۹: بخش اول - استیون والت»، ماهنامه آینده نگر، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران شماره ۹۵، شهریور ۱۳۹۹: ۱۵۰-۱۴۸

۲. «زمینی که زیرپای و بروس لرزید گفتگوی فارن پالسی با متفکران بزرگ زمانه درباره ابعاد پاندمی کووید-۱۹: بخش دوم - جان ایکنبری»، ماهنامه آینده نگر، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران شماره ۹۵، شهریور ۱۳۹۹: ۱۵۰-۱۴۸

3. Transferism

این حالت بینابین الگوی سرمایه داری و سوسیالیستی است و که در آن جوامع انسانی در نوعی بلاتکلیفی عملی و نظری قرار دارند.

دوم). جنبش‌های اجتماعی (در همه اشکال آن)، مبتنی بر/ معطوف به پیدایی نظم جهانی جدید فراسوی نظام مستقر دولت-ملت‌ها نیستند. شکل مبارزه از لزوم کنترل بر قدرت دولت تغییر کرده اما نهایتاً دگرگونی اساسی در نظم مستقر و تغییرات سیستمی جهانی محقق نشده و دولت مرکزی هنوز هم یک اصل در مسیر حرکت جنبش‌های اجتماعی است. جنبش‌های اجتماعی در مرحله انتقالی (گذار از پیرامون به نیمه پیرامون) نظام جهانی حادث می‌شوند؛ و به لحاظ برهه تاریخ جهانی، در لحظاتی روی می‌دهند که پیش از آن نمونه‌هایی رخ داده باشند. منطق فوق توضیح‌دهنده تکثیر جنبش‌های اجتماعی در شرایط گشایش بعد از جنگ جهانی دوم، دوشاخگی آن بعد از انقلاب ۱۹۶۸ و افول جنبش‌های جدید و تغییر ماهیت آنها بعد از نولیبرالیسم در دهه ۱۹۸۰ و پروژه قرن جدید آمریکایی همزمان با رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که در نمودار ۲۲ نشان داده شده است.

اما جای این پرسش باقی است که اثرات کووید-۱۹ چه سمت و سویی را متوجه جنبش‌ها و خیزش‌های اجتماعی خواهد کرد؟ برای پاسخ به این پرسش باید به دقت اجزاء نمودار ۲۲ را بررسی کنیم. این کار را نه با توضیحات مفصل که در بخش‌های نمودار منعکس شده بلکه با احصاء روند جنبش‌ها انجام می‌دهیم. نخست اینکه، جنبش‌های اجتماعی به‌عنوان یک بازیگر مهم سیاسی در گذار خود طی دو قرن گذشته تجلی سه ایدئولوژی لیبرال، محافظه‌کار و رادیکال (انقلابی) بودند و در این مقطع شاهد موقعیت‌محوری جنبش‌های کارگری ابتدا در مراکز تولید صنعتی و سپس در بقیه نقاط دنیا بودیم. دوم اینکه، در فاصله دو جنگ جهانی این تضادهای سرمایه-کار و گسترش ساختارهای تولید جهانی بود که سرنوشت جنبش‌ها را ابتدا به سمت بهبود شرایط کار و سپس به سمت کنترل قدرت سیاسی سوق داد. سوم اینکه، پس از رویداد ۱۹۶۸ شماری از جنبش‌های اجتماعی جدید، مانند جنبش دانشجویی، جنبش‌های گوناگون قومی و ملی، جنبش حقوق مدنی و صلح، جنبش ضدنژادپرستی، جنبش زنان و جنبش محیط‌زیست در زندگی سیاسی بسیار فعال شده و در کنار احزاب سیاسی و گروه‌های فشار به مبارزه پرداخته‌اند. این جنبش‌ها که همزمان با عصر انقلاب‌های جهان سوم، مراکز تولید صنعتی جهان را درنوردیدند در ویژگی‌هایی چون غیر ابزاری بودن، ترسیم مرزهای هویتی جدید، ماهیت فراملی، ماهیت فراطبقاتی، مسئولیت در قبال غیر، بدبینی به ساختارهای بوروکراتیک، کنش‌های غیررسمی و انعطاف‌پذیر و اعتراض سمبولیک با جنبش‌های قدیم متمایز بوده و هستند. چهارم اینکه، ضدانقلاب پولی تاچر-ریگان در دهه ۱۹۸۰ و ترویج جهانی‌سازی و نولیبرالیسم از سوی جناح محافظه‌کار، تقلیل قدرت نیروی کار و از هم گسیختگی جنبش‌های ضدنظام در مناطق مرکزی اقتصاد جهانی را به همراه داشت و حرکت سیلابی نظام سرمایه در جنوب جهانی، مسیر کنش‌های جمعی و انقلاب‌ها را در پیرامون معکوس کرد. نهایتاً با وجود حملات ۱۱ سپتامبر و کلید خوردن پروژه قرن جدید آمریکایی

برای تثبیت قدرت این کشور، حرکت جنبش‌های اجتماعی-کارگری دچار بی‌نظمی شد، مبارزات حول جنسیت و نژاد از رمق افتاد و بر تنور جنبش‌های بنیادگرای مذهبی دمیده شد (نگاه کنید به: نمودار ۲۱).



نمودار ۲۱: چارچوب تحول جنبش‌های اجتماعی در جغرافیای سیاسی-اقتصادی جهان از قرن نوزدهم تا هزاره سوم

منبع: یافته‌های گزارش

چهار روند فوق، خلاصه گذار دو سده‌ای جنبش‌های اجتماعی است؛ اما چه شد که پس از افول مبارزات نژادی و افزایش حرکات بنیادگرای مذهبی از ابتدای دهه ۲۰۰۰، اکنون رویه برعکس شده و در زمانه کووید-۱۹ مبارزات نژادی و جنبش‌های جدایی طلبانه، آن هم پس از یک رخوت چندماهه به دنبال شیوع پاندمی و توقف سیاست خیابانی، مجدداً به صحنه برگشته است؟

پاسخ را باید در شرایط پس از بحران ۲۰۰۸ و پیامدهای سیاسی- آمیزه‌ای از سردرگمی، خشم و هراس در سطح جهانی- و اقتصادی آن- اعمال آمیزه‌ای از ریاضت و مداخله‌گری در اقتصادها- یافت که دنباله آن به پاندمی کووید-۱۹ رسیده است. در طول یک دهه بعد از بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ شاهد امواج اعتصابات و جنبش‌های اجتماعی در پنج قاره، از چین تا شمال آفریقا، از آرژانتین تا یونان، از اندونزی تا آمریکا و از خاورمیانه تا فرانسه بودیم. توده‌های مردم به اقداماتی چون تعطیلی کار، تسخیر مکان‌ها، ایجاد راه‌بندان، شورش و تظاهرات روی آوردند و علیه پیامدهای

کاهش تقاضای کار دست به اعتراض زدند (بناناو، ۱۳۹۹: ۸۷).^۱ با شیوع کووید-۱۹ و به حاشیه رفتن سیاست‌های خیابانی، این ویروس آرامش را به مناطق مواجه با اعتراض برگرداند. دولت‌ها با وضع دکترینی جدید برای حفظ نظم عمومی، مطالبات جنبش‌های اجتماعی را نادیده گرفتند و حتی آن را غیرقانونی خواندند و جنبش‌ها نیز شعار «در خانه بمانیم» را موقتاً مراعات کردند (مظلوم‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۸۳).^۲

اگرچه پاندمی کووید-۱۹ با سونامی اقتدارگرایانه در بین دولت‌های مختلف، تأثیرات عمیقی بر جنبش‌ها خواهد گذاشت و اعمال نظارت‌های سخت‌گیرانه، کنترل شهروندان از طریق داده‌های تلفن همراه، محدود کردن اجتماعات مدنی و مواردی از این قبیل، منابع کنش جمعی را محدود خواهد کرد؛ اما این پاندمی از دو جهت منابع جنبش‌های جدید را افزون کرده است. نخست انعطاف‌پذیری و سازگاری جنبش‌های جدید رسانه‌ای-اجتماعی را افزون کرده و در روزگار پاندمی رسانه‌های آنلاین و شبکه‌های اجتماعی مجرای منحصربه‌فرد برای انتقال مخالفت سیاسی و اعتراضات سایبری هستند تا اعتراض‌ها در فضای شهری یا خانگی را برای بازتولید سیاست‌های جنبش به‌صورت ویروسی منتشر کنند. فی‌المثل اخیراً تصاویری منتشر شد که نشان می‌داد جلیقه زردها در فرانسه، جلیقه‌های خود را از پنجره‌ها و خانه‌های خود آویزان کردند تا نشان دهند به‌رغم سیاست‌های کنترلی جنبش هنوز زنده است. دوم و مهم‌تر از آن، خیزش جدایی‌طلب‌ها را در اکناف جهان شتاب بخشیده است؛ چه جدایی‌طلبان استقلال‌گرا مانند کاتلان‌ها در اسپانیا و بوم‌گرایان در هنگ‌کنگ و چه ناسیونالیست‌های افراطی مانند ناسیونالیسم اسکاتلند در واکنش به برگزیت. به نظر می‌رسد سرعت این جنبش‌ها برآیندی از شکاف‌های نژادی سر باز کرده از دل بحران کووید-۱۹ است و تا چندین دهه بعد باید شاهد جنبش‌هایی جدایی‌طلبی و ناسیونالیستی در نقاط مختلف جهان باشیم. همچنین دگردیسی اخیر جنبش‌های اجتماعی در شرایط بحران کووید-۱۹ نیز پیابند آشوب حاصل از دگرگونی فرجامین در سیستم جهانی است که هم‌حضور متعارض جنبش‌های افقی شهری و جنبش‌های رسانه‌ای-اجتماعی با جنبش‌های جدایی‌طلب و ناسیونالیستی به همراه داشته است.

۲-۹- چالش در اسطوره توسعه غربی برای کشورها

در طول دهه‌های متمادی، به‌خصوص در فاصله جنگ‌های جهانی و پس از آن، الگوی توسعه کشورهای انگلوساکسون مبتنی بر عاملیت نسبتاً خودمختار طبقات و نیروهای اجتماعی به مدل عام توسعه در سطح جهان تبدیل شد و الگوی رقیب خود، یعنی مدل توسعه شتابان با پیش‌فرض‌هایی چون صنعتی شدن دیررس و نقش فعال دولت در

۱. آرون بناناو، «اتوماسیون و آینده کار»، ترجمه ایوب رحمانی و ستار رحمانی، فصلنامه نقد اقتصاد سیاسی، شماره ۱۵.

۲. ابوالفضل مظلوم‌زاده «کووید-۱۹ با اعتراض‌های سیاسی چه کرد؟»، ترجمه ابوالفضل مظلوم‌زاده، ویژه‌نامه اقتصاد سیاسی کووید-۱۹، نقد اقتصاد سیاسی.

توسعه را پشت سر گذاشت. عناصر مدل انگلوساکسونی- غربی؛ یعنی فردگرایی، آزادی، ایجاد تدریجی نهادهای نمایندگی و غلبه دموکراسی بر نظم جمع‌گرا با شاخص‌هایی بیرونی چون رشد اقتصادی، نظام انتخاباتی، بهبود کسب‌وکار و احصاء منابع از طبیعت و غیره در طول چند دهه بر رژیم بین‌المللی توسعه مسلط شد و حتی وجهی اسطوره مانند یافت. البته نشانه‌های زوال این الگو دهه‌هاست که پدیدار شده است.

حتی در غیاب پاندمی اخیر نیز، جهان در حال گذار از چند دهه فردگرایی کامل بود؛ مع‌الوصف، موفقیت شرق آسیا در نظم جمع‌گرا و عدم موفقیت و سرگردانی غرب در مهار کووید-۱۹، یک‌بار دیگر اهمیت دولت در ایجاد و تنظیم نهادهای مهم مانند بهداشت و آموزش مطرح شد. کشورهای اقتدارگرا- توسعه‌گرای شرق آسیا مانند سنگاپور، چین و کره جنوبی قوانین خود را قاطعانه دنبال کردند و حتی در اروپا کشورهای دارای پیشینه توسعه بوروکراتیک مانند آلمان و دولت‌های رفاه اسکاندیناوی که با الگوی انگلوساکسون تفاوت قابل توجه داشته‌اند؛ موفق‌تر عمل کردند. این کنشگری موفق در برابر عملکرد کابوس‌وار اروپای غربی که برخی آن را به «ویرانی دموکراسی» در اروپا تعبیر کردند؛^۱ این اندیشه را به مسئله روز تبدیل کرده که مواجهه با ریسک جوامع جدید از جمله گرمایش زمین، تغییرات اقلیمی، جنگ‌ها، پاندمی‌ها مانند کووید-۱۹ و غیره، دست‌قوی دولت‌ها را ایجاب می‌کند و ایده دولت مینیمالیستی کارایی لازم ندارد.^۲

البته چالش اسطوره توسعه غربی فقط به مبحث اقتصاد سیاسی خلاصه نمی‌شود و سایر ابعاد توسعه پایدار را شامل است. از جمله، پاسخ جهانی به بحران ویروس جدید کووید-۱۹ نشان داد که دولت‌ها برای حفظ رفاه و آسایش عموم، قادرند دست به اقدام‌های فوری و اساسی بزنند که از ملاحظات اقتصادی فراتر رود. از جمله در زمینه محیط‌زیست و تغییر اقلیم، این بحران نشان داد دولت‌ها می‌توانند با استفاده از بسته‌های مشوق مهار کووید-۱۹، کارگران را در اقتصاد سبز به کار بگیرند و با محوریت فناوری‌های پاک و اتخاذ راهبرد انرژی‌های تجدیدپذیر ایجاد شغل کنند و درآمد محلی را در بازارهای انرژی توسعه یافته و در حال توسعه افزایش دهند. این انگاره که باید توجه جهانی از تولید ناخالص داخلی، به‌عنوان شاخص رفاه، متوجه اقدام‌های دیگری شود که مردم و محیط‌زیست را در اولویت قرار دهد. نابرابری مانع مهمی در برابر اطمینان از سلامتی و رفاه جامعه، مخصوصاً برای اقشار آسیب‌پذیر است، امروزه با توجه به ضرورت محافظت از انسان‌ها مقابل تهدیدات کوتاه‌مدت و بلندمدت ضروری است. بنابراین، آن منطق مسلط

۱. نگاه کنید به:

«ویرانی دموکراسی»، ماهنامه آینده نگر، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران شماره ۹۵، شهریور ۱۳۹۹: ۱۶۲

بررسی‌های این مطالعه نشان می‌دهد کشورهایی که نظام اقتدارگرا دارند راحت‌تر می‌توانند ویروس کووید-۱۹ را مهار کنند. اما کشورهایی که نظام باز دارند مثل کشورهای اروپایی اغلب در مهار این ویروس ناموفق بوده‌اند و نتوانسته‌اند آن را به درستی کنترل کنند.

۲. ذکر این نکته لازم است که گرایش فوق به معنای برتری دولت‌گرایی و دولت‌پرستی و زوال آزادی‌ها نیست.

که دهه‌ها بر لزوم رشد اقتصادی بالا تأکید داشت؛ امروزه در حال جایگزینی با این منطق نوظهور است که رشد اقتصادی پایین-آرام و پایین هم می‌تواند الگوی مناسبی از توسعه باشد و اینکه کاهش رشد اقتصادی در درازمدت واجد منافع، هم در زمینه تثبیت روابط و مناسبات تولیدی است و هم در زمینه تثبیت و پایداری زیست کره؛ بنابراین کووید-۱۹ ما را به فرمول سالم‌تری درباره رابطه کار و زندگی شخصی و نیز حتی‌المقدور همگرایی تولید و توازن اقلیم رهنمون کرده است.

با توجه به مباحث این بخش، دو نکته در مورد پاندمی کووید-۱۹ آشکار به نظر می‌رسد: اول اینکه، این پاندمی باعث تغییر در سیاست داخلی کشورها و سیاست بین‌دولتها خواهد شد. در جریان کووید-۱۹، جوامع بیشتر به قدرت حکومت‌های خود ایمان آوردند. به همین جهت، ناکامی یا موفقیت نسبی حکومت‌ها در مواجهه با کووید-۱۹ می‌تواند به نسبت به تشدید یا کاهش مسائل امنیتی و حتی قطبی‌سازی‌های درون اجتماعات انسانی بینجامد. دوم اینکه، کووید-۱۹ اگرچه به پایان یافتن جهان درهم‌تنیده امروزی نخواهد انجامید و اصولاً مواردی چون واکسیناسیون هماهنگ جهانی دال بر ارتباط درهم پیوسته کشورهای مختلف جهان است؛ اما در عرصه اقتصاد سیاسی، یک چرخش به سمت داخل مشاهده می‌شود و آن جستجوی حکومت‌ها برای خودمختاری است.

بسیاری از تحلیل‌گران جهان تصور می‌کردند ذهنیت اروپایی-آمریکایی برای مواجهه با بحرانی مثل کووید-۱۹ شاید منظم‌تر از بقیه عمل می‌کند که البته شاهد عکس آن را نشان داد. بنابراین، آیا بحران جهانی کنونی ناقوس پایانِ اسطوره توسعه غربی-الگویی که از مدت‌ها قبل ناکارایی آن آشکار شده بود- را به صدا درآورد؟ پاسخ این است که حتی اگر الگوی توسعه غربی با گذر از بحران فعلی، یک بدیل برای برخی کشورها باقی بماند، اما قطعاً اسطوره آسیب‌ناپذیری آن زیر سؤال رفته است. چراکه به‌مانند بحران دهه ۱۹۳۰، جوامع غربی به این زودی‌ها از بحران جدید خارج نخواهند شد و پاندمی کووید-۱۹ آسیب‌پذیری جوامع توسعه‌یافته و توهم توسعه طبق الگوی اروپایی-آمریکایی را نشان داد.

۲-۱۰- تغییر جهان‌بینی‌ها و انشعاب در چرخه ایدئولوژیک توسعه

فجایع عالم‌گیر، جنگ‌ها و پاندمی‌ها به‌مثابه نقاط عطف حتی اگر مسیر تاریخ را تغییر ندهند، بر شتاب تحولات می‌افزایند و نیروهای پیشرانِ تغییر جهان‌بینی‌ها و انشعاب در چرخه‌های ایدئولوژیک توسعه هستند. نمونه آن جنگ‌های ناپلئونی در ابتدای قرن نوزدهم و جنگ‌های جهانی در ابتدا و میانه قرن بیستم بود که ایدئولوژی لیبرال را تحکیم کرد. در بخش‌های قبلی نیز اشاره شد که برخی پاندمی‌های گذشته مانند طاعون بر ذهنیت انسان عصر روشنگری تأثیرگذار بود و از این رو تأثیر عظیمی بر روی انقلاب صنعتی، برده‌داری و نظام ارباب و رعیتی گذاشت

(فرانک اسنودن، ۲۰۱۹). هنوز شواهدی از اینکه کووید-۱۹ بتواند موجب یک جهان‌بینی باشد در دست نیست. فقط نژادپرستی ضد آسیایی گروه‌های راست‌گرای غربی تشدید شده است (پالمر، ۱۳۹۹: ۱۵۱).^۱ توضیح اینکه، نژادپرستی از پیش‌ران‌های نظام جهانی است و اگر مبارزات نژادی در مرکز نظام جهانی تداوم یابد- روندی که اخیراً با مرگ شهروند سیاه‌پوست آفریقایی- آمریکایی به دست پلیس سفیدپوست ایالات متحده و فراگیری سریع آن دیده شد- گواه آن است که احتمالاً چرخه ایدئولوژیک تسریع خواهد شد. البته اگر قاب تصویر خود را بزرگ‌تر کنیم و اثرات کووید-۱۹ را در دنباله بحران مالی- اقتصادی ۲۰۰۸ تحلیل کنیم، جزئیات مسئله وضوح و ابعاد بیشتری خواهند یافت.

توضیح اینکه، اگر تحلیل سیستمی- جهانی را مبنا قرار دهیم و بسیار مختصر توضیح دهیم، چشم‌انداز توسعه جهانی به مدت بیش از یک سده از ۱۸۴۸، یعنی عصر انقلاب‌های جهانی اروپا تا رویداد ماه مه ۱۹۶۸ کم‌وبیش تحت سلطه ایدئولوژی لیبرال، در همه حوزه‌های اقتصادی- سیاسی و فرهنگی دنیای جدید، شکل گرفت. با شوک فرهنگی سال ۱۹۶۸ که در حکم انحلال تسلط لیبرالیسم بود، نظام جهانی وارد دوره گذار شد و ایدئولوژی لیبرال عقب‌گرد کرد. واکنش سرمایه‌داری جهانی در برابر این عقب‌گرد، اتخاذ ایدئولوژی نولیبرالی شامل جهانی‌سازی، خصوصی‌سازی و مالی‌گرایی بود. این به معنای تفوق ایدئولوژی نولیبرال به‌مثابه چرخه مسلط توسعه بود؛ اما در دهه ۱۹۸۰، یک سلسله از بحران‌های مالی شامل سقوط بزرگ بازار سهام در ۱۹۸۷، فروپاشی صندوق‌های پس‌انداز و وام در ۱۹۸۹، بحران مالی شرق آسیا در ۱۹۹۷، سقوط سهام فناوری‌های نو در ۲۰۰۱ و بحران بزرگ مالی- اقتصادی ۲۰۰۹-۲۰۰۸ فقط یک مفهوم داشتند: نشانه‌های انشعاب در ایدئولوژی مسلط نولیبرال آشکار است.^۲

به خصوص رویدادهای ۲۰۰۸-۲۰۰۹ تنها یک بحران مالی شدید و رکود اقتصادی بزرگ^۳ نبود، بلکه نشانه آغاز یک بحران ساختاری در شکل نولیبرال سرمایه‌داری بود که بعد از ۱۹۷۹ صورت یافته بود، یعنی بحرانی که از ویژگی‌های ساختاری یک رژیم سرمایه‌دارانه انباشت پدید آمد که قادر نبود بدون ساخت یک رژیم نهادی جدید برطرف شود. بحران اقتصادی مالی ۲۰۰۸-۲۰۰۹ علی‌رغم محرک‌های پولی بی‌سابقه، با توجه به شرایطی چون رشد اقتصادی پایین، نرخ پایین انباشت سرمایه، ایستایی دستمزدهای واقعی و افزایش ناامنی اقتصادی برای افراد مشغول به کار، به ایستایی شدید تبدیل شد- و به ایجاد تضادهای سیاسی جدید کمک کرد. مهم‌ترین ویژگی‌های اقتصادهای غربی

۱. نگاه کنید به: جیمز پالمر، "شکاف‌های نژادی بدتر می‌شود"، ماهنامه، آینده نگر اتاق بازرگان، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، شماره ۹۵، اردیبهشت ۱۳۹۹.

۲. درباره جوانب و مقتضیات انشعاب یا دوشاخه شدن (Bifurcation) در اقتصاد- توسعه جهانی در بخش‌های قبلی این گزارش توضیح داده شده است.

3. Great Recession

به‌خصوص آمریکا از زمان رکود اقتصادی ۲۰۰۸-۲۰۰۹، دقیقاً در اصطلاح «ایستایی» می‌گنجد که اثرات آن طی یک دهه ادامه‌دار بوده و نرخ‌های انباشت سرمایه از سال ۲۰۰۹ راکد باقی مانده‌اند.

شواهد زیادی حاکی از گذار الگوی نولیبرال به الگوی تنظیمی^۱ توسعه در کشاکش بحران کووید-۱۹ در دست است. دولت‌ها در مواجهه با شرایط جدید نقش عمده نهادهای غیربازاری را- اتحادیه‌ها، بروکرسی‌های شرکتی و غیره- در مدیریت فعالیت اقتصادی برجسته کرده و شرکت‌های بزرگ به دلیل ترس از تعمیق رکود، حمایت دیرپای خود از لسه فررها کرده و به تدریج چانه‌زنی جمعی، سیاست‌های حمایتی و رفاهی را پذیرفته‌اند. شکل جدید توسعه سرمایه‌دارانه تنظیم مبتنی بر قدرت کسب‌وکارهای بزرگ، حل بحران ساختاری فعلی را از طریق ترکیب افزایش ملایم دستمزدها با نقش‌آفرینی دولت کنشگر که هدف‌گذاری آن بر تقویت موقعیت رقابتی شرکت‌ها از طریق سرمایه‌گذاری زیرساختی، تقویت آموزش مهارت‌محور و نوآوری در اعطای کمک‌هزینه‌ها است، رهبری خواهد کرد و افزایش هزینه‌های دولتی، مشکل عدم تناسب در رشد تقاضا را رفع خواهد کرد.

آیا شواهد فوق بدین معنی است که یک‌بار دیگر دیدگاه کینزی به ایدئولوژی مسلط در رژیم توسعه تبدیل خواهد شد^۲ که طبق آن سرمایه‌داری به مداخله کنشگرانه دولت برای اجتناب از مشکلات اقتصادی جدی نیاز دارد؟ آیا چنین وجهی از توسعه، با تغییر چرخه ایدئولوژی مسلط نولیبرال به چرخه جدید که مشخصه آن نظم جمع‌گرایانه است همراه خواهد بود؟ همه‌چیز بستگی به این دارد که شرق آسیا به مرکزیت چین، ظرفیت رهبری هژمونیک جهانی را دارد یا خیر. پاسخ این پرسش بسیار پیچیده و خارج از این جستار است؛ اما یک چیز مشخص است، اینکه، ضربات کاری بحران‌های مالی سه دهه اخیر در ترکیب با کووید-۱۹ اقتصاد غرب را به بحران کشانده و این در حالی است که چین و کم‌وبیش بقیه کشورهای شرق و جنوب آسیا، از بحران‌های فوق جان به در برده‌اند.

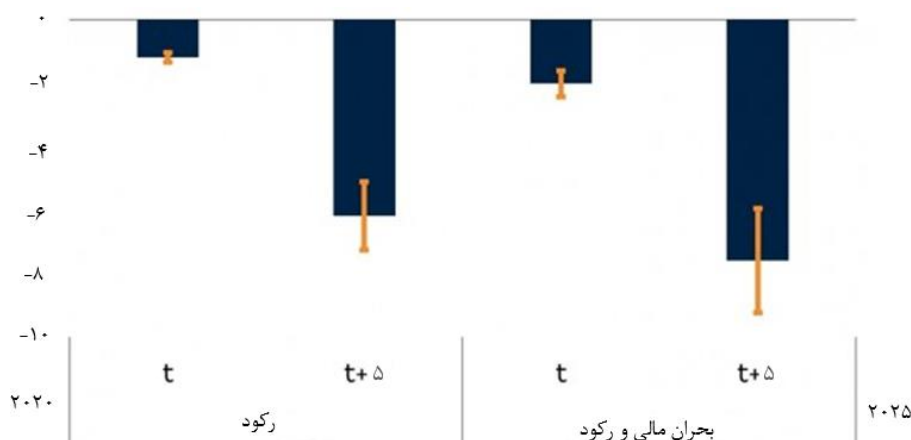
1. regulated regime

^۲ ناگفته پیداست که در مقطع بین دو جنگ جهانی و پس از آن نیز، دیدگاه کینزی در مسند سیاست‌گذاری توسعه بود.

۳- بخش سوم: نتایج و بحث

۳-۱- بیان روندها

گمانه‌زنی درباره افق آینده آن هم در شرایطی که هنوز در متن یک پاندمی جهانی قرار داریم، بسیار دشوار است. به‌خصوص در جایی که طبق محاسبات پژوهشگران این حوزه (نگاه کنید به: کوزه و اوزنبرگ (۲۰۱۹)) بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه^۱ در فاصله ۵ سال بعد از این رویداد است که اثرات رکود و بحران ملی را به تمامی دریافت می‌کنند و ضربه نهایی بهره‌وری و اشتغال وارد می‌شود (نگاه کنید به: نمودار ۲۲)؛ یعنی اثرات حاصل از کووید-۱۹ تازه بعد از چند سال خود را نشان می‌دهد.



نمودار ۲۲: رکود و بحران مالی متأثر از کووید-۱۹ در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه تا سال ۲۰۲۵

منبع: کوزه و اوزنبرگ، ۲۰۱۹

با اینکه اثرات درازمدت حاصل از کووید-۱۹ هنوز مکشوف نیست و تنها از باب مقایسه با رکودهای ادواری قبلی می‌توان درباره آن گمانه‌زنی کرد؛ اما از هم‌اکنون نیز نشانه‌هایی از آنها به‌خصوص در اقتصادهایی چون ایران هویدا است. از جمله، ابعاد رکود کشورهای نفتی و اقتصادهای خاورمیانه از جمله ایران توسط مؤسسات اقتصادی-مالی بین‌المللی بررسی شده است. گزارش چشم‌انداز اقتصادی جهان (صندوق بین‌المللی پول، آوریل ۲۰۲۰) پیش‌بینی کرده در سال ۲۰۲۰-۲۰۲۱ شاهد کاهش رشد تولید ناخالص داخلی، افزایش تورم، افزایش بیکاری و کسری حساب تراز جاری در اقتصادهای خاورمیانه از جمله ایران خواهیم بود (نگاه کنید به: جدول ۹).^۲

1. Emerging markets and developing economies

2. "The Great Lockdown: World Economic Outlook", IMF, 2020, APRIL

جدول ۹: ابعاد رکود در اقتصادهای خاورمیانه و کشورهای نفتی بعد از کووید-۱۹

شاخص	تولید ناخالص داخلی			تورم			تراز حساب جاری			بیکاری	
	عملکرد		پیش‌بینی	عملکرد		پیش‌بینی	عملکرد		پیش‌بینی	عملکرد	
	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱
خاورمیانه و آسیای مرکزی	۱,۲	-۲,۸	۴	۸,۵	۸,۴	۸,۷	۰,۴	-۵,۷	-۴,۶	-	-
صادرکنندگان نفت	-۰,۲	-۳,۹	۴,۶	۷,۵	۷,۶	۸,۱	۲,۴	-۵,۸	-۴,۵	-	-
عربستان	۰,۳	-۲,۳	۲,۹	-۱,۲	۰,۹	۲	۶,۳	-۳,۱	-۳,۴	-	-
ایران	-۷,۶	-۶	۳,۱	۴۱,۱	۳۴,۲	۳۳,۵	-۰,۱	-۴,۱	-۳,۴	۱۳,۶	۱۶,۳
امارات	۱,۳	-۳,۵	۳,۳	-۱,۹	-۱	۱,۵	۷,۴	۱,۵	۴,۱	-	-
عراق	۳,۹	-۴,۷	۷,۲	-۰,۲	۰,۸	۱	-۱,۲	-۲۱,۷	-۱۴,۱	-	-
قطر	۰,۱	-۴,۳	۵	-۰,۶	-۱,۲	۲,۴	۲,۴	-۱,۹	-۱,۸	-	-

منبع: چشم‌انداز اقتصادی جهان، صندوق بین‌المللی پول، آوریل ۲۰۲۰

توضیحات: ارقام برحسب درصد است.

مطالعه ما نیز بر چند روند مهم تأکید داشت که جملگی مؤید اثرگذاری کووید-۱۹ بر روند توسعه جهانی بودند. در بخش‌های ۱-۲ و ۱-۳، توسعه را هم به‌مثابه چرخه‌ها و بحران‌ها و هم متأثر از پاندمی‌ها و فجایع همه‌گیر تعریف کردیم تا به چارچوب مشخص از مسئله تحقیق برسیم. نمودار ۳ را در نظر بگیرید. استدلال کردیم که اگر بنا باشد پاندمی کووید-۱۹ یک لحظه تحول‌آفرین در روند توسعه جهانی باشد باید قابل قیاس با جدیدترین بحران‌های چرخه‌ای جهانی (بحران مالی ۲۰۰۹) و اخیرترین پاندمی‌های مرگ‌بار جهانی (آنفلوآنزای اسپانیایی ۱۹۱۸) باشد. به همین منظور روندهایی را- البته ذیل دو تجربه فوق- احصاء کردیم که امکان مقایسه‌پذیری کووید-۱۹ با این تجارب مشابه را بدهد. متأسفانه پیدا کردن شواهد آنفلوآنزای اسپانیایی ۱۹۱۸ ساده نیست «به همین دلیل دوره بررسی روندها را طولانی انتخاب کردیم بلکه بتوانیم به ردپاهای لازم برسیم»؛ اما هنوز در دامنه اثرات بحران مالی ۲۰۰۹ قرار داریم که طبق استدلال این گزارش کووید-۱۹ این اثرات را تشدید کرده است؛ بدون اینکه یک نقطه عطف به‌مانند جنگ جهانی دوم باشد. استدلال کردیم کووید-۱۹ اگر نه یک نقطه عطف، اما یک لحظه تحول‌آفرین در روند توسعه جهانی و واجد دگرگونی هم در بعد عینی توسعه و هم در بعد ذهنی توسعه است (نگاه کنید به: کادری‌های الف و ب، نمودار ۳).

الف) دگرگونی در بعد عینی: از این نظر که این بحران در شرایطی رخ داده که هنوز در دوره بحران جدید/ رکود در سودآوری به سر می‌بریم و اتفاقاً دوره (۲۰۲۰-۱۹۹۷) با امواج نزولی در چرخه قیمت‌ها نیز توأم است؛ بنابراین بدون پاندمی اخیر نیز مسیر عینی توسعه احتمالاً نزولی بود. اهمیت پاندمی در این است که چرخه رشد اقتصادی

در این گزارش آمده است که اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۰، ۳ درصد کاهش رشد خواهد داشت که این عدد بسیار بدتر از کاهش رشدی است که بعد از بحران مالی سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹ در دنیا اتفاق افتاد.

(چرخه تجاری) را نیز به نقطه پایین خود رسانده و بنابراین وضعیتی مشابه با رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ با تأثیرات مندرج در کادر الف نمودار ۳ ایجاد کرده یا خواهد کرد.

ب) **دگرگونی در بعد ذهنی:** از این نظر که فجایع همه‌گیر لحظات تاریخی برای پرداختن به پرسش‌های بزرگ و محرک‌های بیرونی قدرتمند هستند که ذهنیت توسعه را نیز دگرگون کرده و مسیرهای بدیل را مقابل کنشگران و جوامع انسانی قرار می‌دهند. پاندمی جدید نیز به‌عنوان یک محرک بیرونی قوی که به باور محققان بزرگ‌ترین چالش اقتصاد جهان در ۹۰ سال اخیر است که تأثیر آن بر ابعاد ذهنی توسعه، مطابق کادر ب نمودار ۳ است.

ذکر این نکته لازم است که تفکیک ابعاد ذهنی و عینی در عمل غیرممکن است و این مجموعه عوامل بر یکدیگر برهمکنش دارند و تفکیک این دو فقط از بابت تأکید بر این است که ابعاد عینی با فاکتورها و عدد و رقم قابل بیان هستند و ابعاد ذهنی نیازمند بررسی کیفی دیدگاه‌ها و تحلیل اسناد هستند؛ بنابراین در بخش دوم این گزارش روندها را بررسی کردیم که بیان آنها به شرح زیر است:

۱. *افزایش فقر و تغییر در روند نابرابری:* پاندمی اخیر با اثرات دامنه‌دار خود بر تولید و اشتغال، وضعیت فقر مطلق را حادث کرده و احتمالاً با افزایش نابرابری جهانی هم‌رویداد خواهد بود. همچنین با توجه به روندهای بلندمدت بخش ۱-۲، افزایش فقر و نابرابری حداقل تا یک دهه بعد از بیماری فراگیر کووید-۱۹، چندان دور از ذهن نیست و با اینکه سیاست‌های فقرزدایی که تا سال ۲۰۱۸ در مناطق مختلف جهان موفق به کاهش فقر شده بود، پاندمی ویروس کووید-۱۹ باعث افزایش ناگهانی مجدد فقر چندبعدی در سال ۲۰۲۰ در مناطق مختلف جهان شده است.

۲. *تحول در مسیر رشد و تغییر مکان تولید بین مناطق جغرافیایی:* با توجه به روند بلندمدت رشد اقتصادی و نیز چشم‌انداز آینده‌نگرانه آن، کانون جدید تولید جهانی کشورهای جنوب و در رأس آنها چین است؛ اثر کووید-۱۹ بر روند فوق نیز از این قرار بوده که طبق آمار و ارقام نهادهایی چون صندوق بین‌المللی پول، تولید جهانی پس از وقفه در سال ۲۰۱۹ و رکود در سال ۲۰۲۰، مجدداً از سال ۲۰۲۱ به روال عادی قبلی باز خواهد گشت. اینکه، خاستگاه تولید و مسیر رشد اقتصادی از اروپا و آمریکا دور شده و حتی می‌توان ادعا کرد پاندمی اخیر، یک تکانه مؤثر در تثبیت قدرت اقتصادی چین و اقتصادهای نوظهور خواهد بود.

۳. *امواج بلند توسعه و انشعاب در مرکزیت نظام جهانی:* ترقی شرق آسیا به‌عنوان مرکز جهانی آینده و بخشی از انتقال چرخه‌ای هژمونی به این منطقه و نیز افول غرب-آمریکا و اروپا-به‌عنوان رانه ترقی و صعود چین، بخشی از واقعیت‌های پذیرفته شده دانش ژئوپلیتیک معاصر است. البته، بحران کووید-۱۹ ساختار اقتصادی

آمریکا را بسیار بیشتر از چین متأثر کرده تا جایی که بر مسیر توسعه بلندمدت چین و تبدیل شدن این کشور به هژمون جهانی، خلل چندانی وارد نکرده و نخواهد کرد. همچنین جنگ تجاری ترامپ نتوانسته چین را مانند ژاپن دوره ریگان در دهه ۱۹۸۰ به زانو درآورد و تجارت بسیار نزدیک و درهم تنیدگی پولی دو اقتصاد اول جهان، آمریکا را در وضعیت دفاعی قرار داده و البته مرکزیت اقتصاد جهانی را در معرض انشعاب قرار داده است.

۴. *افول در میزان سود-انباشت سرمایه: شیوع یک پاندمی و دامنه تأثیرات بحرانی آن بر ساختارهای اقتصادی-اجتماعی یک جامعه نباید منتزع از سایر بحران‌های نزدیک بررسی شود؛ به‌ویژه اگر پای چرخه‌های ادواری سود و انباشت سرمایه در میان باشد. از جمله باید به بحران اقتصادی شدید سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹ و اثرات دنباله‌دار آن اشاره کرد که به نظر می‌رسد با رخداد کووید-۱۹ ترکیب شده است. شواهد تداوم نرخ کاهشی انباشت سرمایه از هم‌اکنون در دست است و طبق پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول، وضعیت رکود تولید در بسیاری از کشورها و مناطق جهان در سال ۲۰۲۰-۲۰۲۱ تشدید خواهد شد که خود موجد ایستایی طولانی‌مدت در نرخ سود و انباشت سرمایه است.*

۵. *تغییر در روابط کار و اشتغال: دو نیروی اصلی اتوماسیون و نوآوری، پیکره‌بندی اشتغال را شکل داده و متأثر از آن در سه دهه گذشته شاهد گسترش اشتغال نامکفی و موقت هستیم. به این روند باید افزایش ریسک مشاغل غیررسمی، کاهش درآمد کارگران غیررسمی، افزایش مشاغل موقت و کاهش بهره‌وری فعالیت شغلی به‌عنوان ضربات حاصل از رکودهای ادواری به‌خصوص رکود سال ۲۰۰۸ اشاره کرد. اکنون نوبت کووید-۱۹ است که بر اشتغال میلیون‌ها انسان سایه افکنده است. کووید-۱۹ در درازمدت، ظرفیت تولید جهانی را نیز کم خواهد کرد؛ چنین وضعیتی در کشورهای توسعه نیافته ممکن است روی کارگران آسیب‌پذیر تأثیر بگذارد و سهم آنها را در اقتصاد و اشتغال بیش از پیش کاهش دهد.*

۶. *تحولات مرتبط با بخش‌ها-فعالیت‌های انسانی: هرچند تأثیر کووید-۱۹ بر همه فعالیت‌های اقتصادی-صنعتی آشکار است؛ اما به نظر می‌رسد این بیماری شتاب تحولات در چند حوزه اصلی تولید، گردشگری، خرده‌فروشی و آموزش را افزایش داده و در مواردی چون حمل‌ونقل، توریسم و آموزش عالی، روندها- که از قبل نیز کم‌وبیش وجود داشته- حتی برگشت‌ناپذیر است. همچنین از بابت کاهش تقاضا در میان فعالیت‌ها، بیشترین آثار پاندمی متوجه گردشگری و انواع حمل‌ونقل به‌ویژه حمل و نقل هوایی است. مواردی چون کاهش فضای تجاری، کاهش ظرفیت تولید جهانی در درازمدت، شوک نفتی و تنش‌های ژئوپلیتیک، تغییر*

سیاست‌های مالی و افزایش بدهی دولت‌ها، تغییر الگوهای مسافرت و توریسم، تحول در مناسبات آموزش و بهداشت و تغییر مناسبات حکمرانی از مهم‌ترین روندها در این زمینه است.

۷. *دگرگونی در قلمرو آزادی/نظارت بر افراد و جوامع انسانی*: در شرایط بحرانی امروز، ما با دو تصمیم روبه‌رو هستیم که هر کدام منحصراً و در جای خود بسیار مهم هستند. تصمیم اول، انتخاب بین نظارتِ توتالیتر و توانمندسازی شهروندی و تصمیم دوم، انتخاب بین انزوای ملی و یکپارچگی جهانی است. معمولاً در شرایط بحرانی، دایره انتخاب‌ها در مورد نخست به سمت نظارت و مورد دوم به سمت انزوای ملی (ناسیونالیسم) سوق می‌یابد. ناظران از این بیم دارند که با از بین رفتن بنیان‌های آزادی فردی و القای نوعی گذارگرایی در مناسبات و قرارداد اجتماعی بین دولت و مردم، جهان وارد یک مرحله پیش‌بینی ناپذیر خواهد شد که نتیجه بلافصل آن افزایش نظارت بر شهروندان و افول آزادی است.

۸. *تغییر مسیر جنبش‌ها و حرکت‌های اجتماعی*: ریشه جنبش‌های ناسیونالیست-استقلال‌گرا و بوم‌گرای اخیر را باید در بحران مالی ۲۰۰۸ و پیامدهای سیاسی-سردرگمی، خشم و هراس در سطح جهانی- و اقتصادی آن- ریاضت و مداخله‌گری در اقتصادها- یافت که دنباله آن به پاندمی کووید-۱۹ رسیده است. به نظر می‌رسد سرعت این جنبش‌ها برآیندی از شکاف‌های نژادی سر باز کرده از دل بحران کووید-۱۹ است. همچنین دگردیسی اخیر جنبش‌های اجتماعی در شرایط بحران کووید-۱۹ نیز پیاپی آشوب حاصل از دگرگونی فرجامین در سیستم جهانی است که هم‌حضور متعارض جنبش‌های افقی شهری و جنبش‌های رسانه‌ای-اجتماعی با جنبش‌های جدایی‌طلب و ناسیونالیستی را به همراه داشته است.

۹. *چالش در اسطوره توسعه غربی برای کشورها*: عملکرد کابوس‌وار کشورهای مدل توسعه غربی این اندیشه را به مسئله روز تبدیل کرده که مواجهه با ریسک جوامع جدید از جمله گرمایش زمین، تغییرات اقلیمی، جنگ‌ها، پاندمی‌ها مانند کووید-۱۹ و غیره، دست قوی دولت‌ها را ایجاب می‌کند. بسیاری از تحلیل‌گران جهان تصور می‌کردند ذهنیت اروپایی-آمریکایی برای مواجهه با بحرانی مثل کووید-۱۹ شاید منظم‌تر از بقیه عمل می‌کند که البته شاهد، عکس آن را نشان داد. به‌مانند بحران دهه ۱۹۳۰، جوامع غربی به این زودی‌ها از بحران جدید خارج نخواهند شد و پاندمی کووید-۱۹ آسیب‌پذیری جوامع توسعه‌یافته و توهم توسعه طبق الگوی اروپایی-آمریکایی را نشان داد.

۱۰. *تغییر جهان‌بینی‌ها و انشعاب در چرخه ایدئولوژیک توسعه*: متأثر از بحران کنونی، به نظر می‌رسد یک‌بار دیگر دیدگاه کینزی به ایدئولوژی مسلط در رژیم توسعه تبدیل شده که طبق آن سرمایه‌داری به مداخله کنشگرانه

دولت برای اجتناب از مشکلات اقتصادی جدی نیاز دارد و چنین وجهی از توسعه، با تغییر چرخه ایدئولوژی مسلط نولیبرال به یک چرخه جدید که مشخصه آن نظم جمع‌گرایانه و خاستگاه آن شرق آسیا (چین) است، همراه خواهد بود؛ بنابراین یک چیز مشخص است اینکه، ضربات کاری بحران‌های مالی سه دهه اخیر در ترکیب با کووید-۱۹ اقتصاد غرب را به بحران کشانده و این در حالی است که چین و کم‌وبیش بقیه کشورهای شرق و جنوب آسیا، از بحران‌های فوق‌جان به در برده‌اند.

۳-۲- سیاست‌ها و اقدامات دولت‌ها در مواجهه با کووید-۱۹

در طول بیش از یک سال گذشته از فراگیری پاندمی، دولت‌های مناطق مختلف جهان آگاه از روندهای فوق‌بسیار و اقدامات مختلف روی آورده‌اند که به‌دقت توسط مؤسسات پژوهشی داخلی و خارجی بررسی شده است.^۱ با اینکه هدف این گزارش بررسی روندها است نه سیاست‌ها، اما مفید خواهد بود خلاصه‌ای از سیاست‌ها و اقدامات کوتاه‌مدت دولت‌ها را احصاء و طبقه‌بندی کنیم. با این توضیح که اکثر آنها حول و حوش حمایت‌های اجتماعی، بسته‌های جبرانی شغلی، سیاست‌های محرک پولی-مالی، اقدامات کینزی و غیره قرار دارد؛ اما از هم‌اکنون باید تأکید کنیم به دلیل چشم‌انداز افزایشی بدهی دولت‌ها تا سال ۲۰۲۵، این سیاست‌ها دچار محدودیت شدید هستند. در جدول ۱۰، رئوس سیاست‌ها و اقدامات دولت‌ها در مواجهه با کووید-۱۹ فهرست شده است:

جدول ۱۰: طبقه‌بندی سیاست‌ها و اقدامات دولت‌ها در مواجهه با کووید-۱۹

سیاست‌های پولی	سیاست‌های مالی	اقدامات حمایتی-اجتماعی
<p>۱- آمریکا:</p> <p>- کاهش نرخ بهره از سوی فدرال رزرو از ۱٫۵ درصد به ۰٫۲۵ درصد.</p> <p>- کاهش هزینه وام‌دهنده کوتاه‌مدت فدرال رزرو (پنجره تنزیل) به بانک‌ها و مؤسسات مالی به‌منظور تأمین نیازهای نقدینگی بانک‌ها.</p> <p>- خرید اوراق بهادار خزانه و اوراق نمایندگی به میزان مورد نیاز.</p> <p>۲- آلمان:</p> <p>- خرید دارایی‌های اضافی به میزان ۱۲۰ میلیارد یورو تا پایان سال ۲۰۲۰ در قالب برنامه خرید دارایی‌ها.</p> <p>- برنامه خرید ۷۵۰ میلیارد یورو دارایی‌های بخش‌های خصوصی و عمومی تحت‌برنامه خرید اضطراری همه‌گیری.</p>	<p>۱- آمریکا:</p> <p>- اختصاص حدود ۰٫۵ درصد تولید ناخالص داخلی (۱۰۴) به قانون واکنش اول خانواده‌ها به کروناویروس.</p> <p>- اختصاص ۳۰۱ میلیارد دلار برای پرداخت مستقیم ۱۲۰۰ دلار به هر فرد بزرگسال و ۵۰۰ دلار به هر کودک در خانوارهای آسیب‌پذیر.</p> <p>- اختصاص ۲۵۰ میلیارد دلار برای پرداخت بیمه بیکاری به میزان هر هفته ۶۰۰ دلار.</p> <p>۲- آلمان:</p> <p>- ارائه مشوق‌های و کمک‌های مالی به شرکت‌ها برای حفظ کارمندان با پرداخت حقوق و دستمزد.</p> <p>- دسترسی گسترده به یارانه کار کوتاه‌مدت به‌منظور حفظ شغل و درآمد کارگران.</p>	<p>الف) ده اقدام برتر از سوی کشورها در کووید-۱۹ و درصد آنها</p> <p>۱- افزایش سطح مزایای کاری (۲۳٫۲ درصد)</p> <p>۲- گسترش پوشش بیمه‌ای (۲۲٫۱ درصد)</p> <p>۳- بهبود دسترسی (۱۱٫۶ درصد)</p> <p>۴- معرفی برنامه‌ها و ابداعات جدید (۸٫۴ درصد)</p> <p>۵- کاهش حق بیمه‌ها [کسورات] اجتماعی (۷٫۴ درصد)</p> <p>۶- آسان کردن شرایط برخورداری از مزایا (۵٫۳ درصد)</p>

۱. از میان تحقیقات داخلی نگاه کنید به:

- سهیلی، حبیب و دیگران (۱۳۹۹)، "آثار شیوع ویروس کرونا بر کسب و کار و رفاه خانوارها، سیاست‌های حمایتی در ایران و جهان"، معاونت امور اقتصادی و برنامه‌ریزی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

- «کووید-۱۹ و تشدید فقر: مروری بر گزارش‌های بین‌المللی درباره آثار کووید-۱۹ بر فقر»، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۹

- «بحران کووید-۱۹ و جهان کار»، سازمان بین‌المللی کار، ۲۹ آوریل ۲۰۲۰، ترجمه و تدوین: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۹

- «ویژه‌نامه کووید-۱۹»، گاهنامه پیش توسعه و آینده‌نگری، شماره ۳، ۱۳۹۹

<p>- آسان‌تر کردن استانداردهای وثیقه‌ای برای عملیات تأمین مالی مجدد در منطقه یورو.</p> <p>- واحد نظارت بانکی بانک مرکزی اروپا به مؤسسات مهم اجازه داده که به‌طور موقت نسبت‌های سپر سرمایه و نسبت‌های ثبات نقدینگی را پایین‌تر از استانداردهای مصوب، داشته باشند.</p> <p>۳-دانمارک:</p> <p>- کاهش نسبت سپر (بافر) سرمایه ضدچرخه‌ای بانک‌ها را از یک درصد به صفر درصد.</p> <p>- بانک ملی دانمارک تسهیلات وام فوق‌العاده راه‌اندازی کرد که به بانک‌ها امکان می‌دهد در برابر قرار دادن وثیقه، تسهیلات یک‌هفته‌ای را با نرخ منفی ۰٫۳۵ درصد دریافت کنند.</p> <p>۴- فرانسه:</p> <p>-نسبت سپر سرمایه ضدچرخه‌ای بانک‌ها را از ۱۸ مارس به صفر کاهش یافت. این اقدام ۸ میلیارد یورو از سرمایه بانک‌های فرانسوی را آزاد کرد.</p> <p>-بانک ملی فرانسه دسترسی گسترده‌تری برای SME ها در زمینه تأمین مالی مجدد فراهم کرد.</p> <p>۵-کره جنوبی:</p> <p>- کاهش نرخ بهره پایه از ۱۷ مارس ۲۰۲۰، از ۱٫۲۵ درصد به ۰٫۷۵ درصد.</p> <p>-ایجاد مقدار نامحدود نقدینگی از طریق عملیات بازار باز.</p> <p>-خرید اوراق بهادار خزانه‌داری کره به میزان ۱٫۵ تریلیون وون.</p> <p>۶-ترکیه:</p> <p>-کاهش نرخ بهره بانکی از ۱۰٫۷۵ درصد به ۹٫۷۵ درصد.</p> <p>-ارائه تسهیلات شبانه و روزانه در بازار بین‌بانکی به‌منظور تأمین بدون محدودیت نقدینگی اقتصاد توسط بانک‌ها.</p> <p>-کاهش ۵ درصدی استاندارد نسبت ذخایر ارزی برای بانک‌هایی که سیاست‌های افزایش عرضه اعتبار بانک مرکزی را اجرا کنند.</p>	<p>- دسترسی آسان‌تر به حداقل درآمد پایه برای افرادی که خود اشتغال هستند.</p> <p>- از طریق صندوق تثبیت اقتصادی تازه ایجاد شده و بانک توسعه عمومی آلمان، دولت حجم دسترسی به ضمانت وام‌های عمومی را برای بنگاه‌ها تا حداقل ۸۲۲ میلیارد یورو افزایش داده که حدود ۲۴ درصد تولید ناخالص داخلی است.</p> <p>۳-دانمارک:</p> <p>- تأمین مالی افراد خود اشتغال و دارای شغل آزاد برای دوره سه‌ماهه از طریق حمایت نقدی به میزان ۷۵ درصد از خسارت.</p> <p>- پرداخت حقوق دوران مرخصی استعلاجی مبتلایان به کرونا به‌طور کامل توسط دولت.</p> <p>-افزایش تضمین دولتی برای صنعت گردشگری به میزان ۰٫۲ میلیارد یورو.</p> <p>- دسترسی بنگاه‌های کوچک و متوسط به اعتبار صادراتی.</p> <p>۴- فرانسه:</p> <p>-افزایش حقوق در زمان مرخصی استعلاجی برای بیماران.</p> <p>-ضمانت‌های دولتی برای وام‌های بانکی به شرکت‌ها به میزان ۳۰۰ میلیارد یورو (حدود ۱۳ درصد تولید ناخالص داخلی).</p> <p>-امکان تعویق پرداخت تأمین اجتماعی و مالیات برای شرکت‌ها، بنگاه‌ها و کارآفرینان و به‌صورت موردی معافیت از این پرداخت‌ها.</p> <p>-حمایت مالی مستقیم از SME های آسیب‌دیده و کارگران مستقل.</p> <p>۵-کره جنوبی:</p> <p>-تخصیص بودجه به خانوارها به‌منظور پرداخت بلاعوض به خانوارهای قرنطینه شده.</p> <p>-ارائه وام و ضمانت‌نامه برای فعالیت تجاری و پشتیبانی از دستمزد و اجاره کسب‌وکارهای کوچک.</p> <p>-کاهش مالیات بر ارزش افزوده برای افراد خوداشتغال.</p> <p>۶-ترکیه:</p> <p>-افزایش حداقل حقوق بازنشستگی ماهیانه از ۱۰۰۰ لیر به ۱۵۰۰ لیر.</p> <p>-تسهیل و تشویق دورکاری و انعطاف در حضور کارکنان در بخش‌های خصوصی و دولتی.</p> <p>-کاهش و تعویق مالیات‌ها برای صنایع آسیب‌دیده (به‌ویژه گردشگری).</p> <p>-پرداخت کمک‌هزینه تأمین مالی به صادرکنندگان برای حفظ ظرفیت در طول فروکش کردن بحران.</p>	<p>۷- افزایش یارانه بر مزایای کاری (۴٫۲ درصد)</p> <p>۸- بهبود خدمات رفاهی (۳٫۲ درصد)</p> <p>۹- افزایش یارانه بر حق بیمه‌ها (۲٫۲ درصد)</p> <p>۱۰- افزایش تخصیص‌های بودجه‌ای و اعتباری به طرح‌های حمایت اجتماعی (۲٫۱ درصد)</p> <p>اقدامات مهم در شرایط کووید-۱۹ بر اساس کارکرد و درصد آنها</p> <p>-پوشش سلامت (۱۸٫۹ درصد)</p> <p>-بیمه بیکاری (۱۷٫۹ درصد)</p> <p>-مساعده‌های اجتماعی (۱۷٫۹)</p> <p>-سلامت اجتماعی (۱۰٫۵ درصد)</p> <p>-تنظیم حقوق بازنشستگی (۸٫۴ درصد)</p> <p>-پوشش بیماری (۶٫۳ درصد)</p> <p>-مزایای خانواده (۶٫۳ درصد)</p> <p>-اقدامات بازار کار (۵٫۳ درصد)</p> <p>-یارانه مسکن (۴٫۲ درصد)</p> <p>-یارانه غذا (۲٫۱ درصد)</p> <p>-مزایای والدین‌امادر (۲٫۱ درصد)</p>
--	--	--

منبع: یافته‌های گزارش

توضیحات:

۱- اقدامات حمایتی اجتماعی و درصد هر یک از آنها مندرج در ستون اول از سمت راست، مربوط به برنامه‌های حمایتی ۴۷ کشور جهان از جمله چین، آلمان، کره جنوبی، دانمارک، سوئد، ترکیه، ژاپن، امارات و غیره است که نتایج در پایگاه زیر موجود است:

<https://www.social-protection.org/gimi/ShowWiki.action?id=3417>

۲- سیاست‌های پولی و مالی کشورهای منتخب مندرج در ستون‌های دوم و سوم از سمت راست از میان کشورهای OECD، اروپای قاره‌ای، اسکاندیناوی و چند کشور موفق از شرق آسیا و خاورمیانه برگرفته شده تا امکان مقایسه کشورها و مناطق برقرار باشد و جزئیات آن در منبع زیر موجود است:

سهیلی، حبیب و دیگران (۱۳۹۹)، «آثار شیوع ویروس کرونا بر کسب‌وکار و رفاه خانوارها، سیاست‌های حمایتی در ایران و جهان»، معاونت امور اقتصادی و برنامه‌ریزی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.

۳-۳- مؤخره

هر چند چشم‌اندازِ پایان پاندمی کووید-۱۹ با توجه به آغاز واکسیناسیون عمومی جهانی امیدبخش است، اما چنانچه بررسی ما نشان داد افق تأثیرات مخرب آن بر حیات اقتصادی-اجتماعی کشورها هراسناک است. متأسفانه، پاندمی در زمانی شیوع یافت که به باور اکثر آگاهان و طبق واقعیات موجود، چرخه توسعه جهانی به دلیل ضربات حاصل از بحران‌ها و رکودهای ادواری مختلف قبلی در پایین‌ترین وضعیت خود قرار داشت. بنابراین، کووید-۱۹ همچون یک رخدادِ تکنانه‌ای سرعت تحولات موجود را شتاب بخشیده و حتی برخی کنش‌ها و فعالیت‌های انسانی را به یک نقطه بی‌بازگشت رهنمون کرده است.

چنانچه یافته‌های این مطالعه نشان داد، پاندمی کووید-۱۹ به‌مثابه یک لحظه تحول‌آفرین در روند توسعه جهانی، واجد دگرگونی هم در بعد عینی و هم در بعد ذهنی توسعه بود. در متن کووید-۱۹ شاهد شدت تغییرات عینی چون افزایش فقر و تغییر در روند نابرابری؛ تحول در مسیر رشد و تغییر مکان تولید بین مناطق جغرافیایی؛ امواج بلند توسعه و انشعاب در مرکزیت نظام جهانی؛ افول در میزان سود-انباشت سرمایه؛ تغییر در روابط کار و اشتغال؛ و تحولات مرتبط با بخش‌ها-فعالیت‌های انسانی هستیم که در این گزارش به تفصیل بحث شد. به باور نگارنده اگرچه اثرات کووید-۱۹ بر روند عینی توسعه به معنی شتاب تحولات است، اما در حکم یک نقطه عطف نیست؛ چراکه بحران‌های ادواری مشابه قبلی در سه دهه اخیر نیز چنین بوده‌اند.

اما آنچه اهمیت بیشتری دارد و بحران حاصل از رویداد کووید-۱۹ را بحران‌های ادواری ۷۰ سال بعد از جنگ جهانی دوم جدا می‌کند؛ قدرت مهیب آن در تغییر ذهنیت توسعه است. می‌دانیم فجایع همه‌گیر از جمله جنگ‌های جهانی و پاندمی‌ها، لحظات تاریخی برای پرداختن به پرسش‌های بزرگ و محرک‌های بیرونی قدرتمند هستند که ذهنیت توسعه را نیز دگرگون کرده و مسیرهای بدیل را مقابل کنشگران و جوامع انسانی قرار می‌دهند. از این نظر، جوانب تغییرات ذهنی مانند دگرگونی در قلمرو آزادی/ نظارت بر افراد و جوامع انسانی؛ تغییر مسیر جنبش‌ها و خیزش‌های اجتماعی؛ چالش در اسطوره توسعه‌غربی برای کشورها؛ تغییر جهان‌بینی‌ها و انشعاب در چرخه ایدئولوژیک توسعه در این مطالعه به تفصیل بررسی شدند. دگردیسی‌های اخیر به معنای آشوب بیشتر در سیستم جهانی و در حکم رانه‌های دگرگونی فرجامین آن هستند: نشانه‌هایی آشکار از انشعاب در ایدئولوژی مسلط نولیبرال و شواهدی روشن دال بر افول تراژیک داستان توسعه غربی و تغییر مکان توسعه از غرب به شرقِ دنیای جهانی شده.

منابع

- بالونژاد، روزبه و دیگران (۱۳۹۹). «چشم‌انداز اقتصاد جهان ۲۰۲۰؛ پیش و پس از شیوع ویروس کرونا»، تهران: پژوهشکده امور اقتصادی وزارت اقتصاد و دارایی.
- بانک جهانی (۲۰۱۰). «وضعیت فقر در جهان» در: سید رحیم تیموری، «تجربه توسعه در ایران بعد انقلاب اسلامی: در انطباق با نظریه‌ها و شاخص‌ها»، تهران: مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری، ۱۳۹۸: ۷۸.
- بانک جهانی (۲۰۱۹). «تحول در محیط کار».
- بحران کرونا و حمایت‌های اجتماعی» (۱۳۹۹). مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- بنناو، آرون (۱۳۹۹). «اتوماسیون و آینده کار»، ترجمه ایوب رحمانی و ستار رحمانی، فصلنامه نقد/اقتصاد سیاسی، شماره ۱۵.
- پالمر، جیمز (۱۳۹۹). «شکاف‌های نژادی بدتر می‌شود»، آینده‌نگر، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، شماره ۹۵.
- حسن‌زاده، پیام (۱۳۹۹). «فوکو در زمانه ویروس کووید-۱۹»، فصلنامه نقد/اقتصاد سیاسی، شماره ۱۵، ۷۶۱-۷۵۱.
- دو توکویل، آلکسی (۱۳۹۵). انقلاب فرانسه و رژیم پیش از آن، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مروارید.
- دو توکویل، آلکسی (۱۳۹۶). دموکراسی در آمریکا، ترجمه رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای، تهران: علمی و فرهنگی.
- رابرتز، مایکل (۱۳۹۷). «اقتصاد مارکس، فصل سوم: مارکس و نظریه بحران»، ترجمه احمد سیف، فصلنامه نقد/اقتصاد سیاسی، شماره ۷.
- «زمینی که زیرپای ویروس لرزید گفتگوی فارن پالسی با متفکران بزرگ زمانه درباره ابعاد پاندمی کووید-۱۹: بخش اول - استیون والت»، ماهنامه آینده‌نگر، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران شماره ۹۵، شهریور ۱۳۹۹، ۱۵۰-۱۴۸.
- «زمینی که زیرپای ویروس لرزید گفتگوی فارن پالسی با متفکران بزرگ زمانه درباره ابعاد پاندمی کووید-۱۹: بخش دوم - جان ایکنبری»، ماهنامه آینده‌نگر، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران شماره ۹۵، شهریور ۱۳۹۹، ۱۵۰-۱۴۸.
- سازمان بین‌المللی کار (۲۹ آوریل ۲۰۲۰). «بحران کرونا و جهان کار»، ترجمه و تدوین: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۷ اردیبهشت.
- سهیلی، حبیب و دیگران (۱۳۹۹). «آثار شیوع ویروس کرونا بر کسب‌وکار و رفاه خانوارها، سیاست‌های حمایتی در ایران و جهان»، تهران: معاونت امور اقتصادی و برنامه‌ریزی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
- شبهات‌های کرونا با همه‌گیری سال ۱۹۱۸ و ظهور فاشیسم»، باشگاه خبرنگاران، ۲۴ خرداد ۱۳۹۹.
- کرونا و تشدید فقر: مروری بر گزارش‌های بین‌المللی درباره آثار کووید-۱۹ بر فقر»، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۹.
- مردانی شهری، مجید (۱۳۹۹). «نگاهی به تأثیر همه‌گیری کووید-۱۹ بر صنایع منتخب»، گاهنامه پیش توسعه و آینده‌نگری، شماره ۳.
- مظلوم‌زاده، ابوالفضل «کووید-۱۹ با اعتراض‌های سیاسی چه کرد؟»، ترجمه ابوالفضل مظلوم‌زاده، ویژه‌نامه اقتصاد سیاسی کووید-۱۹، نقد اقتصاد سیاسی.
- «مقابله با دولت مراقبتی» (۱۳۹۹). ماهنامه آینده‌نگر، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران شماره ۹۶، ۱۴۲.
- مؤسسه ابتکارات توسعه انسانی و فقر آکسفورد (۲۰۲۰). در: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، اردیبهشت ۱۳۹۹.

- هراری، یووال نوح (۱۵ فروردین ۱۳۹۹). «جهان پس از کووید-۱۹ از نگاه نویسنده انسان خردمند»، همشهری آنلاین. والرشتاين، امانوئل (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر تحلیل نظام‌های جهانی (فصل پنجم)، ترجمه حسین عسگریان، تهران: موسسه بین‌المللی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر ایران.
- «ویرانی دموکراسی» (۱۳۹۹). ماهنامه آینده‌نگر، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران شماره ۹۵، شهریور ۱۳۹۹، ۱۶۲.
- «ویژه‌نامه کووید-۱۹» (۱۳۹۹). تهران: گاهنامه پیش توسعه و آینده‌نگری، شماره ۳.
- Herrera, R., Long, Z., Feng, Z., & Li, B. (2020). "US-China Trade War: Has the Real "Thief" Finally Been Unmasked?." Vol. 72, N. 5, 32-43 (No. hal-03083770)
- Hobson, J. M. (2009). Giovanni Arrighi-Adam Smith in Beijing: Lineages of the Twenty-First Century (Verso, 2007).
- Hopkins, T. K., & Wallerstein, I. (2016). "Cyclical rhythms and secular trends of the capitalist world-economy." *Review (Fernand Braudel Center)*, Vol.39, No.(1/4), 153-170.
- Kaplan, R. D. (2005). How we would fight China. *The Atlantic Monthly*, 295(5), 49-64.
- Kissinger, H.A. "China: Containment Won't Work," *Washington Post*, June 13, 2005.
- Komlosy, A. (2013). "China's Move towards a Global Economic Core in the Twenty-first Century? Prospects, Constraints, Consequences." *Review (Fernand Braudel Center)*, Vol.36, No.(3-4), 351-385.
- Kotz, D. (2018). "End of Neoliberal Era." *New Left Review*, 113, 29-55.
- Kotz, D. M. (2015). *The rise and fall of neoliberal capitalism*. Harvard University Press.
- Kotz, D. M., & Basu, D. (2019). "Stagnation and institutional structures." *Review of Radical Political Economics*, Vol.51, No.1, 5-30
- Long, A., & Ascent, D. (2016). World Economic Outlook. *International Monetary Fund (IMF): Washington*.
- Maddison, A. (2007). *Contours of the world economy 1-2030 AD: Essays in macro-economic history*. Oxford University Press.
- Milanovic, B. (2019). *Capitalism, alone: The future of the system that rules the world*. Harvard University Press.
- Pinkerton, James P. (November 7, 2005). "Superpower Showdown," *The American Conservative*, November 7, 2005, p. 5 available at <http://www.amconmag.com>
- Roberts, M. (2018). Marx 200 Ð a review of Marx's economics 200 years after his birth, Published and printed by Lulu.com
- Silver, B. J. (2003). *Forces of labor: workers' movements and globalization since 1870*. Cambridge University Press.
- Silver, B. J. (2003). *Forces of labor: workers' movements and globalization since 1870*. Cambridge University Press.
- Snowden, F. M. (2019). *Epidemics and society: from the black death to the present*. Yale University Press.
- Tao, Y. (2013). Peter Nolan, Is China Buying the World?. Cambridge, UK, Polity Press, 2012, 147 pp. *China Perspectives*, 2013(2013/3), 93-94.
- World Bank. (2020). *Poverty and Shared Prosperity 2020: Reversals of Fortune*. The World Bank. <https://srilankabrief.org/2020/03/visualizing-the-history-of-pandemics>
<https://www.social-protection.org/gimi/ShowWiki.action?id=3417>